

وارليق

۳۱-جی ایل، یاز ۱۳۸۸، سایی ۱۵۲

سال سی و یکم، بهار ۱۳۸۸، شماره ۱۵۲

فصلنامهٔ فرهنگي فارسي-ترکي

تورکجه-فارسجا کولتورل درگي



اولو تانری نین آدی ایله

وارلیق

فصلنامهٔ فرهنگى فارسى-ترکى
تورکجه-فارسجا کولتورل درگى

۳۱-جى ایل، یاز ۱۳۸۸، سایی ۱۵۲
سال سی و یکم، بهار ۱۳۸۸، شماره ۱۵۲

مؤسس، صاحب امتیاز و مدیر مسئول:
دکتر جواد هیئت

شماره امتیاز: ۸۵۳۸

ایچینده کیلر

(فهرست)

- ویژگیهای زبان ترکی و مقایسه کوتاه بین ترکی و فارسی • دکتر جواد هیئت ۳
- پیر پالاندوز • دکتر عزیز محسنی ۱۴
- مشروطیت دؤنمی قزئتلریندن: آنا دیلی قزئتلی • محمدرضا هیئت ۲۰
- پروفیسور دوکتور گرهارد دؤرفرین بیوقرافیسی و اثرلری • دکتر سلطان تولو ۲۴
- آذربایجان تاریخی اوزره پروفیسورلار مباحثهسی (۲) • عادل ارشادی فر ۳۰
- ابتدایی صنیفلرده افادهلی اوخو درس لرینده منطقی وورغو • ماهره عبدالله یئوا ۳۴
- ۱۹-جو عصر قاجارلار دؤرونون آذربایجانلی حکیم لری • طاهره حسن زاده ۳۷
- چینگیز ایتماتوفون «آغ گمی» رومانینداکی شفاهی خلق ادبیاتی عنصرلری • صلاح الدین بککی ۴۳
- محمد فضولی و سلطان سلیمان قانونی • سراج الدین حاجی ۵۳
- بیر آغاچا چیخیب، مین بیر بوداق سیندیرماق! • کند اوشاغی ۶۱
- فضولی اوغلو فضولی دن بیر پارچا شعر • میر هدایت حصاری ۶۴
- شهریارین حیدربابا داغیندان اوجا دیلی • دردانه نقی یئوا ۶۷
- کتاب تانیتمی ۷۵
- شعرلر ۷۷
- Azerbaycan ve Türk dilleri ağızlarında ünlü uyumunu: bozulması zamanı olan değişiklikler • Dr. Aynel Meşadiyeva 91
- 1920-ci illər Azərbaycan ədəbi dilinin leksik normasına münasibətdə əsas təmayüllər: milli sözlərə meyl • Kərimli Firəngiz Qabil qızı 96

ویژگیهای زبان ترکی و مقایسه کوتاه بین ترکی و فارسی

خزعه شده از رساله «مقایسه اللغتين»

● دکتر جواد هیئت

فارسی شکر است ترکی هنر است

متأسفانه در دوران پهلوی، به پیروی از افکار ملی‌گرایانه افراطی و شوونیستی بیش از نیم قرن در این باب سیاست جبر و تحمیل اعمال شد و از چاپ و انتشار هر گونه کتاب ترکی جلوگیری به عمل آمد و زبان فارسی هم بصورت زبان انحصاری دولتی و تحمیلی در آمد! در نتیجه این سوء تدبیر و انحصارطلبی و سیاست زورگویی، زبانهای غیرفارسی مردم ایران، به ویژه ترکی رسماً ممنوع شد. البته اینگونه رویه و اعمال غیرانسانی و ضد مردمی بدون واکنش نماند و در مردمی که زبانشان ممنوع اعلام شده بود عکس‌العملهایی نامطبوع و گاهی کینه و نفرت برانگیخت و خواه و ناخواه از شیرینی لهجه فارسی هم در مذاق آنها کاسته شد!

بعد از سقوط رژیم پهلوی و رفع ممنوعیت دولتی در مدت کوتاهی کتاب و مجله و روزنامه به زبان ترکی چاپ و منتشر شد و دیوانهای شعرای ترکی‌گوی قدیم و جدید تجدید چاپ گردید و زبان ترکی مجدداً ولو به طور نسبی فرصت و میدان هنرنمایی یافت.

در حال حاضر ۲۵ لهجه یا زبان ترکی در مناطق مختلف شوروی سابق، ترکستان شرقی (چین)، ترکیه و بالکان زبان رسمی مردم است و در حدود ۲۰ لهجه یا زبان ترکی دارای کتابت و ادبیات کتبی است.

ادبیات شفاهی ترکها بسیار غنی است و در هر منطقه ضمن ویژگیهای عمومی و قدیمی، خصوصیات محلی را نیز در بر دارد. ادبیات شفاهی ترک‌زبانان ایران شاید غنی‌ترین و یا یکی از غنی‌ترین آنها در نوع خود می‌باشد.

کتاب دهده قورقود که داستانهای اقوام اوغوز را بازگو می‌کند، یکی از قدیمی‌ترین آثار ادبیات شفاهی است و به طوری که اغلب دانشمندان معتقدند، همچنانکه از متن کتاب هم بر می‌آید مهم‌ترین وقایع تاریخی این

داستانها در آذربایجان و در قسمت شرقی آناتولی رخ داده و در آن از قهرمانیها و ویژگیهای قومی و قبیله‌ای مردم این سرزمین سخن رفته است.

طبق آمارهای اخیر در دنیا شش هزار زبان موجود است که نیمی از آنها کمتر از ده هزار و یک چهارم آنها کمتر از یک هزار گویشور دارند و تنها ۲۰ زبان هستند که صدها میلیون نفر بدانها سخن می‌گویند. زبان‌شناسان معتقدند که یک زبان به شرطی می‌تواند زنده بماند که حداقل یک صد هزار نفر گویشور داشته باشد بنابراین بیش از نیمی از زبانهای حاضر در حال نابودی هستند.

اینترنت، حکومت‌های ملی در گزینش و تحکیم زبانهای ملی و تضعیف دیگر زبانها نقش مهمی دارند. پیشرفت علمی و صنعتی شدن و روشهای ارتباطی نوین نیز به نابودی زبانها کمک می‌کند. زبانی که در اینترنت نباشد زبانی است که در دنیای نوین «دیگر وجود ندارد»، این زبان مورد استفاده قرار نمی‌گیرد و در تجارت هم بکار نمی‌رود.

در حال حاضر هر سال ده زبان از بین می‌رود، افق آینده نیز تیره‌تر به نظر می‌رسد. برخی چنین پیش‌بینی کرده‌اند که ۵۰ تا ۹۰ درصد زبانهای فعلی در این قرن از بین می‌روند و بدین سبب حفظ آنها امری ضروری به شمار می‌رود.

مسئله زبان در قرن بیست و یکم دو سؤال را مطرح می‌سازد. از یک سو زبانهای ملی یا پرگویشور چگونه در برابر پیشتازی زبان انگلیسی مقابله کنند؟ از سوی دیگر، زبانهای فرعی یا محلی چگونه می‌توانند از خطر نابودی نجات یابند و در جهت توسعه پیش بروند؟

برای حمایت از زبانهای محلی و جلوگیری از نابودی آنها در ۱۰-۱۲ سال اخیر مقامات بین‌المللی تصمیماتی اتخاذ و قطعنامه‌هایی صادر کرده‌اند. از جمله:

در ۱۸ دسامبر ۱۹۹۲ مجمع عمومی سازمان ملل متحد بیانیه مربوط به حقوق اشخاص متعلق به اقلیتهای قومی یا ملی، مذهبی و زبانی را به تصویب رساند. این بیانیه کشورها را موظف کرد تا از موجودیت و هویت اقلیتها در داخل مرزهایشان حمایت کنند. از میان حقوق پیش‌بینی شده برای اشخاص متعلق به اقلیتها موارد زیر را برمی‌شماریم: حق برخورداری از فرهنگ خاص خودشان، حق استفاده از زبانشان، اجازه شرکت مؤثر در فعالیتهای فرهنگی، مذهبی، اجتماعی، اقتصادی و زندگی عمومی و نیز در تصمیم‌گیریهای مربوط به اقلیتی که به آن متعلق هستند، اجازه تأسیس و اداره مؤسسات مربوط به خودشان، حق ایجاد ارتباط صلح‌جویانه و خالی از تبعیض با اعضای گروه خود یا دیگر اتباع کشورهای دیگری که با آنها پیوندهای مشترک قومی، مذهبی و زبانی دارند.

این نخستین سند قابل قبول جهانی و جامع مربوط به حقوق اشخاص وابسته به اقلیتهاست و از همین رو بر نحوه اجرا و تصویب قوانین ملی کشورها تأثیر خواهد گذاشت.

* * *

شبهات و خویشاوندی زبانها از دو نظر بررسی می‌شود: ۱- منشأ زبانها، ۲- ساختمان و شکل خارجی زبانها (موروفولوژی).

زبان ترکی از نظر منشأ جزو زبانهای اورال-آلتای و یا به بیان صحیح‌تر، از گروه زبانهای آلتایی است. زبانهای اورال-آلتای به مجموعهٔ زبانهایی گفته می‌شود که مردمان متکلم به آن زبانها از منطقه بین کوههای اورال-آلتای (در شمال ترکستان) برخاسته و هر گروه در زمانهای مختلف به نقاط مختلف مهاجرت نموده‌اند.

این گروه زبانها شامل زبانهای فنلاندی، مجاری (اورالیک) و زبانهای ترکی، مغولی، منچو و تونقوز (زبانهای آلتایک) می‌باشد.

زبانها از نظر ساختمان و مورفولوژی به سه دسته تقسیم می‌شوند:

۱- **زبانهای تک‌هجایی و یا تجزیدی^۱**: مانند زبان چینی در جنوب شرقی آسیا. در این زبانها کلمات صرف نمی‌شوند و پسوند و پیشوند نمی‌گیرند و تغییر نمی‌کنند. گرامر منحصر به نحو و ترکیب و ترتیب کلمات است که معانی کلمات را تغییر می‌دهد. در این زبانها آکسان یا استرس (تأکید یا accent)، تن صدا و انتوناسیون (intonation) یا آهنگ ادای کلمات و جمله بسیار مهم است و معنا را مشخص می‌کند. در زبان چینی تعداد کمی از واژه‌ها تک‌هجایی هستند.

۲- **زبانهای تحلیلی یا صرفی**: در این زبانها ریشه کلمات هم ضمن صرف تغییر می‌نماید، مانند: گفتن - می‌گویم. زبانهای هند و اروپایی و از آن جمله زبان فارسی جزو این گروه می‌باشند.

۳- **زبانهای التصاقی یا پسوندی**: در این زبانها کلمات جدید و صرف افعال از چسبانیدن پسوندهای مخصوص به ریشه کلمات ایجاد می‌شود و این مسئله سبب پیدایش لغات جدید و غنای لغوی می‌گردد. در این زبانها ریشه ثابت بوده و در موقع صرف تغییر نمی‌یابد. پسوندها تابع آهنگ ریشه بوده و به آسانی از آنها قابل تشخیص‌اند. زبان ترکی و گروه زبانهای اورال-آلتایی جزو این دسته می‌باشند.

در زبانهای هند و اروپایی از جمله فارسی پسوندهای جرّ (ادات) یا حروف اضافه وجود دارد. در صورتی که در ترکی پیشوند وجود ندارد. مثلاً در برابر کلمهٔ *انترناسیونال* (فرانسه) و *بین‌المللی* (عربی)، در ترکی می‌تندر *آراسی* و *یا اولوسلار آراسی* گفته می‌شود. یعنی به جای پیشوند، پسوند به کار می‌رود، چون در ترکی کلمات از آخر تکامل و توسعه پیدا می‌کنند.

در زبانهای هند و اروپایی عنصر اصلی (مبتدا و خبر) در ابتدا قرار می‌گیرد و عناصر بعدی با ادات ربط به شکل حلقه‌های زنجیر به یکدیگر مربوط می‌شوند و اگر عناصر بعدی قطع شوند ساختمان جمله ناقص نمی‌شود. ولی در ترکی ترتیب عناصر کاملاً برعکس است. یعنی ابتدا باید عناصر ثانوی و فرعی تنظیم و گفته شود، عنصر اصلی یا فعل هم در آخر قرار می‌گیرد.

مثال در فارسی: *من به شیراز رفتم تا دوستم را ببینم که اخیراً از فرانسه آمده و در آنجا شش سال طب خوانده است.*

حال همین مثال در ترکی: *آلتی ایل طب اوخویاندان سونرا فرانسادان یئنی قایدان دوستومو گؤرمک اوچون شیرازا گئتدیم.*

^۱ امروزه این زبانها را تجزیدی (isolating) می‌نامند، چون تعداد زیادی از کلمات آنها تک‌هجایی نیستند.

جی. ال. لويس در دستور خود اجزای جمله ترکی را به ترتیب زیر می‌شمارد:

۱- فاعل، ۲- قید زمان، ۳- قید مکان، ۴- مفعول غیر صریح، ۵- مفعول صریح، ۶- قید و هر کلمه‌ای که معنی فعل را تغییر دهد، ۷- فعل.

هر چیز معین بر غیر معین مقدم است، یعنی اگر مفعول صریح معین باشد بر مفعول غیر صریح غیر معین مقدم می‌شود.

مثال جمله مرتب ترکی چنین است: نقاش کئچن گون موزه ده گلنلره تابلولارینی اؤزو گوستریدی.

یعنی: نقاش روز گذشته در موزه تابلوهای خود را به تماشاچیان خودش نشان داد.

به علاوه هر عنصری از جمله که به آن بیشتر اهمیت داده شود نزدیک فعل قرار می‌گیرد.

در صورتی که جمله با فعل ختم نشود، جمله معکوس گفته می‌شود که در محاوره، شعر و سبکهای خاص به کار می‌رود.

هماهنگی اصوات: یکی از بارزترین ویژگیهای ترکی هماهنگی اصوات است. اصوات یا آواها در زبان به عنوان عناصر بسیط تشکیل دهنده کلمات دارای نقش اساسی هستند. در زبان ترکی بین اصوات مختلف ریشه و پسوند، هماهنگی موجود است.

هماهنگی اصوات سبب می‌شود که کلمات ترکی دارای آهنگ خاص بوده و تلفظ صحیح آنها اثر مطبوعی در شنونده ایجاد نماید.

حروف یا صداهای رایج ترکی ۳۲ عددند که از آنها ۹ صائت و بقیه صامت هستند.

در ترکی بر خلاف فارسی و عربی صدا دارها کوتاهند و به همین علت شعرای ترکی گو در شعر عروضی به اجبار از کلمات فارسی یا عربی استفاده کرده و یا بعضی اوقات صداها را کشیده تلفظ می‌کنند. وزن عروضی بر خلاف وزن هجایی برای شعر ترکی مناسب نبوده و در شعر معاصر جای سابق خود را از دست داده است. شعر ترکی قبل از پذیرفتن اسلام با وزن هجایی سروده شده و «قوشوق» یا «قوشقی» نامیده می‌شد. بعد از آنکه بر اثر مهاجرتها ترکان به اعراب و فارسی‌زبانان نزدیک شدند، وزن عروضی را از آنان اقتباس و به مرور وزن کلاسیک شعر ترکی قرار دادند. با وجود این شعرای خلقی (اوزانها و عاشیقها) اشعار خود (بایاتی، قوشما و...) را با وزن هجایی سروده‌اند.

در بررسی مقایسه‌ای زبانها از چهار نقطه نظر تحقیق می‌شود:

۱- از نظر جمله‌بندی یا نحو،

۲- از نظر مورفولوژی یا شکل خارجی و پسوندها،

۳- از نظر آوایی یا فونتیک (صداها)،

۴- از نظر لغوی و کلمات.

اینک درباره لغات و مخصوصاً افعال ترکی در مقایسه با لغات و افعال فارسی توضیحاتی داده می‌شود. در این باب امیر علی‌شیر نوایی در حدود ۵۰۰ سال قبل در کتاب «محاكمه اللغتين» بحث قابل توجهی نموده و بعنوان مثال یکصد لغت ترکی را که معادل آنها در فارسی نیست مطرح نموده است. همچنین تعداد زیادی از افعال ترکی را که فارسی ندارد برشمرده است.

نوایی می‌گوید: معادل این کلمات که صد تای آن به عنوان نمونه ذکر شد در فارسی وجود ندارد، بنابراین اگر بخواهیم معانی این کلمات را به فارسی‌زبانها بفهمانیم، ناچار باید به کمک جمله‌هایی با کمک گرفتن از کلمات عربی متوسل شویم.

لغاتی را که نوایی در کتاب خود به عنوان مثال به کار برده، کلمات ترکی جغتایی است و اغلب برای ترک‌زبانان ایران ناآشناست، از این جهت در این رساله به جای آنها لغات مشابه ترکی آذربایجانی به کار برده شده است.

در این رساله در حدود ۱۷۰۰ کلمه ترکی آذربایجانی درج شده که در فارسی کلمه مستقلاً برای آنها به کار نمی‌رود. ضمناً به عنوان نمونه در حدود ۳۵۰ کلمه ترکی نقل شده که عیناً در فارسی به کار می‌رود؛ مانند: آقا، خانم، سراغ، اونغور، قاب، قاشق، قابلمه، دولمه، بیرق، سنجاق و امثال آنها.

در مقایسه فرهنگهای لغات ترکی آذربایجانی با ترکی ترکیه مشاهده می‌شود لغاتی که معادلشان در فارسی موجود نیست در دو لهجه ترکی یکی نبوده و در بیش از ۳۰٪ لغات با هم متفاوتند. از طرفی از هر ریشه لغتی ۱-۴ کلمه ذکر شده، در صورتی که در ترکی از یک ریشه تعداد زیادی کلمات ساخته می‌شود و هر کدام معنی بخصوصی دارند. ضمناً باید خاطر نشان نمود که در حال حاضر ۲۸ زبان یا لهجه مستقل ترکی وجود دارد که ۲۰ لهجه آن دارای کتابت و ادبیات بوده و هر کدام دارای لغات مترادف بیش از یک هزار لغت ترکی آذربایجانی می‌باشند. با این ترتیب معلوم می‌شود که هزاران کلمه در ترکی موجود است که معادل آنها در زبان فارسی موجود نیست.

در زبان ترکی کلماتی با اختلاف جزئی (نوانس) در معانی موجود است که در فارسی نیست. مثلاً برای انواع دردها کلمات: آغری، آجی، سیزی، یانغی، زوققو، سانجی، گؤینه‌مک، گیزیلده‌مک، اینجیمک به کار می‌رود که هر کدام درد بخصوصی را بیان می‌کند.

آغری: معادل درد فارسی است (درد عضوی).

سانجی: به درد کولیک احشاء تو خالی گفته می‌شود، مانند قولنج، روده.

آجی: به درد پرووکه (provoke) گفته می‌شود، مانند درد در موقع کشیدن دندان.

سیزی: به درد خفیف سوزش‌دار گفته می‌شود.

یانغی: معادل سوزش می‌باشد.

زوققو: درد همراه ضربان است مانند درد آبه و درد عقربک انگشتان و امثال آنها.

گؤینه‌مک: شبیه سوختن است و در دقایق اول سوختگی دیده می‌شود.

اینجیمک: درد در موقع پیچ‌خوردگی مفاصل و یا درد حاصل از ضربه و سقوط می‌باشد.

گیزیلمه مک: درد شبیه گزگز کردن دردناک می‌باشد.

در فارسی برای تمام حالات فوق لغت درد، سوزش یا گزگز کردن به کار می‌رود.

در ترکی به گریه کردن *اغلماق* گفته می‌شود. ولی این کلمه مترادفهای زیادی دارد که هر کدام حالات مختلف گریه را بیان می‌کند. مثلاً:

اغلماق: یعنی بغض کردن و به حالت گریه افتادن بدون اشک ریختن.

بؤزمک: به معنی حالت گریه گرفتن کودک.

دواوخسونماق: به معنی حالت گریه به خود گرفتن و متأثر شدن بزرگسال و پر شدن چشم از اشک می‌باشد.

اغلانماق: به معنی گریه دسته‌جمعی و تعزیه به کار می‌رود.

هؤنکورمک: با صدای بلند گریه کردن.

هؤککوله مک: گریه با هق هق می‌باشد.

بوزلاماق: با صدای بلند گریه کردن و از سرما لرزیدن می‌باشد.

ایچین چکمک: به معنی از فرط گریه کردن، گریه بدون اشک و یا هق هق نمودن است.

کؤیرلمک: به معنی حالت گریه دست دادن است.

در ترکی *جغتائی* / *اینگره مک* و *سینگره مک* به معنی یواش یواش و به طور مخفی گریه کردن و *سیتاماق* به

معنی زیاد گریه کردن و *اؤکورمک* به معنی با صدای بلند گریه کردن می‌باشد. همچنین *یینلاماق* به معنی

گریه کردن و *اینجگیرمک* به معنی با صدای نازک گریه کردن است.

در ترکی *اؤسانماق* به بیزار شدن و به تنگ آمدن می‌گویند. *بیقماق*، *بئزیکمک*، *بئزمک* و *چییریمک* هم با

اختلاف جزئی همان معنی را می‌دهد، مثلاً: *چییریمک* بیشتر به معنی زده شدن می‌باشد.

تریشمک: به معنی تکان خوردن و *ترپتمک* به معنی تکان دادن است، ولی *چالخالماق* به معنی تکان دادن

به منظور سوا کردن (مثلاً سوا کردن کره از ماست)، *قاتیشدیرماق* به معنی مخلوط کردن و *قاریشدیرماق* به

معنی به هم زدن با قاشق و غیره می‌باشد. *بیرقالماق* به معنی تکان دادن و جنباندن و *سیلکه‌له مک* به

معنی تکان دادن درخت و یا لباس و فرش و امثال آن می‌باشد.

در فارسی برای هیچ کدام از این تعبیرات لغات مستقل بخصوصی وجود ندارد.

ایمترتمک، *قیمسانماق* که با اختلاف جزئی به معنی آرزو کردن و هوس کردن و *نیسگیل* به معنی آرزوی

برآورده‌نشده و حسرت می‌باشد، هیچ کدام معادل مستقلی ندارند.

برای دعوا کردن کلمات متعددی بکار می‌رود که هر کدام شکل و حالت ویژه‌ای را از دعوا بیان می‌کنند،

مانند:

دؤیوشمک: همدیگر را کتک زدن

وؤروشماق: همدیگر را زدن

ساواشماق: با یکدیگر دعوا و جنگ کردن و *گلاویز شدن*

دیدیشمک: دعوا همراه چنگ زدن همدیگر
 چارپیشماق: دعوا و برخورد به یکندیگر، تصادم
 دالاشماق: با هم دعوی لفظی کردن
 دارتیشماق: با هم مشاجره کردن
 چاخناشماق: با هم سر شاخ شدن
 توتوشماق: دعوا با گرفتن همدیگر
 بؤغوشماق: دعوا همراه یقه همدیگر را گرفتن و خفه کردن
 تپیشمک و تیپکشمک: دعوا همراه لگد انداختن به هم
 خیرتدگشمک یا قیرتلاقاشماق: دعوا همراه گلوی همدیگر را گرفتن
 سؤیوشمک: همدیگر را دشنام دادن
 دیرشمک: دعوا کردن، رو در روی هم ایستادن
 بؤغازلاشماق: گلوی همدیگر را گرفتن، رو در روی هم قرار گرفتن، دعوا کردن
 چیرپیشماق: زد و خورد
 دؤروشماق: مناقشه، مجادله، رو در رو شدن
 سوپورلشمک: گلاویز شدن، در هم آویختن

همچنین برای اینکه بگوئید: فلانی از در وارد شد. بسته به شخصیت فلانی و نحوه ورود و مناسبت گوینده با وی کلمات زیر به کار می‌رود:

قاپیدان گلدی: از در آمد. (بطور متعارف)
 قاپیدان ایچری بویوردولار: از در تشریف‌فرما شدند.
 قاپیدان گیردی: از در وارد شد. (بطور خودمانی)
 قاپیدان کئچدی: از در گذشت.
 قاپیدان سؤخولدو: از در خودش را چپاند.
 قاپیدان تپیلدی: از در خودش را به زور تو کرد.
 قاپیدان دوروتولدو: از در یواشکی تو آمد.
 قاپیدان سوروشدو: از در سر خود آمد تو. (به معنی مجازی)

در ترکی به مرغابی / اوردک گفته می‌شود، ولی برای انواع آنها اسامی مختلف به کار می‌رود. مثلاً به اردک ماده بورچین و به اردک نر سونا و همچنین یاشیل‌باش گفته می‌شود.

در ترکی برای اسب و اغلب حیوانات اهلی در هر سنی نام مخصوص وجود دارد. مثلاً قولون برای اسب نوزاد، دای به اسب دوساله و یولان به اسب پنج ساله گفته می‌شود.

برای صداهای حیوانات مختلف و عناصر طبیعت لغات ویژه‌ای به کار می‌روند، مانند:

سو شیرلیتسی: صدای شرشر آب

یارپاق خیشیلتیسی: صدای خش خش برگ
 اوت پیچیلدیسی: صدای افتادت باد در سبزه
 گؤی، گورولتوسو: صدای غرش آسمان
 قافلان نریلتیسی: صدای غرش پلنگ
 قوش جیویلتیسی: صدای جیک جیک مرغ
 اینکلرین بؤیورمه‌سی: صدای گاوها
 شلاله‌نین چاغلاماسی: صدای ریزش آبشار

همچنین در برابر کلمه‌کندن فارسی هشت کلمه ترکی موجود است که هر کدام در محل و مورد خاصی به کار می‌رود:

قازماق: به معنی حفاری و کندن زمین و امثال آن.

یولماق: به معنی کندن مو و کندن از ریشه.

سویماق: به معنی کندن پوست، لباس و راهزنی.

اویماق: به معنی کنده‌کاری چوب و امثال آن برای منبت‌کاری و در آوردن چشم به کار می‌رود.

قوپارماق: برای کندن جزیی از چیزی.

قیرتماق: برای کندن و برداشتن جزیی از چیزی و نشگون گرفتن است.

سؤکمک: به معنی کندن و شکافتن.

اوزمک: به معنی کندن قلفتی، مثل کندن پوست گوسفند.

به طوری که مشاهده می‌شود در فارسی به جای کلمات مستقل تقلید صداها به طور مکرر به کار می‌رود.

در ترکی لغات مشابه (اومونیم) یا لغاتی همانند با معانی مختلف بسیار است که در شعر و ادبیات برای جناس و ایهام به کار می‌رود مانند: *آت* به معنی اسب و *آت* به معنی بیانداز.

زبان ترکی از نظر لغات برای مفاهیم مجرد بسیار غنی است. افعال ترکی به طوری که خواهیم دید از نظر نوع، وجه و زمان بسیار متنوع می‌باشند. در نتیجه زبان ترکی برای بیان اندیشه به طور دقیق بسیار مناسب و رساست.

ناگفته نماند با آنکه لغت باعث غنای زبان است، ولی غنای زبان بیشتر تابع تحرک و قابلیت لغت‌سازی، افاده و بیان مفاهیم جدید و غنای مفاهیم مجرد، همچنین تنوع در بیان، قدرت بیان تفرعات و تفاوت‌های جزیی (نوانس) کلام است.

با در نظر گرفتن مراتب فوق، نوایی و بسیاری از شرق‌شناسان معتقدند که نثر زبان ترکی برای بیان اندیشه و مفاهیم و موضوعات مختلف علمی، فلسفی، اجتماعی و ... رساتر و مناسب‌تر از زبانهای دیگر است.

مفاهیم و اندیشه‌هایی را که می‌توان در ترکی با یک جمله بیان نمود، در زبان فارسی جملات و شرح مفصلی را ایجاب می‌نماید.

در زبان فارسی واژه‌های بسیط سخت گرفتار کمبود است، زیرا بیشتر آنها به مرور زمانها رها گشته و از یاد رفته است. واژگان زبان فارسی برای مفاهیم علمی مجهز نیست و «مترجمان ایرانی بیش از همه این درد جانکاه را احساس می‌کنند و از این رنج می‌برند. گاه می‌شود که انسان یک ساعت، یک روز و حتی یک هفته تمام درباره بهمان تعبیر زبان خارجی می‌اندیشد، مغز و اعصاب خود را می‌فرساید و از هم می‌گسلد و سرانجام نیز راه به جایی نمی‌برد و خوانندگان هم همواره از مترجمان و ترجمه‌های فارسی ناخشنودی می‌نمایند.» (نقل قول از دکتر محمدرضا باطنی)

افعال: افعال کار، حرکت و حالت را بیان می‌کنند و عنصر اصلی جمله محسوب می‌شوند، به طوری که بدون فعل، جمله ناتمام و معنی آن نامفهوم خواهد بود.

زبانهای اورال-آلتائی عموماً و زبان و زبانهای ترکی خصوصاً از نظر افعال غنی هستند، به علاوه دارای انواع، وجوه و زمانهای متعدد و متنوع^۱، به طوری که ممکن است مفاهیم و مطالبی را با یک فعل بیان نمود، در حالی که برای بیان همان مفهوم و مطلب در زبانهای دیگر نیاز به جملات مشروح و مفصل باشد. مثلاً: *اوسانمیشام* یعنی: «من [از او] به تنگ آمده و بیزار شده‌ام!» *خوسانلاشدیق* یعنی: «ما با هم به طور خصوصی درد دل کردیم»، *قوجاقلاشدیلار* یعنی: «همدیگر را در آغوش گرفتند» و *آغلاشدیلار* یعنی: «با همدیگر گریه کردند»، *کنچیندیریر* یعنی: «اعاشه را تأمین می‌کند» و...

افعال ترکی بلااستثنا همه باقاعده‌اند جز فعل ناقص و فراموش شده/ایمک به معنی «بودن» که به جای فعل معین به کار می‌رود.

* * *

در خاتمه این مقاله به جا خواهد بود اگر نگاهی مقایسه‌آمیز هر چند گذرا به چند و چون اصطلاحات و تعبیرات فعلی در زبانهای فارسی و ترکی بیاندازیم. اصطلاحات و تعبیرات فعلی که از آن در اصطلاح لغت‌شناسی به ترکیبات ثابت فعلی زبان نیز نام برده می‌شود، یکی از جالب‌ترین و پرمایه‌ترین شقوق لغوی و ترکیبی زبان در ارایه معانی مجازی و تشبیهی است.

زبان فارسی که در عین حال یکی از زبانهای ترکیبی است و کلمات آن انعطاف زیادی برای تشکیل اصطلاحات و تعبیرات فعلی دارد، از وسعت و شمول زبان ترکی در ایجاد و کاربرد این نوع ترکیبات برخوردار نیست. در زبان ترکی تنها در رابطه با اعضای بدن انسانی از نوع: *باش (سر)*، *گؤز (چشم)*، *آغیز (دهان)*، *آیاق (پا)* و امثال آن، صدها اصطلاح و تعبیر وجود دارد. اینک برای اینکه در این باب نموداری به دست داده باشیم، به نقل تعدادی از اصطلاحات و تعبیرات فعلی رایج در زبان ترکی که از یادداشتهای مرحوم آقای م.ع. فرزانه اقتباس شده در رابطه با کلمه *دیل* (زبان) بسنده می‌کنیم:

۱- *دیل-آغیز ائله‌مک:* دلداری دادن، با لحن ملایم خواستار پوزش شدن، رفع رنجش و کدورت کردن.

^۱ در ترکی از نظر نوع، وجه و زمان ۵۱ شکل فعل وجود دارد که طی جدولی در کتاب مقایسه اللغتين نشان داده شده است.

- ۲- دیل آچماق: زبان باز کردن (طفل)، درد خود را باز گفتن، التماس کردن و خواهش کردن.
- ۳- دیل بوغازا سالماق: وراچی کردن، پشت سر هم و بدون وقفه حرف زدن.
- ۴- دیل اویرتمک: چیزهای ندانسته را یاد دادن، حرف یاد (کسی) دادن، راه و چاه نشان دادن.
- ۵- دیل تاپماق: تفاهم پیدا کردن، جلب رضایت و اعتماد کردن، زبان مشترک یافتن.
- ۶- دیل تۆکمک: خواهش و تمنا کردن، اصرار ورزیدن.
- ۷- دیل چیخارماق: استهزا کردن، ادای یکی را در آوردن.
- ۸- دیل وئرمک: راضی شدن، رضایت دادن. دیل وئرمه مک: امکان حرف زدن به دیگری را ندادن.
- ۹- دیلده توک بیتمک: از تکرار و بازگویی یک مطلب خسته شدن.
- ۱۰- دیلدن دوشمک: خسته شدن، از پا درآمدن.
- ۱۱- دیلدن سالماق: خسته و درمانده کردن، از پا انداختن.
- ۱۲- دیلدن دوشمه مک: ورد زبان بودن، از یاد نرفتن، فراموش نشدن.
- ۱۳- دیله گتیرمک: یکی را به حرف وا داشتن، کاری را که در حق کسی انجام شده به زبان راندن.
- ۱۴- دیله توتماق: با حرفهای شیرین یکی را رام کردن، بچه در حال گریه را با سخن گفتن ساکت کردن.
- ۱۵- دیله گتیرمه مک: یارای گفتن حرفی را نداشتن، نگفتن حرفی که گفتن آن ممکن است.
- ۱۶- دیلی آغزینا سیغماماق: خودستایی کردن، حرفهای گنده گنده گفتن.
- ۱۷- دیلی باتماق: نطقش خاموش شدن.
- ۱۸- دیله گلمک: زبان به شکوه و شکایت گشودن، به ناله و فغان آمدن.
- ۱۹- دیلی قیسا اولماق: به خاطر داشتن قصور جرأت حرف زدن نداشتن.
- ۲۰- دیلی دولاشماق: حرفها را اشتباه گفتن، در نتیجه اشتباه و یا دستپاچگی حرفها را قاطی کردن.
- ۲۱- دیلی دؤنمه مک: قادر به تلقظ و ادای صحیح حرف نبودن.
- ۲۲- دیلی توتولماق: توان و یارایی گفتن را از دست دادن، به هنگام سخن گفتن لکنت پیدا کردن.
- ۲۳- دیلینه وورماماق: از چشیدن چیزی امتناع کردن.
- ۲۴- دیلیندن دوشمه مک: مرتباً تکرار کردن، بطور مدام بر زبان داندن.
- ۲۵- دیلیندن قاجیرماق: بیان سخنی بی‌هوا و بی‌حساب و در غیر جای مربوط.
- ۲۶- دیلینی باغلاماق: وادار به سکوت کردن.
- ۲۷- دیلینه باغلاماق: به گردنش گذاشتن، حرف بر دهان کسی گذاردن.
- ۲۸- دیلینی بیلیمک (باشا دوشمک): از حال و مقالش با خبر شدن، راز دلش را حالی شدن.
- ۲۹- دیلینی قارنینا (دینمز یئرینه) قویماق: از زیاده‌گویی خودداری کردن، زبان در حلق فرو بردن.
- ۳۰- دیلینی دیشله مک: حرف را ناتمام گذاشتن، در وسط حرف تأمل کردن.
- ۳۱- دیلینی کسمک: به سکوت وا داشتن، جلو حرف یکی را به زور گرفتن.
- ۳۲- دیلینی ساخلاماق: از گفتن چیز خاصی خودداری کردن، سکوت را ترجیح دادن.
- ۳۳- دیلینی ساخلاماماق: در گفتن بی‌پروایی نشان دادن، حرف زیادی و بی‌موقع زدن.

- ۳۴- دیلر ازبری اولماق: به دلیل خوشنامی به زبانها افتادن، ذکر خیر داشتن.
 ۳۵- دیلرده گزمک (دولاشماق): همچون امثال در زبانها گشتن.
 ۳۶- دیلره دوشمک: ورد زبان خاص و عام شدن، سر زبانها افتادن، شایع شدن.

نتیجه:

زبان ترکی یکی از باقاعده‌ترین زبانهاست و از نظر لغات، مخصوصاً افعال بسیار غنی است. وجود قانون هم‌آهنگی اصوات، کلمات ترکی را موزون و آهنگ‌دار نموده و به آنها نظم و ترتیبی خاص داده است. در ترکی علاوه بر اسامی ذات، لغات زیادی برای مفاهیم مجرد وجود دارد. به علاوه لغات مترادفی با اختلاف جزئی در معنی موجود است که میدان قلم‌فرسایی را وسیع‌تر و قلم‌نویسنده را تیزتر و دقیق‌تر می‌سازد.

افعال ترکی به قدری وسیع و متنوع‌اند که در کمتر زبانی نظیر آنها را می‌توان یافت. گاهی با یک فعل ترکی اندیشه و مفهومی را می‌توان بیان نمود که در زبان فارسی و زبانهای دیگر نیاز به جمله و یا جملاتی پیدا می‌کند. از طرفی وجود پسوندهای سازنده سبب شده که قابلیت لغت‌سازی برای بیان مفاهیم مختلف و تعبیرات فعلی بسیار زیاد باشد.

نحو و ترکیب کلام در ترکی با زبانهای هند و اروپایی متفاوت است. در ترکی عنصر اصلی جمله یعنی فعل اصلی در آخر جمله قرار دارد. در زبانهای هند و اروپایی عنصر اصلی جمله در ابتدا قرار می‌گیرد و عناصر بعدی با ادات ربط به شکل حلقه‌های زنجیر به یکدیگر مربوط می‌شوند و اگر عناصر بعدی قطع شوند، ساختار جمله ناقص می‌شود، ولی در ترکی ترتیب عناصر جمله کاملاً برعکس است یعنی ابتدا باید عناصر ثانوی و فرعی تنظیم و گفته شود و قسمت اصلی در آخر قرار گیرد و از همین جاست که هنر نویسندگان و یا گوینده ترک‌زبان نمایان می‌شود.

نتیجه آنکه ترکی برای بیان اندیشه و دقت در معانی مناسب‌تر و زبان فارسی برای بیان احساس (شعر) گویاتر می‌باشد. ■

پیر پالاندوز

• دوكتور عزیز محسنی

رضا خانین قان اوددوران و قیلینجی نین هر ایکی طرفی کسن گونلر، خلق آغیر بیر بوغونتو و سیخینتیدا یاشاییردی. نفسلر سینه لرده حبس ائدیلیمیشدی. آژانلار، خیابانلاردا، میدانلاردا، کوچه لرده، حتا دار-دودوک تنگه لرده، قودورغان آتلارا مینیب، یولدان کئچن آروادلارین، یئنی یئتمه قیزلاری باشلاریندان چارشابلارینی چادرالارینی زور ایله چکیر، جیریر، بعضاً معصوم بالاجا، اون - اون ایکی یاشلی قیزلاری اوزو قویلو سالیر، اونلارین آجینا جاقلی حاللارینا هئچ بیر اعتنا ائتمه دن، شومر ذوالجوشن^۱ کیمی آتلارینا هئی ووراراق دالارینا باخمادان، آتلارینی دورد نالا چاپیر، جیریلیمیش، ییرتیلیمیش چارشاب-چادرالاری غنیمت آپایریدیلار.

کیشی لرین حال-حوالاری آروادلاردان یاخشی راق دئییلدی. گونده خلقین گؤزلری قاباغیندا کیشی لرین بؤرکلری زور ایله آژانلاری واسیطه سیله بازاردا، کوچه لرده جیریلیب یئرہ تۆکولوردو. مسجیدلرین قاپیسی باغلانمیشدی، حتا دالدا و گؤزدن لاپ اوزاقدا اولان خیردا مسجیدلرین قاباغیندا عسکر قویولوب، خلقین مذهبی مراسیملری نین قاباغی آیینمیشدی.

مدرسه لرده فارسلاشدیرما سیاستی کؤبودجاسینا یئریدیلیردی. بوتون صینیفلرین دیوارلاریندا ایری خط ایله یازیلیمیشدی: «ایران و ایرانیت، شاه پرستی و وطن دوستی، سخن گفتن دائم به زبان فارسی است» (ایران و ایرانلی لیق، شاها پرستش و وطن سئورلیک، یالنیز فارسجا دانیشماقدان عبارتدیر).

اوشاقلار، یئنی یئتمه لر و اؤز آنا دیل لریندن باشقا بیر دیل بیلمه یین بالالارین گوناھی نه ایدی؟ بونلار نه ائتمه لی ایدیلر؟ حیاتا گؤز آچان زاماندان بری اونلارا، آنالاری اؤز شیرین دیل لری ایله لای-لای دئییب؛ بؤیوک آنالاری، قاری ننه لر، اونلاری یاتیرماق اوچون قولاقلارینا شیرین، اورک آچان و رؤیایا دالديران ناغیللار سؤیله ییب؛ یاشیدلاری، مکتب یولداشلاری بیر-بیرینه اؤز دوغما آنا دیل لرینده مثل، تاپماجا دئییب؛ خلق

^۱ شومر ذوالجوشن: حضرت امام حسین علیه السلامین قاتلیدیر. او زامان آژانلاری - یا بو کیمی آژانلاری خلق «شومر» (شمر) آدلاندیریردی.

بازاردا، دوکاندا همیشه اونلار ایله اؤز آنا دیلرینده دانیشیب، معلیملر، ناظیملر مدرسه‌لری اداره ائدن یئرلیلر، یالنیز بو دوغما دیلده اونلارا بویوروق وئریبلر؛ قیسا دئسک، بو اوشاقلار تویدا، یاسدا، انوده، ائشیکده اؤز دیلرینده دانیشیبلار، ترانه و ماهنی اوخویوبلار. آخی نئجه اولایبلر، بیر «متحد المال» یا «بخشنامه» ایله، ایللرله، یوز ایللرله کؤکو خلقلین جانیندا، روحوندا اولان بیر دیلی بئله خائنجه‌سینه و کؤبودجاسینا آرادان آپاریب اونون کؤکونو قوروتماق؟

حاکیم دایره‌لر اللریندن گلنی اسیرگه‌میردیله. هر بیر ساحه‌ده خلق آغیر تضییق آلتیندا ایدی. ترقی‌یه دوغرو یالان و ظاهیری شعارلار آلتیندا، خلقلین ائو-ئشیگینی داغیدیبلر اونلاری اؤز دوغما شهرلریندن-یوردلاریندان دیدرگین سالیردیلار. شهرین سیماسینی دیشدیرمک، اونو یئنی لشدیرمک عنوانی آلتیندا ولایتی باشدان-باشا بیر خارابالیغا دؤندریب، بئله کی، اون-اون بئش ایل عرضینده اردبیلده تزه چکیلن بیر خیابان (تبریز یولوندا آستارا یولونا کیمی) ایللرله آیری-آیرو بیر آغیزلا خلقه باخیر، انشانات و یئنی لیک نشانه‌سی اولان بو خیابان ظن ائدیرم ایندی ده رضاخان دؤرونده یاشایان شهر اهالیسی‌نین یادینا دوشنده اونلاری چیمچشدیریر. بو خیابان یوزلرله ائوین خاراب اولوب آرادان گئتمه‌سی باهاسینا چکیلیمیشدی. اونون ایکی طرفینده آرخ قازیلیب و بیر آز سؤیود آغاجلاری اکیلیب.

اردبیل بویدا بیر شهرین نئچه ایلیز، عرضینده چکیلن بو خیابانین ایگرمی‌ده-بیر حیصه‌سی آباد اولماییب یالنیز شهرین اورتاسیندا بیر دؤرد یول چکیلیب و بیر نئچه دوکان بو یئرلرده آچیلیمیشدی. قالان یئرلر خارابایا دؤنوب، خیابان تۆز-تورپاق ایچینده غرق اولموشدو. قومدان، آسفالتدان بیر خبر یوخ ایدی. قار-یاغیش یاغاندا، بوتون بو خیابان آدلانان کئچیده گؤلمه‌چهلر عمله گلیردی. زیغ-پالچیق آدامین آیاق قابیسی‌نین اوستونده آشیب دیزلرینه کیمی قالخیردی. قورولوقدا دا یئل و کولک اسنده تۆز-تورپاق گؤزلری کور ائدیردی و هئج بیر کیمسه‌یه گؤز آچماغا آمان وئریمیردی و بو سببلره گؤره خلقده هئج دیل-داماق قالمامیش و اهالی هئج بیر ایشه مارق گؤستمیردی. بازاردا اولان آل-وئرچیلرین سقفلی (تاوانلی) بازار یوشلایب خیابانا گلمه‌یه هئج بیر ماراقلاری یوخ ایدی. شهر هر بیر باخیمدان دئمک اولار کی، آغیر و دؤزولمز بیر وضعیتده ایدی. بئله بیر شرایطده، دؤلت معارف ساحه‌سینده بعضی ایشلر گؤرمک تشبوئونه ال آتیر، یاواش-یاواش یئرلی قدیم معلیملری دیشدیریر، یئرلرینه ایرانین باشقا شهرلریندن فارس دیللی معلیملر گتیرمک ایسته‌ییر.

شهرده ایکی قاریشیق (مختلط) مدرسه آچیب، بیرینین آدینی «حکمت» قویورلار. بو مدرسه‌نین دؤرد صینیفی وار ایدی. من ده اونون آخیرینجی صینیفینده درس اوخویوردوم. هر گون سحر چاغی بیزلری هله صینیفلره داخل اولمادان قابق سیرایا دوزور و فارسجا سرود (ماهنی) اوخودوردولار: «از پهلوی شد ملک ایران صدره بهتر ز عهد باستان...».

اوشاقلیق عالمی اؤزگه بیر عالمدیر. بیز چئوره‌میزده گئدن ایشلردن هئج بیر شئی آنلامیردیق. بوتون درس و سرودلارین فارسی دیلینده کئچمه‌یینه باخمایاراق بیز هامی‌میز مدرسه حیطینده، حتا کلاسدا اؤز آنا دیلیمیزده دانیشیردیق. اوشاقلار اوچون فارسجا دانیشماق چوخ چتین و زهله آپاران ایدی.

منیم یاشیمین آز اولدوغونا باخمایاراق بعضی ایشلردن باش چیخاردیردیم. اونا گؤره کی، بیزیم ائویمیزده حکومت باره سینده و اونون اهالی یه گؤستردیگی ظلم و ستم حاقیندا، آتام، دئمک اولار هر گنجه بیزیم اوچون دانیشیردی. منیم آتام و داییم هر ایکسی مشروطه طرفداری اولوب و بو یولدا مدتله مبارزه آپارمیشدی. بیزیم ائوده انا داییمیزده «دخیل»، «قمری»، «صراف»، «راجی»، «مضطر» کیمی شاعرلرین مرثیه-نوحه کیتابلاریندان باشقا «مختار ثقفی نین خروجی»، «امیر آرسلان»، «هوپ-هوپ نامه»، «فضولی» و بو کیمی تورکجه کیتابلار سیراسیندا، فارس دایلمینده «حافظ»، «سعدی»، «مولوی» و هابئله «دیوان عشقی»، «عارف قزوینی»، «فرخی یزدی» کیمی کیتابلارین سایبی چوخ ایدی. آتام دئییردی: «هوپ-هوپ نامه، عشقی و عارفین دیوانلاری قاچاقدیر. اگر بونلار اله دوشسه یا حکومت آداملاری بو کیتابلاری بیر ائوده یا خود بیر دوکاندا تاپسالار جزاسی واردیر.» بونولا بئله آتامین هوپ-هوپ نامه یه خصوصی بیر رغبتی وار ایدی. دئییه بیلهرم کی، بو کیتابین یاریسینی از بردن بیلیردی و او قدر صابرین شعرلری بیزیم ائویمیزده تکرار اولونموشدو کی، بیز اوشاقلار اغیزدان-آغیزا، هوپ-هوپ نامه نین بیر چوخ شعرلرینی اؤیرنیب و اوخویوردوق.

آتام بعضاً ائوده دانیشیردی: «ا کیشی! بئله ده ایش اولار؟ بونلار دای خلقی آیاقدان سالیب اونون هر بیر شئینی آماق ایسته بیرلر.»

خلام چوخ مذهبی بیر قادین اولدوغونا گؤره چارشابلار گؤتورولندن سونرا بیر ساعات بئله ائویندن قیراغا قدم قویمادی. همیشه حکومتی ناماز اراسی قارغیش و لعنت ائدردی. بیز باجی-قارداش آنامیزی هله چارشابار گؤتورولمه میشدن قاباق الدن وئرمیشدیک. آنامیز وفات ائندن سونرا خلامیزین بیزیم ائوه گلمه دیگینه گؤره اوندان چوخ اینجیمیشدیک. بیر گون بیز اوشاقلار هامی میز خلام گیله گئتدیک و اوندان گیلنی لندیک، آخی خلام چوخ مهربان ارواد ایدی و ننه مین ساغ و اختی همیشه بیزه گلیب باش چکردی. بیز اوشاق ایدیک و خلامین بو حالینی دوشونموردوک. رحمتلیک خلام بیزیم «خالاجان سن بیزه نیه گلیب باش چکمرسن؟» سؤالی میزین قاباغیندا دئدی: «خوشا سیزین آنانیزین سعادتینه! اولدو، گئتدی، بو بی ابر چیلیغی گورمه دی. من آلاهللا عهد ائله میشم نه قدر بو وضعیت وار عؤمرومون آخیرینادک ائودن چؤله چیخمایام. سیز گلین بیزه هر نه ایشینیز وار دئیین، من هامی سینی سیزین اوچون گوره رم.»

بیز اوشاقلار هنج بیر شئی دوشونمه دن، آنلامادان باشیمیزی آشاغی سالیب، اؤز ایشلریمیزله مشغول ایدیک. بیر گون مدرسه ده خبر وئردیلر کی: «وزیر معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه» اردبیله گلیر. گرک بوتون مدرسه اوشاقلاری اونون پئشوازییا گئتسینلر. (او زامان معارف (فرهنگ)، اوقاف و اینجه صنعت هر اوچو بیر وزیرلیک نظری آلتیندا اداره اولونوردو). وزیرین داخل اولان گونو یئتیشدی. او گون اردبیل برک سویوق ایدی، ساختا قیلینج کیمی کسیردی. اوشاقلار هامی سی باشلارینا کاسکت قویوب فورم پالتاری گئیمیشدیلر. البته بو دا اجباری ایدی. آتام منیم پئشوازا گئتمگیمه مانع اولدو. دئدی: «اگر مدرسه نین ناظمی سنه ایراد توتسا، دئیرسن کی خسته ایدیم. لازم گلسه من «شمس الحکما» دان سنین اوچون مآذونیت تصدیقی آلام و بونو بیل، بو هاوادا بو نازیک پالتارلار ایله آزاری اولمایان اوشاقلارین چوخونا سویوق ذیبب آزارلایاقلار.»

بوتون مدرسه شاگيردلرينى، حتا قيز اوشاقلاريني دا يئشوازا آپارميشديلار. اردبيل ايله تبريز آراسيندا يئرلشن «صايين» گنديگى نين قارين و دوندوروجو كولگين سىدتى نتيجه سينده باغلى اولدوغونا گوره وزير اوچ-دورد ساعات تاخير ايله شهره يئتيشير. بو زواللى اوشاقلار آلتى ساعاتدان آرتيق آياق اوسته او شاختانين و سويوغون قاباغيندا نفسدن دوشور و صباح شاگيردلرين چوخو مدرسه لره حاضير اولما بيلميرلر. شهرده گيزلى صورتده هامى پيچيلداشير و هره بير تهر اوز اعتراضيني گؤسترير.

گنجه آتام گلدی ائوه. گوردوم چوخ قاش-قاباقلیدیر. بیز اوشاقلار ایندی یه دک آنامیزین وفاتیندان سونرا آتامیزی بئله قاش-قاباقلی و توتغون گؤرمه میشدیک. بیزیم اصرارلاریمیزلا آتام سؤزه باشلادی و دئدی: «بو گون تأمینات^۱ طرفیندن آدام گلیب «پیر پالاندوز» و توتوب آپاریبلار و دوکانینی باغلايبلار. دئیلدیگینه گوره وزیر معارفه چوخ پیس بیر مکتوب یازیب و انو بیر عاغلی کسمه یین اوشاغا بنزدیدیر. ایندی تأمینات چالیشیر بیلسین کی، بو «پیر پالاندوز» ون کیم ايله علاقه سی وار و کیمین تحریکی ايله بئله بیر مکتوبو یازماغا جرأت اندیدیر. سیزین دایی نیزی دا اونولا بیر آز گندیش-گلیشی وار ایدی و بوندان باشقا، دایی نیزی قدیم مشروطه خواهلاردان اولدوغونا گوره، قورخورام اونا پاپیش تیکیب^۲ تهمت لندیریب و انون اوچون انگل تورتسینلر.»

اورتا مکتبده اوخویان مندن بؤیوک قارداشیم انامین بو سؤزلرینی ائشیدندن سونرا دئدی: «مدرسه نین دیوار قزئتلرینده ده بیر پارا سؤز یازیلیمیشدی. ایسته ییرلر اونلاری یازانی تاپسینلار.»

* * *

معارف وزیرى چوخ تئز تهرانا قاییتدی. بو ماجرادان بیر نئچه گون كئچدی. بیر گون آتامیزدان پیر پالاندوزون احوالاتینی سوروشوردوق. او، هلد زیندانان چیخمامیشدی، آنجاق بیزیم داییمیزی و اونولا علاقه ده اولان باشقا آدمالاری دئیسه سن بیر خطر هده له میردی. بیر نئچه گون كئچدی، بیر گون آخشام چاغی آتام گولر اوزله ائوه گیردی و دئدی: «پیر پالاندوزو بوراخیبلار و او دا بو گوندن دوکانینی آچیب، اؤز پالان تیکمگینه مشغول اولوبدور.» من آتامدان سوروشدوم: «آتاجان! سن بیلمه دین آخی بو کیشینی نییه توتدولار و نییه بوراخیلار؟» آتام دئدی: «شهرده یاییلیب کی، او عربجه بو شعرى یازیب و معارف وزیرى آقای علی اصغر حکمته گؤندریبدر:

«عظام ظلک تحت التراب بالیته و أنت تلعب فوق التراب کالأطفال»

بو عربجه شعرى آتام بیزه ترجمه اندیب ایضاح ائتدی و من سونرالار اونو بیر اونودولماز خاطیره کیمی اؤز دوغما انا دیلیمیزه شعره چئویردیم:

«بابالارین سوموکلری یئر آلتیندا چورویوبدور اوشاق کیمی سنین سسین هر بیر یئری بورویوبدور»

^۱ تأمینات: خفیة پولیس اداره سی یا خود ساواک.

^۲ پاپیش: آياق قابی معناسیندادیر. پاپیش تیکمک: یعنی پرونده دوزلتمک، بیرینی گوناھلاندیرماق.

دئییرلر گویا وزیر دئییر بو سۆز بو آدامین سۆزو دئییل، پالاندور بئله بیر سۆزو دئییه بیلمز. اونا گۆره ایکی-اوج هفته دن آرتیق پیر پالاندوزو سحر-آخشام سورغو-سؤال (استنطاق) آلتینا آلیرلار. اردبیلده اولان بیر ایکی بؤیوک روحانی باره سنده اوندان سوروشورلار، دئییرلر سنین تقلیدین کیمه دیر؟ او دئییر: «منیم تقلیدیم اؤزومه دیر.» سنین دایین حاقیندا و اونونلا علاقه ده اولان بعضی باش بیلنلر باره سینده اوندان سوروشورلار، اونی چوخ برک سیخیشدیریرلار کی، اوندان بیر شئی چیخارتسینلار. او دئییر: «بو شعر منیم اورک سۆزومدور و اؤزوم اؤز باشیما گؤندرمیشم و سیزین آدلارینی چکدیگینیز آداملار گرک هامیسی گل سین مندن درس آلسینلار. اونلاردا جرأت یوخدورا هامیسی گئدیپ تپیلیبلر ائولرینه، کورسو باشیندا اویان بو یانا وورنوخورلار. سیز گئدین آقای وزیره دئین کی، او مگر اوشاقدیر بو سویوق و شاختادا خلقین بالالارینی شهرین بیر آغاجلیغینا^۱ اؤز پئشوازینا آپارتدیریر؟»

پیر پالاندوزون بو سۆزلریندن تأمینات مقاملاری فیکر ائدیرلر بو کیشی نین عاغلی باشیندا دئییل، عاغلی اولان آدام بئله بیر سۆز دانیشماز. اونا گۆره بو سؤال جاوابلاری وزیرین قولاغینا چاتدیریرلار، او دا مرکزین کیشی نین آزادلیغینا حکم ائدیر. آنجاق دئییرلر کی، تأمینات اداره سی اونی تامامیله بوشلاماییب و انون دوکانی نین قاباغیندا دینچی دن زاددان خفیه مأمورو قویوبلار. دؤلت ایسته ییر بیل سین کی، پیر پالاندوزون کیمینله گئدیش-گلیشی وار.

* * *

اثرته سی گون مدرسه ده من بو سۆزلری بیر-ایکی یاخین دوستوملا دانیشدیم. بیلدیم کی، اونلارین ائولرینده ده بئله بیر سۆزلر دانیشیلیر. ایندی شهرده هامی پیر پالاندوزدان و انون وزیره یازدیغی شعریندن دانیشیردی. شهرده گیزی بیر صورتده چاخناشما دوشموشدو. هامی بیر آز یونگول لشمیشدی. سانکی بو شعر بوتون شهر اهالیسی نین اورک سۆزو ایمیش. پیر پالاندوزون آدی هر یئرده چکیلیردی، تنفس ساعاتلاریندا بیز بالاجا اوشاقلار هامیمیز چوخ احتیاطلا جینقیریمیزی چیخارتمادان بو ماجرا باره سینده بیر-بیریمیزله صحبت ائدیردیک.

بیر گون، بیز اوج-دؤرد نفر صنیف یولاداشلاری بیر-بیریمیزله قرار قویدوق ناهاردان سونرا مدرسه تعطیل اولان کیمی گئدک بو آدی دیلله دوشن کیشی یه، هنج اولماسا اوزاقدان تاماشا ائدک. قرار قویدوغوموز گون گلیب چاتدی. او گون بیز دؤرد نفر هر دؤردوموز هامیدان قاباق مدرسه یه گلمیشدیک. هامیمیز هیجانلی ایدیک. منیم اوجون هر ساعات درس بیر گون کیمی کئچیردی. او زامان بیز گونده مدرسه ده بئش ساعات درس اوخوردوق، اوج ساعات ناهاردان قاباق و ایکی ساعات ناهاردان سونراکی درس لریمیز، من بیلیم نئچه کئچدی. زنگ چالیندی، مدرسه تعطیل اولدو. بیز دؤرد نفر بیر سۆز دانیشمادان، دینمه دن مدرسه دن دیشاری یا چیخدیق، نئچه قدم گئتمه میشدیک هر دؤردوموز بیر-بیریمیزه قوشولدوق، شافاق قارالماسینا آز قالیردی، پالاندوزلار بازارینا یئتیشدیک. او زامان شهرده هر صنیفین اؤزو اوجون مخصوص بیر بازاری وار ایدی. علاقلار بازاری، باشماقچیلار بازاری ... پالاندوزلار بازاری، باشماقچیلار بازاری ایله علاقلار بازاری

^۱ آغاج: هر ۶ کیلومتر بیر آغاج سایلیردی.

آراسيندا ایدی. بو بازاردا مشتری از اولدوغونا گۆره باشقا بازارلارا نسبت ساکت ایدی. آتامین سۆزو قولاغیما ایدی: «تأمینات ادارهسی پیر پالاندوزون دوکانینا گودوکچو قویوبدورا!» بیز هر دوردوموز قورخاقورخا اهماللیجا آدی شهین بوتون نقطهسینه یاییلان و هر یترده اونون بارهسنیده سۆز دانیشیلان بو شخصین دوکانینین قباغینا چاتدیق. اورکلریمیز دؤیونوردو. من هاوانین سویوق اولماغینا باخمایاراق برک ترلهمیشدیم. دوکانا نظر سالماغا جرأت ائتمیردیم. قورخو و سئوینج بیربیریله قاریشمیشدی. اوشاق باشیمدان مختلف فیکرلر کئچیردی: «اولمایا بیزی بورادا توتوب آپارالار زیندانا و دئیهلر سیزی کیم بورایا یوللایبیدیرا» بئینیمدن کئچن قارما-قاریشیق فیکرلره غالب گلدیم. دوکانین ایچینه نظر سالدیم. اگنینه ال ایله توخونموش آغ شالدا پالتار گئییب، باشینا نئچه رنگی عمامه کیمی بیر پارچا باغلائییب، قباغیندا قییق ایله بیر ائششک پالانینی یامافلایان بیر شخصی گۆردوک. دئیهسن او دا بیز دورد نفر اوشاغین قارالتیسینی گۆروب باشینی قالدیردی و بیزه نظر سالدی. ایلشدیگی و ایشلهدیگی حالدا بیزی اؤتهری سوزدو. اوندان سونرا دئیهسن یادینا بیر شئی دوشدو، آیاغا قالدی. اونون اوجا قامتی، ایتی باخیشلاری، نفسلر سینهده حبس اولان زاماندا تهراندان گلن بیر وزیره یازدیغی او معنائی و دولغون شعری ایندی ده گۆزومون قباغیندا جانلانیر.

ان قارانلیق و جانسیخیجی گونلرده هئچ بیر شئیدن قورخمادان، اؤز دوغما خلقینین اورک سۆزونو یازیلی بیر صورتده آچیق-آچیغینا سؤیلهین بو ساده و امکچی انسانین آدی اؤز همشهریلری یانیندا ایلر بویو حۆرمتله بیر قهرمان کیمی چکیلیردی. ■

مشروطیت دؤنمی قزئتلریندن: آنا دیلی قزئتی

● محمدرضا هیئت*

آنا دیلی قزئتی آذربایجانلی آیدین و یازار سید حسین تبریزی (عدالت) طرفیندن عدالت قزئتی نین اک (علاوه سی) اولاراق یایینلانان تورکجه ایلک قزئتلدندیر. ایلک سایسی ۱۹۰۸ (۱۳۲۷ هـ.ق.) ایلینده تبریزده نشر ائدیلن آنا دیلی قزئتی گونوموزده نه قدر اونودولموش اولسا دا، آذربایجان مطبوعاتی تاریخینده و عینی زاماندا تورکجه نین ایرانداکی موقعیتی آچیسیندان اؤنملی بیر یئره صاحبیدیر. مشروطیت انقلابی نین هله داوام ائتدیگی بیر دؤنمده شعورلو بیر شکیلده تورکجه قزئت چیخاراراق آذربایجان تورک کیملیگی نین دوغرو بیر بیچیمده اولوشماسینی ساغلاماغا چالیشان بیر آیدین قروپون باشلاتدیغی بو حرکت، تورکلوک شعوروندان محروم اولان دیگر آیدین قروپلارلا مجادله ده باشاریلی اولمامیشدیر. بونون اساس سببی ایسه آذربایجان آیدینلاری نین عنعنه حالینا گلن فارس یازی دیلینه صادق قالما ایسته مه لری اولسا گرک. بئله بیر اورتامدا (شرایطده) آنا دیلی قزئتی نین نشری و ایلک سایسیندان اعتباراً «دیل مسأله سی» نی جیدی بیر شکیلده اله الماسی آذربایجاندا یکی فرقلی جریانین حاکیم اولدوغونون و تورکجه نی قوروماغا چالیشان آیدین قروپون آزیلیغی (اقلیتی) اولوشدور دوغونون گؤسترگه سیدیر.

آنا دیلی قزئتی ده دیگر تورکجه قزئتلر کیمی ساده جه بیر نچه سای چیخا بیلیمیشدیر. الیمیزده قزئتین ۱، ۲، ۳ و ۵-جی ساییلاری اولماق اوزره دؤرد سایسی بولونماقدادیر. هر سایسی ۴ صحیفه دن اولوشان قزئتین ۲-جی سایسی نین ساده جه ایلک صحیفه سی الده ائدیلمیشدیر. ائله گورونور کی، قزئتین آدی تام اولاراق آنا دیلی دئییلدی. انجاق هر سای نین باشیندا (اورتادا) «آنا دیلینده روزنامه عدالتدن بیر تحفه» یازیلدیغیندان قزئت آنا دیلی آدی ایله شؤهرت قازانمیشدیر. باشلیغین همن آلتیندا اداره دن ساتین آماق ایسته یین مشتریله قزئتین پولسوز وئرله جگی، تبریزده کی دیگر مشتریله ۱ شاهی و باشقا شهرلرده ایسه ۲ شاهی یه ساتیلاجاغی بیلدیریلیمیشدیر. قزئتین «عرض مخصوص» باشلیغی آلتینداکی تانیتیم یازیسیندا داها چوخ یئنی اؤیرنمگه باشلایان «وطن اولادینا» یارارلی اولماغا چالیشاجاقلارینی قزئتین مومکون اولدوغو قدر ساده و هر کسین آنلایا بیله جگی بیر طرزده یازیلاجاغی و ایلک کز اولاراق تورکجه یازما گیریشیمینده

بولوندوقلاری حاقیندا بیلگی وئرلمکده دیر. یازی نین سونوندا ایلک سایینین عدالت قزنتی باش یازاری محمدرضا رفعت طرفیندن حاضیرلادیغی موضوعسوندا بیلگی یوخدور. حتا آنا دیلی نین صاحیبی و یاینلاندیغی تاریخله ده ایلگیلی هنج بیر بیلگی وئرلمه میت دیر. عدالت قزنتی نین اکی اولاراق چیخدیغیندن بو کیمی بیلگیلر محتملاً اورادا یئر آلمیشدیر.

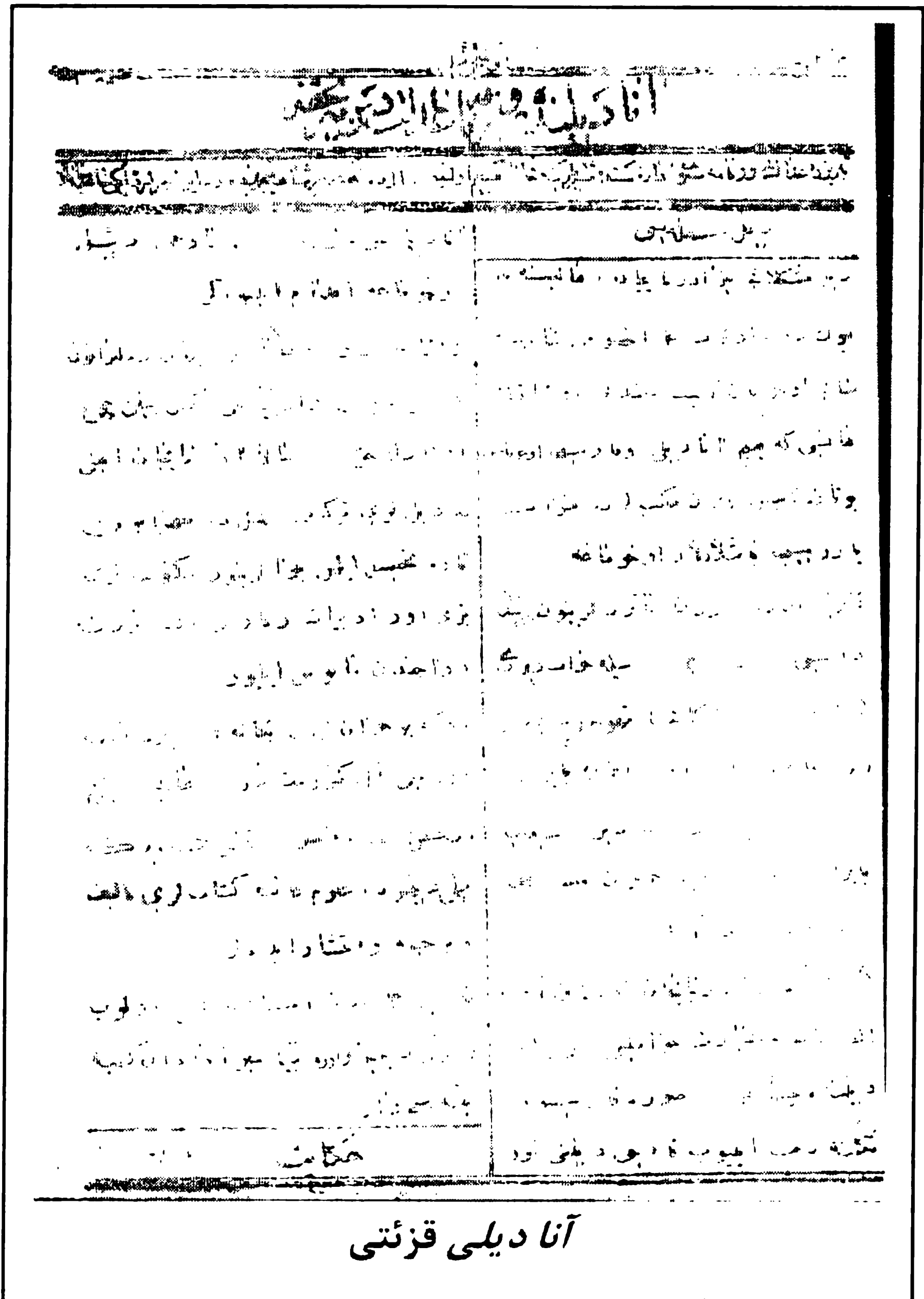
ایلک سایسیندان اعتباراً دیل مسأله سینی اله آلان یازار، آنا دیلینی اؤیرنمهنین و آنا دیلینده تحصیلین اؤنمین سادده بیر دیلله آنلاماغا چالیشیر. آذربایجانین او دؤنمده کی دیل دورومونو چوخ گؤزل بیر شکیلده یانسیدان «دیل مسأله سی» آدلی بو یازیدان بعضی پارچالاری اولدوغو کیمی نقل اندیریک:

«دیل محبتی وطن محبتی دیر. بیز آذربایجان اهالیسی دیل و یازی جهتیندن چوخ گئری و آواره قالیب و مشکلاتا دوچار اولموشوق. بیچاره بیزیم بالاجا بالالاریمیز ابتدایی درس لرده او قدر زحمتلر و مشقتلر چکیرلر کی بؤیوکلرین قوه تخیلوندن خارج بیر درجه ده دیر.

هر بیر میلتین اؤز آنا دیلینده جور به جور درس کیتابلاری و تاریخلری و ادبیاتلاری و علم و فن رساله لری وار و مبتدی اوشاقلار اول مکتبه گئدیب درس شروع ائیله یین وقت فقط حروف تانیماغا محتاج دیرلار! ایفبایا کی آشینا اولدو باشلار اوخوماغا. آیا بیزیم درس کیتابلاریمیزدا و دیلیمیزده بو سهولت وار می؟

عجبا اؤز ایفبامیزدان حق شیکایت واریمیز می؟ تورک دیلی نین بو قدر وسعتی و تورکجه دانیشانلارین کثرتی ایله بیزیم بو آذربایجاندا ترویجینه اقدام ائتمه مک وطن محبتی نین یوغونلوغوندان باشقا بیر دلیل نظره گلیر می؟

... بیچاره اوشاق تدریسینده



آنا دیلی قزنتی

حروفاتی می تاپسین، عبارتخوانلیغی می بیلسین یا فارس دیلینین معناسینی و عربی کلمه‌لرینین ترجمه‌سین(ی)!

دیل مشکلاتی بیز آذربایجان اهالیسینه بیر بؤیوک درد اولوب. علی الخصوص خارجه لیسانی اوخویان کیچیک مبتدی اوشاقلارا... پس لازیمدیر آذربایجان اوشاقلاری الیفبایی و عبارتخوانلیغی اؤز آنا دیلینده بیلسینلر سورا (سونرا) فارسینین تکلمونده (دانشماسیندا) دقت ائیله‌یب فارسی دیلینی اؤز آنا دیللیری گیبی بیلندن سورا خارجی دیل اوخوماغا اقدام ائیله‌سینلر(.

هانی بیزیم انجمن معارفیمیز و مجلس علمیه‌میز کی میلی دیلیمیزده علوم عالییه کیتابلاری تألیف و انتشار ائده‌لر کی دیل جهتیندن احتیاجیمیز رفع اولوب و اؤز دیلیمیز و اؤز ادبیاتیمیز آرادان گئتمه‌یه^۱ (ص. ۱، ۲).

مقاله مؤلفی فارس و یا یابانجی دیلترین اؤیرنیمینه قارشی دئییلدیر. آنجاق اونا گؤره، اوشاق اؤز آنا دیلینده (تورکجه) تحصیل آلیب اوخوما یازما اؤیرندیکدن سونرا دیگر دیللیری اؤیرنمه‌لیدیر. ۱۹۰۸ ایلینده یازیلیمیش اولان بو مقاله‌ده کی مسأله لر ۱۰۰۰ ایل سونرا بئله آذربایجان تورکلرینین ان اؤنملی پروبلمی اولاراق وارلیغینی سوردورمکده‌دیر. باشقا بیر دئییشله، بعضی چوخ کیچیک دگیشیک‌لیکلرله بو یازی گونوموز آذربایجان درگیلرینین بیرینده یایینلانیرسا، کیمسه اونون بیر عصر اؤنجه یازیلدیغینینین فرقیینه وارا بیلمز. مؤلف، ایلک تورکجه یازسی اولماسینا رغماً اولدوقجا گؤزل و آخیجی بیر دیل ایشلتمیشدیر.

قزئتین مخاطب کسیمینی داها چوخ اوشاقلار، مکتب اؤیرنجیلری و اونلارین آتا-آنالاری اولوشدوردوغوندان توخونولان مسأله‌لرین اساس قیسمی دا تحصیل مسأله‌سی، علم، جهالت و باطیل اینانجلار کیمی موضوعلاردان عبارتدیر.

بیرینجی سایینین سون صحیفه سینده «اخطار» باشلیقلی بیر یازیدا اوخوجولارا بئله بیر تذکرده بولونولموشدور:

«عزیز و محترم اوخوجولاریمیزدان توقعیمیز بودور کی بو مختصر روزنامه‌نون نمره‌لرینی اولیندن حفظ ادوب و تمیز ساخلیوب ضایع اتمه‌سونلر (.) امیدیمز چوخدور کی آخردا اوشاقلاریمیزا مکتبده اوخوماق اوچون بیر نافع کتاب و یاخشی مجموعه حاضر اولسون (.)».

تذکرون محتواسیندان آنلاشیلدیغی کیمی، س. ح. عدالتین بو قزئتی یایینلاماقدان بیر آماجی دا اورادا یایینلانان یازیلارین گله‌جکده بیر درس کیتابینا دؤنوشدورولمه‌سیدیر.

قزئتین اوچونجو سایسیندا «اجمال احوال»، «حفظ الصحه»، «مکتبده اوخویان وطن قارداشلاریم»، «دلاکلر استادلاردان همتلی‌دور» و «بیر نچه سوز» کیمی باشلیقلار بولونماقدادیر. «اجمال احوال» یازیسیندا محمدعلی شاهین سلطنت تختینه اوتوردوغو و تبریز اعیانلاری و میلت وکیللرینین بو حادثه‌نی دؤرد گنجه- گوندوز قوتلایاجاقلاری خبری وئرلیمیشدیر. «حفظ الصحه» بؤلومونده انسانلارین، اؤزلیکله ده

^۱ یازینین دیلی عیناً قورونموش، ساده‌جه ایملاسی گونجلنمیشدیر (م.ر.ه).

اوشاقلارين ساغليغينا دقت ائديلمه سي گر كديغي، اسلام ديني نين ده بونا مساعد اولدوغو وورغولانماقدادير. «مكتبه اوخويان وطن قارداشلاريم» باشليغي آلتيندا ايسه موليف، مشروطيت انقلابي نين گتيرديغي يئني ليكلردن اوشاقلارين دا فايدالاناغينا توخوناراق، آرتيق اؤيرنجيلرين آغاچ و فلكه ايله جزالانديريلماياجاقلاريني، پيس و رطوبتلي يئرلردن چيخيب ايشيقلی و تمیز صينيقلاردا تحصيل آلاجاقلاريني وعده وئرمكده دير. «بیر نچه سوز» يازيسيندا دا م. رضا رفعت، ميلت و كيل ليگی سئچيملريني بؤيوك بير حادثه اولاراق دگرلنديره رك، اونلاری بيرليگه و معتدل اولماغا چاغيرماقدادير.

آنا ديلي نين ديلينه باخديغيميزدا بو قزنتين محلی اؤزلليكلريني ده يانسيتماقلا بيرليكده، ديگر قزنتلرده چوخ راستلانمايان بير بيچيمده يازيا كئچيريلن بؤلگه توركجه سي نين دؤنمين استاندارد تورو موقعينده كي باتي تورك يازي ديلي ايله هم اوسلو،. هم ده مورفولوژيك و سؤزجوک ترجيحلری آچيلاريندان دا بسلمه سينه اؤزل بير غيرت صرف ائديلدیگی، آنجاق هدف کوتله نين (: آذربايجان توركلوگو) ديلي نين ده اعتنا ايله گؤز آردی ائتمه يه رك عيني بير دايره نين عضولری آراسيندا كي بوتونلوگون وورغولانماغا چاليشيلديغي آنلاشيلماقدادير. قزنت ديل مسأله سيني (:توركجه) بير پروبلم اولاراق اله آلميش و توركجه نين تحصيل ديلي اولاراق مكتبلرده ايشلنمه سي گر كديگيني جيدتي شكيلده مدافعه ائتميشدير. ■

قايناق: آنا ديلي قزنتي نين ۱، ۲، ۳، ۵-جي سايبيلاری.

پروفىسور دوكتور گرھارد دۇرفرىن بيوگرافىسى و اثرلىرى

● پروفىسور دوكتور سلطان تولو

● كۆچۈرن: نىبى كىبوتريان

توركولوژى و آلتايستىك بىلىم ساحە سىندە آيرىجاليقلى بىر شۆھرته صاحىب اولان پروفىسور دوكتور گرھارد دۇرفرىن ۲۰۰۳ تارىخىندە ۸۲ ياشىندا حياتا گۆزلىرىنى يومدو. المان توركولوژىسى بىلىمىندە اۋندە گلن دۇرفرىن وفاتى بىلىم دونىاسى اوچون بۇيوك ايتكى اولسا دا اونون بوراخديغى اثرلر بىلىم دونىاسىنا خىدمت ائتمگە داوام ائدە جكدىر.

GEORG AUGUSTA بىلىم يوردوندا (اونيورسيتەسىندە) «توركولوژى و اورتا آسيا» كورسوسوندا اوزون ايللر اۋيرتملىك ائدن پروفىسور دوكتور گرھارد دۇرفرىن آدىنا بو گونه دك بىر نئچه ارمغان كىتاب و يازى يايىلاندى. ۶۵-جى ياش گونوندا ۱۹۸۳-۱۹۵۴ ايللىرىندە كى چالشمالارى ILSE LAUDE-CIRTAUTAS طرفىندن يايىلاندى.^۱ ۱۹۸۴-۱۹۸۹ ايللىرى آراسىندا ايسە «Journal of Turkish Studies» «توركلوك بىلگىسى اراشدىرمالارى درگىسى» اونون علمى چالشمالارى نىن بىر ارمغان كىتاب اولاراق ۷۰-جى دوغوم گونوندا يايىلاندى.^۲ ۱۹۹۵-۱۹۹۰ ايللىرى آراسىندا Ingeborg Hauenschid



گرھارد دۇرفرىن

¹ Laude-Cirtautas, Ilse: "Schriftenverzeichnis Gerhard Doerfer", CAJ 29, 1985, 1-24.

² Gerhard Doerfer Festschrift. Essays presented to Gerhard Doerfer on his seventieth Birthday by his Colleagues and Students. Journal of Turkish Studies. Türklük Bilgisi Araştırmaları, 13. Harvard University 1989. V-VII.

طرفیندن دؤرفره آرمغان کیتابلار حاضرلاندى و سونولدو.^۱

بو یایینلارا ان سون «Michael Knüppel»ین دؤرفرین ۸۰-جی یاش گونو مناسبتیله یایین لیستهسی نین هامیسی بیر یئره توپلاتیلدی.^۲ بو اثرده دؤرفرین بوتون اثرلری بیر آریا گتیریلیمیشدیر. آیریجا کیتابین سونوندا دؤرفرین وئردیگی درس لر یئر آلمیشدیر. بورادا ایران تورکلریله ایلگیلی اثرلره ده یئر وئریلمیشدیر. پروفیسور دوکتور گرهارد دؤرفرین بیوقرافیسی:

پروفیسور دوکتور گرهارد دؤرفر ۸ مارت ۱۹۲۰ ایلینده کالینینگرادا فرانز دؤرفرین اوغلو اولاراق دونیا یا گلدی. عایله سی آتاسی نین ایشیندن اؤترو ۱۹۲۸-ده برلینه داشیندی. ۱۹۳۰ ایلینده قدر برلینده بیر ایلک مکتبه، ۱۹۳۸-۱۹۳۰ ایللری آراسیندا دا Reinickendorf-Ost یوکسک مکتبینه داوام ائتدی. عسکرلیگینی ۱۹۴۶-۱۹۴۵ ایللرینده بیتردی و برلینه دؤندو. دگیشیک (مختلف) پئشه لرده چالیشدی. آخشاملاری ایشدن دؤندوکدن سونرا مکتبه داوام ائتدی و ۱۹۴۹ ایلینده یوکسک مکتبی تقدیر آلاق باشا چاتدیردی. ۱۹۵۱-۱۹۴۹ ایللری آراسیندا برلین Humboldt بیلیم یوردوندا Victor Klemperer و Kurt Baldinger-ین یانیندا رومانیسیتیک، Martin Lehner و Kratzke-نین یانیندا انگلیستیک، Hartmann-ین یانیندا اسلام بیلیم لری تحصیلینی آلدی. بیر آرا گنجیم سیخینتیلاریندان دولایی بیلیمه آرا وئردی. داها سونرا برلین Freie بیلیم یوردوندا Karl Heinrich Menges-ین یانیندا تورکولوژی و آلتایستیک درس لرینی آلدی.

۱۹۴۵ ایلینده Zur Syntax der geheimen Geschichte «موغوللارین گیزلی تاریخی» آدلی تورکولوژی و آلتایستیک بیلیم دالیندا دوکترا تیزینی بیتیردی. مع الاسف بو گونه دک بو اثر یایینلانمامیشدیر.

گرهارد دؤرفر دوکترا سینی بیتردیکدن سونرا ۱۹۵۰ ایلینده ایشسیزلیگین حؤکم سوردوردویو برلینده گنجیجی ایشلرده چالیشدی. داها سونرا Mainz بیلیم یوردوندا Akademie der Wissenschaften und der Literatur (بیلیملر و ادبیات آکادمیسینده) ایشه باشلادی. ۱۹۵۹ ایلینده Philologiae Turcicae Fundamenta-نی حاضیرلادی. بورادا قاقاووز تورکجه سی، کیریم عثمانلیجاسی، کیریم تاتارجاسی و آذربایجان تورکجه سی ایله دؤرد مقاله سی یایینلادی. آذربایجان تورکجه سی مقاله سینی رحمتلیک پروفیسور دوکتور احمد جعفر اوغلو ایله بیرلیکده حاضیرلادیلار. ۱۹۶۴ ایلینده قاقاووز ادبیاتی و گونئی سبیریا تورکلری نین ادبیاتی مقاله لرینی یازدی.

آلمان آراشدیرما قورومونون (Deutsche Forschungsgemeinschaft) مادی دستکلریله ۱۹۶۰-۱۹۵۷ ایللری آراسیندا Türkische und mongolische Elemente im Neupersischen «یئنی فارسجادا تورکجه و موغولجا عنصرلار» آدلی دوچنتلیک تیزینی حاضیرلادی. ۱۹۶۰ ایلینده Georg August بیلیم یوردوندا تورکولوژی

^۱ Hauenschild, Ingeborg: Schriftenverzeichnis Gerhard Doerfer 1989-1994. Beläk Bitig. Sprachstudien für Gerhard Doerfer zum 75. Geburtstag, (Yay. Erdal, Marcel/ Tezcan, Semih), Turkologica 23, Wiesbaden 1995. XI-XIV.

^۲ Knüppel, Michael (derleyen): "Schriftenverzeichnis Gerhard Doerfer", Pontus Verlag, Göttingen 2000.100 s.

بۆلومونده دوچنت اولدو. بو تزینی داها سونرا دؤرد جیلد حالیندا یایملا دی. بو تزین اوزرینده چالیشاراق یئنی فارسجاداکی تورکجه و موغولجا آلینما کلمه لری آچیقجا اورتایا قویدو.

بو زامانلار ماینزدا یاشاماسینا رغماً Göttingen-ده درس وئرمگه باشلادی و ۱۹۶۱ ایلینده Göttingen-ده داشیندی و ۱۹۶۳ ایلینده بو بیلیم یوردوندا تورکولوژی و آلتایستیک بۆلومونو قوردو. ۱۹۶۶ ایلینده Göttingen-ده پروفورلوق آلدی.

پروفور دوکتور گرهارد دؤرفر ۱۹۶۷ ایلینده ایران و افغانستاندا تورک دیلی اوزرینه آراشدیرمالار یوروتدو. ایراندا اسکی تورکجه یه یاخین اولان خلج تورکجه سینى یئنین کشف ائتدی.^۱ خلج تورکجه سینده تورک دیللی ایچینده ان چوخ آرکاییک (اسکی) سؤزجوکلرین اولدوغونو اورتایا قویدو.^۲

پروفور دوکتور گرهارد دؤرفر ۱۹۷۳-۱۹۶۸ ایللی آراسیندا ایراندا آراشدیرما گزیرلینده اولموشدور. بعضاً علمی گزیرله اؤیرنجیلرینی گؤندرمیشدی.^۳ خوراساندا علمی گزیرلینده ایلک دفعه اوغوز تورکجه سینین بیر واریانتینی اینجه له مه امکانینی تاپدی. بو گزیده ایلک باشدا افغانستان دا دوشونولدو، آنجاق افغانستاندا محمد ظاهر شاه کودتا اولدوغو اوچون گرچکله بیلمه دی.^۴ گرهارد دؤرفرین توپلادیغی بو ملزمه لر داها سونراکی آراشدیرمالارا تمل اولموشدور. بو چالیشمالارین سونوجو تامامیله استفاده اولونمامیشدیر.^۵

^۱ خلج تورکجه سی داها اؤنجه مینورسکی طرفیندن بیلیم دونیاسینا تانیتمیشدی.

^۲ Türkische und mongolische Elemente im Neupersischen. Unter Berücksichtigung älterer neupersischer Geschichtsquellen, vor allem der Mongolen- und Timuridenzeit, I: Mongolische Elemente im Neupersischen. Wiesbaden 1963. XLVIII+557 s. (VOK, XVI); II: Türkische Elemente im Neupersischen, alif bis tā. Wiesbaden 1965. VIII+671 s. (VOK, XIX); III: Türkische und mongolische Elemente im Neupersischen. Unter besonderer Berücksichtigung älterer neupersischer Geschichtsquellen, vor allem der Mongolen- und Timuridenzeit. c. III: Türkische Elemente im Neupersischen, gīm bis kāf. Wiesbaden 1967. V+670 s. (VOK, XX). IV: Türkische und mongolische Elemente im Neupersischen. Unter Berücksichtigung älterer neupersischer Geschichtsquellen, vor allem der Mongolen- und Timuridenzeit, IV: Türkische Elemente im Neupersischen (Schluß) und Register zur Gesamtarbeit. Wiesbaden 1975. 640 s. (VOK, XXI).

^۳ اینجه له مه آراشدیرما گزیرلی اوچون بو قایناغا باخینیز:

Tezcan, Semih: "Über die Chaladsch-Forschung", *Forschungsforum. Berichte aus der Otto-Friedrich-Universität Bamberg*, 2. 1990, 74-76.)

^۴ دؤرفرین اؤیرنجیسی Wolfram Hesse بیر نیچه ایل سونرا افغانستانا گنده رک دیل ملزمه لرینی توپلامیشدی.

^۵ گرهارد دؤرفرین ایران تورکولوژیسی اوزرینده اوچ دوکتورا تز یؤنتمیشدیر: F. Bozkurt, Szabold Fazsy ve Sultan Tulu بونلاردان F. Bozkurt ایراندا آراشدیرما گزیرلینده اولموشدور. Szabold Fazsy مستقل اولاراق بیر گزی دوزنله میس و بو قونودا حاضیردا آراشدیرمالار یوروتمکده دیر. بو آراشدیرمالاردان یولا چیخاراق «خوراسان تورکجه سی سؤزلویو» گرهارد دؤرفرین اؤیرنجیسی سلطان تولو طرفیندن باشلامیشدیر و چالیشمالار سورمکده دیر.

دۇرڧر ۱۹۷۰ ایلیندە Göttingen-دە یئنی قورولان تورکولوژی و التاییستیک کورسوسوندا اوردینونس پروفورلوق مقامینا یوکسلدیلدی. بو کورسو ۱۹۸۲ ایلیندە بۇلومه دۇنوشدورولدو. بۇلومون آدینی داها سونرا Turkologie und Zentralasienkunde «تورکولوژی و اورتا آسیا بیلیملری» اولاراق دگیشدیردی.

پروفور دوکتور گرهارد دۇرڧر ۱۹۷۶-۱۹۷۵ ایللریندە تورکیهده ایستانبول بیلیم یوردوندا قوناق اؤیرتیم عضوو (هیئت علمی عضوو) اولاراق درس لر وئرمیشدیر. ۱۹۸۰ ایلیندە ایران و افغانستانداکی تورک دیللیری قونوسوندا بیر سیرا یایینلاری اولموشدور.

پروفور دوکتور گرهارد دۇرڧر چوخلو اؤدول (مکافات) آلمیشدیر. تورکیه ده ۱۹۷۳ ایلیندە تورک دیل قوروموندان، ۱۹۸۰ ایلیندە تورک= آلمان دوستلوق توپولوگوندان، ۱۹۸۷ ایلیندە کؤرؤشی چوما جمعیتیندن، ۱۹۸۱ ایلیندە آتاتورک باریش اؤدولو و ۱۹۹۲- ده مجارستان Szeged بیلیم یوردوندان اونا فخری دوکتورا عنوانی وئریلمیشدیر.

۲۰۰۳- ۱۹۹۸ ایللری آراسیندا یورولمادان درس وئرمگه داوام ائتمیشدیر. یاشی نین گئچمه سینه رغماً عؤمرونون سونونا قدر اوسانمادان علمی چالیشمالارینی سوردورموشدور. ۲۰۰۳ ایلیندە ثمره لی بیر یاشامدان سونرا گؤزلرینی حیاتا یومموشدور.

پروفور گرهارد دۇرڧرین ایران تورکلری قونوسوندا اثرلری:

Die Türken: Mittler kultureller und sprachlicher Strömungen in Eurasien. Bustan, 7 (2-3). 1966.24-32.

Türkische Lehnwörter im Tadschikischen. Abhandlungen für die Kunde des Morgenlandes, 27 (3). Wiesbaden 1967. XXVII, 3+101 s.

Azizbekov, Ch. A.: Azerbaicansko-russkiy slovar'. Baku 1965. 417 s.; Rüstämov, R. Ä./ Şiräliyev, M. Ş.: Dialektologičeskiy slovar' azerbaicanskogo yazıka. Baku 1964. 480 s. ; Budagova, Zärifä: Müasir azärbaycan ädäbi dilindä sadä cümlä. Baku 1963. 224 s.; Rähimov, Mirzä: Azerbaycan dilindä fel şäkillärinin formalaşması tarichi. Baku 1965. 268 s.; Džangidze, V. T.: Dmanisskiy govor kazachskogo dialekta azerbaycanskogo yazıka. Baku 1965. 154 s. OLZ, 62 (1-2). 1967. 59-61

Die Türksprachen der UdSSR in Einzeldarstellungen: Yazıki narodov SSSR. Tom vtoroj. Moskva 1966.531 s. UAJb, 39 (3-4). 1967. 288-292

Ein Kompendium der Turkologie: Menges, Karl H.: The Turkic Languages and Peoples. An Introduction to Turkic Studies. Wiesbaden 1968. XIV +248 s. (Ural-Altische Bibliothek, XV). UAJb, 40 (3-4). 1968. 242-246.

Das Chaladsch, eine neuentdeckte archaische Türksprache. ZDMG Supplementa I, XVII. Deutscher Orientalistentag v. 21.-27.7.1968 in Würzburg. Vorträge, Bölüm 2. Wiesbaden 1969. 719-725.

Samolin, William: East Turkestan to the twelfth Century. A brief political survey. The Hague 1964. 100 s. (CAS, IX. 18). OLZ, 64 (5-6). 1969. 275-276.

Irano-Altaistica (Turkish and Mongolian Languages of Persia and Afghanistan). Current Trends in Linguistics, VI: Linguistics in South West Asia and North Africa. The Hague 1970. 217-234.

Rüstämov, R.: Azərbaycan dili dialekt və şivələrində fe'l. Bakı 1965. 320 s. OLZ, 65 (7-8). 1970. 410-411

Halaçça. Türk lehçeleri örnekleri, II. Yaşayan ağız ve lehçe'ler. (yyl. Çağatay, Saadet). Ankara 1972. 255-260 (Ankara Üniversitesi. Dil ve Tarih - Coğrafya Fakültesi, Yayınları: 214).

Horasan Türkçesi. Türk lehçeleri örnekleri, II. Yaşayan ağız ve lehçeler. (yyl. Çağatay, Saadet). Ankara 1972. 261-264 (Ankara Üniversitesi. Dil ve Tarih - Coğrafya Fakültesi Yayınları: 214).

Altertümliche türkische Wörter im Chaladsch. 1. Türk Dili Bilimsel Kurultayına Sunulan Bildiriler 1972. Ankara 1975.255-260.

Das Sonqor-Türkische (Ein vorläufiger Bericht). StOr, 47. Helsinki 1977. 43-55.

Khaladj. Kısım 2: Language. Encyclopedia of Islam. 1977. 918.

Khalaj and its Relations to the Other Turkic Languages. TDAYB, 1977 (Türk Dil Kurumu Yayınları, 444). 1978. 17-33.

Das Chorasantürkische. TDAYB, 1977 (Türk Dil Kurumu Yayınları, 444). 1978. 127-204

Brands, Horst Wilfried: Aserbaidşanische Chrestomatie. Texte des 20. Jahrhunderts. Wiesbaden 1977. 84 s. +1 harita. (Frankfurter Turkologische Arbeitsmittel, 1). OLZ, 74 (6). 1979. 570.

Turkish and Mongolian Inverstigations in Iran and Afghanistan, Undertaken by the University of Göttingen. The Bulletin of the International Institute for Linguistic Sciences, II (1). Kyoto Sangyo University 1981. 54-71.

Ein uigurischer Text aus Iran vom Jahre 1207. Turcica, 13. 1981. 153-169.

Orta İran'da Derlenen Türkçe bir Türkü. II. Milletlerarası Türk Folklor Kongresi Bildirileri, IV. Kültür ve Turizm Bakanlığı. Milli Folklor Araştırma Dairesi Yayınları, 40. Seminer, Kongre, Bildirileri, 11. Ankara 1982. 145-147.

Cangidze, V(enera) T(arasovna): Ingiloyskiy dialekt v Azerbaycane (Voprosy grammatičeskoj i leksičeskoj interferecii. Tbilizi 1978. 175 s. OLZ. 77 (1). 1982. 65-66.

Nasırov, D. S./ Bekbergenov, A./ Beknazarov, V.: Qaraqalpaq til bilimi boyınşa bibliografiyalıq körsetkiş (1925-1976 jıllar) [Bibliograficeskiy ukazatel' po karakalpakskomu yazıkoznaniyu (1925-1976 gg.)]. Nökis 1978. 90 s. UAJb, N. F. 3. 1983. 298

Dankoff, Robert/ Kelly, James: Mahmūd al-Kāšgarī. Compendium of Turkish Dialects (Diwān Luḡāt at-Turk). Edited and translated with introduction and indices. Parts 2, 3. (Harvard University 1982-1984) Cambridge, Mass. 1984 (Sources of Oriental Languages and Literatures. Turkish Sources, 7). UAJb, N. F. 5. 1985. 297-298.

Orta İnan'daki Halaç folklor materyali hakkında genel bilgi. Üçüncü Milletlerarası Türk Folklor Kongresi Bildirileri, I. Kültür ve Turizm Bakanlığı, Milli Folklor Araştırma Dairesi Yayınları, 77. Seminer, Kongre Bildirileri Dizisi, 20. Ankara 1986.97-102.

İnan'da Türkler. TD, 54. 1987. 242-251.

Jackson, Peter/ Lockhart, Laurence: The Cambridge History of Iran, VI: The Timurid and Safavid Periods. Cambridge 1986. XXIII+1087 s. CAJ, 31. 1987. 299-300.

Azeri (Ādarī) Turkish. Encyclopaedia Iranica, III (3). (yyl. Yarshater, Ehsan). London, Boston, Melbourne, Henley 1988. 245-248.

Südghusische Materialien aus Afghanistan und Iran. Wiesbaden 1988. VI+548 (Wolfram Hesse ile birlikte).

Göttinger turkologische Forschungen in Iran. Türkische Sprachen und Literaturen. Materialien der ersten deutschen Turkologen-Konferenz Bamberg, 3.-6. Juli 1987. (yyl. Baldauf, Ingeborg/ Kreiser, Klaus/ Tezcan, Semih). Wiesbaden 1991. 103-111 (VDSUA, 29).

Chorasantürkisch aus dem "Türkenkessel". CAJ, 36. 1992.44-71.

Chorasantürkisch aus dem "Türkenkessel". TDAYB, 1987 (Türk Dil Kurumu Yayınları, 545). 1992. 81-102.

İnan'daki Türk dilleri üzerine Göttingen'de yapılan araştırmalar üzerine. TD, 1992 (11). 1992. 264-266.

Halaçça h-'nin diğer Türk dillerindeki karşılığı üzerine, TDiA, 3. 1993. 285-288.

Türkische Sprachen und Dialekte in Iran. WZKM. 1997. 41-63.

Turkic Languages of Iran. Turkic Languages. (yyl. Johanson, Lars/ Csató, É. London, New York 1998. 273-282.

آذربایجان تاریخی اوزره پروفیسورلار مباحثه‌سی (۲)

• کۆچورن و آچیقلايان: عادل ارشادی فر

... بو باره‌ده علاوه معلومات آلماق ایسته‌ییرسه‌نیز، منیم «یئنی مساوات» (۹ مای ۱۹۹۹) قزئتینده درج اولونان «قدیم آذربایجاندا قوتی دۆلتی» ادلی مقاله‌مه باخین.

اوچونجوسو، اقرار معلم، گۆرونور حافظه‌نیز سیزی آلدادیر. آخی کوتی / اوتی سۆزلری‌نین پارالل‌لیگی (موازی‌لیگی) نه سیزین، نه ده دیاکونوفون ایرلی سوردوگو فرضیه دئییل، بونو ایلك دفعه رحمتلیک «زئلیک یامپولسکی» دئیشدی و سیزدن فرقلی اولراق، دیاکونوف ۴۵ ایل اؤنجه بونو آچیق اعتراف ائتمیشدیر (باخ: ماد تاریخی، ص. ۱۱۰).

حۆرمتملی آکادمیک! بورا قدر دئدیکلریم سوبار بویلا رینا عاید مقاله‌مین یالیز بیرینجی پاراقرافیندا آنجاق آدینی چکدیگیم آراتتالیلار، توروک‌لار، لوللار و قوتیلر حاقیندا سیزین «کسکین» ایرادلارینیزا جواب ایدی. کیمین حاقلی اولماسینا عاید قراری ایسه علمی اجتماعیات و اوخوجولار وئره‌جک. حۆرمتملی آکادمیک! منه یازدیغینیز آچیق مکتوبدا موقعینیزی آسالاندیرماق اوچون گتیردیگینیز دلایلر ایچریسینده بیر علمی منطقه اساسلانیر. او دا تورکولوق ن. باسکاکوفا استناد ائتدیگینیز «آلتای» نظریه‌سیدیر. دوغرودان دا، تورک، موغول، تونقوس-منجور، کوره دیللی‌نین «قوهوملوغو» فیکری ایله اورتایا آتیلیمیش بو نظریه‌یه گۆره تورک خالق قديم آذربایجان اراضیسینده مسکون اول بیلمز.^۱ لاکین نظره آلیرسینیز کی، ۳۵۰ ایل اؤنجه اوروپا عالیملری طرفیندن ایرلی آتیلان بو نظریه‌نین طرفدارلاری کئچن مدت عرضینده اونو اثبات انده بیلمه‌دیله. سون ۵۰ ایلده ایسه مختلف متخصصلرله یاناشی جدی روس عالیملری ده (ب. سرنبرینیکوف، آ. شرباک وب) بو نظریه‌نین سهو اولدوغونو گۆستریله. ثبوت اولوندو کی، تکجه «آلتای» نظریه‌سی دئییل، «اورال-آلتای»،

^۱ آلتی نظریه‌سی تورکلرین شرقدن عربه کۆچمه نظریه‌سی اساسیندا یارانمیشدیر. آیدیندیر کی، بو نظریه تورکلرین اؤن آسیادان، اورتا آسیایا (غربدن شرقه) کۆچمه‌سیله اؤز نسبی اعتبارینی ایتیرمیر. آنجاق نظریه‌نین آدی بونو سئزدیریر کی، تورکلر شرقدن غربه دوغرو گلمیشله.

«یافتی»، «گونش»، «بورئال» و «نوستراتیک» نظریه‌لرده دیلرین قوهوملوغو آنلایشینی سهو سالمیشدیر. اونا گۆره ده، معلوماتینیز اولمادیغی مسألەنی حقیقت کیمی وئرمه‌یین.

حۆرمتملی آکادمیک، او قالدی کی سیزین منه سیریماق ایسته‌دیگینیز سومر - تورک قوهوملوغونا، گۆستردیگیم سببدن، من نه اینکی سومر - تورک، هئچ موغول - تورک قوهوملوغونو قبول ائتمیرم،^۱ تورک دیللی ایله بو دیلر آراسینداکی علاقه ایسه، قوهوملوق دئییل، یالنیز معین دۆرده عینی مدنی محیطده ایچ - ایچه و قونشو یاشایان خالقلارین دیل علاقه‌سیدیر. من دئییرم، تورک خالقینین آتا یوردو قدیم آذربایجاندیر. اونلارین بؤیوک حصه‌سی شرقه کۆچ ائدیب، موغوللارلا ایچ - ایچه یاشاییب، سونراکی مین ایللرده زامان - زامان بعضیلری مختلف طایفا آدلاری ایله ایلکین آتا یوردا قاییدیب. سیز ایسه دئییرسینیز کی تورک خالق موغولستاندا یارانیب، سون مین بئش یوز ایلده یالنیز بعضیلری آذربایجانا گلیب. اؤزو ده گلندن سونرا (۱۱-جی عصردن) یئرلی اهالی‌نین دیلینی دگیشیب. بو نئجه دگیشمه‌دیر کی، حتا ایندی‌یه کیمی آذربایجاندا اونلارلا باشقا دیلده دانیشان کندلریمیز وار؟ من یئرلی آذر تورکلری‌نین تاریخیندن یازیرام، سیز گلمه تورکلرین. اونا گۆره ده، بیز (سیز و من) بیر - بیریمیزی باشا دوشموروک. بوگون ارمنیلرین جار چکدیگی «آذربایجان تورپاقلاری گلمه تورکلردن تمیزلنمه‌لیدیر!» شعاری‌نین الهام پریمی ده محض سیزین اونلار «عملی» تحفه‌نیزدیر.

ائله بو سببدن میلی حیثیاتینا توخوندوغونوز ۴۰ میلیونلوق آذر تورکوندن بیر گنج بیر ژورنالیستین مندن آلدیغی مصاحبه‌سینده (بو مصاحبه‌نی ده منیم مقاله اولدوغونو یازیرسینیز) کیمی سۆزلری باشلیغا چیخاریرسا، نییه اینجیرسینیز؟ حتا منه مصلحت گۆرورسونوز کی، «صیفیرا برابر بیلگیمله» ارمنیلرین تاریخی ایله باغلی موضوعلارلا گیریشمه‌ییم، چونکی «های تورکو» مسألەسی چوخ مرکب‌دیر. اگر ۵-جی عصر ارمنی (های) تاریخچیسى م. خورئئاتسى تورک آدلی حۆکمدارلاری اولدوغونو دئییرسه، دیگر ارمنی تاریخچیلری ایسه تاریخده تورک (Türk, Tork) آدلی ارمنی حۆکمداری اولمادیغینی، ارمنیلرین تورکو تانری کیمی تانیدیقلارینی یازیرسا و من ده همین ارمنیلرین منبعلرینه استناداً بو مسألەنی گوندمه گتیریرمسه، سیز بوندان نییه تالاش کئچیریرسینیز؟ اگر بو باره‌ده علاوه معلومات آلماق ایسته‌ییرسه‌نیز، «هایلار نه واخت ارمنی اولدو؟» (میلّت ۱۰ ژوئن، ۱۹۹۹) و یا «ارمنیلر ارمنیستانا هارادان گلیب» (آزادلیق، ۱۸ ژوئن ۱۹۹۹) آدلی مقاله‌مله تانیش اولون. یازیرسینیز کی، گویا من فرات چایی‌نین سومرجه آدینی سهواً «پوراتتو» کیمی یازمیشام. سونرا علاوه ائدیرسینیز کی، «خبرسیز آداملاری آلماتماین، دجله هئچ واخت «ایت گل» آدلانماییب. بو پوتامونیمی (چای آدینی) ساختالاشدیراراق، سیز اونو تورک دیلینده «ایتی گلن» سۆزونه اوغونلاشدیریرسینیز». اگر ایراد توتدوغونوز جمله‌نی بیر داها اوخوسانیز، گۆره‌جکسینیز کی، اورادا

^۱ سایین جلیلوفون موغول - تورک قوهوملوغونو قبول ائتمه‌مه‌سی، وئردیگی ایضاحلار اساسیندا بو خالقلارین سوی و ژنتیک قوهوملوغو رد ائتمک معناسیندادیر. آنجاق سومر - تورک قوهوملوغونا گلدیکده، بیز سوی و ژنتیک قوهوملوغونو دا قیراغا قویساق، «نئچه‌دیلی سومر اۆلکه‌سینده» تاپیلان داش هیکلردن آلدیغیمیز معلوماتی راحتجا دانا بیلمه‌ریک. چونکو بو هیکلرین شکیل و تیپلری اونلارین آتالی تیپلی اولدوغونو گۆستریر.

سومر دیلی سۆز یوحدور. اورادا هم ده تکجه فراتی (پوراتتو) دئیل، دجله (ایتیقلات) و دیاله (تورنا) چای ادلاری نین دا اکادجا یازیلیشینی وئرمیشم. بو چای ادلاری نین سومر، آکاد، آرامی قدیم یهودی، ائلام (ایلام)، قدیم پارس و یونان دیلرینده نئجه یازیلدیغینی اؤیرنمک ایستیهیرسه نین، منیم «دجله ایتی گل چایی دیر» (آوراسیا قزنتی، ۲۲ نوامبر، ۱۹۹۷) ادلی مقاله مه باخین. اونداه گۆره جکسینیز کی، تکجه قدیم یهودی دیلینده کی «هیددئقتل» (Hiddeqel) فورماسی منیم گلدیگیم نتیجه اوچون کفایتدیر. یعنی چایین قدیم ادی «ایتی گل» و یا «ایتی قیل» شکلینده اولموشدور.

حۆرمتملی اکادمیک، یازیرسینیز کی، سومر شهرلری نین بیر قیسمی نین ادی «پروتو فرات» و شرطی اولاراق «بانان» ادلانان «پروتو دجله» دیلریندن گۆتورولموشدور. اولاه، دندیگینیز شرطی ترمین «بانان» (با - نان) یوخ، «بانانا» (با - نا - نا) شکلینده دیر. یعنی روس یوخ، اینگیلیس دیلی تلفوظونه (بانانا) اویغون استفاده اولونور. چونکی بورادا همین سۆزون هجالانماسی پیرنسیپی نظرده توتولور. اصلینده، بو دا او دۆرون معلوم دیلری ایچریسینده داها چوخ پروتو تورک هجالاما سیستمینه اویغون گلیر. یازیرسینیز کی، «سومر لر هئج واخت «کنگیر» ادلانان اۆلکه ده مسکون اولمامیشلار. بو جور آد دونیادا موجود اولماییب...»^۱ اگر اولمایبسا، اونداه سومر دیلیندن ترجمه اندیلن: "Znşakuşanna, vladika Kigngi, çarı STRanı (şumera)" کیمی معلوماتلار هارداندیر؟ (باخ: İ.Kaneva, "şumerskii yazık", 1996) سوبار اونوماستیکاسی حاقیندا وئردیگیم معلوماتلاری شبهه آلتینا آلیب یازیرسینیز کی، بو فاکتورلار تصادفاً منیم الیمه کئچیب. اولاه، تصادف و یا غیر تصادف بونون مسأله یه نه دخلی وار؟ اصلینده، قید ائتدیگیم هر بیر فاکتی ایگنه ایله گور قازا - قازا اورتایا چیخارمیشام. ایستیهیرسه نین، اونلاردان بعضیسی نین منبعینی سیزه دئیم. اکثریتی مسلکدشینیز «ای. دیاکونوف» ون ترجمه ائتدیگی «Avinu» دا وار. اورادا اولمایان و «الیمه چاتان ماتریاللاردا «تورخو» ولایتی نین ادینی تاپماق منه نصیب اولمادی» دندیگینیز «تورخو» (بۆلگه و یا شهر) حاقیندا معلومات ایکنجی «آداد نثراری» یازیسیندا وار (باخ: Arab, 1, No: 362).

سوبار بیرلیگی نین میلاددان اول ۶۷۳-ده داغیلماسی گئرجیگینی، بو بیرلیگین سیاسی - اقتصادی دورومونا عاید شرحلری فانتزی حساب اندیرسینیز. بورادا خیرداچیلیغا وارماق ایسته میرم. اگر دوغرودان دا بیر تاریخچی معلوماتینیز اولمادیغی منبعلر سیزی ماراقلاندیریرسا، میلاددان اول ۷-۹-جو عصرلری احاطه ائدن آشور و اورارتو منبعلریندن سوبارلارلا تماسدا اولموش چارلارین (پادشاهلارین) یازیلارینا باخین. قزنت مقاله سی کیمی، سوبار بویو حاقیندا علمی کوتله وی اسلوبدا وئردیگیم عمومی معلومات، طبیعی کی، علمی مقاله شکلینده چاپ اولوناندا منبعلر و شرحلره اولاجاق. اونداه بیر چوخ منبع آختاریشی اذیتیندن قورتاراجاقسینیز. یا دا، رهبرلیک ائتدیگینیز تاریخ انستیتوسوندا علمی سمینار تشکیل ائتسه نین، قدیم آذر تورکلری حاقیندا هوسله سلسله معروضه لرله چیخیش ائدرم.

^۱ رحمتلیک علی یفین سومرلرین باشاق ادی اولان «کنگیر» ادینی کۆکوندن رد ائتمه سی اونون یشنی فاکتورلارلا تانیش اولمادیغینی گۆستریر. مشهور سومرشناس آ. فالکنشتاین، «لوکنگیر» (بوگونکو افاده ایله: کنگرلو) افاده سینی اثرلرینده گئیرمیشدیر.

یازیرسینیز کی، «تلاش ائمه‌یین جناب جلیلوف، سیز تک دئیلسینیز، سیزین چوخلو سلفلرینیز وار». دوزو، باشا دوشمه‌دیم. اگر منیم چوخلو سلفلریم وارسا (دوغرودان دا وارا) من نه اوچون سئوینیب غره‌لنم عوضینه، تلاش ائمه‌لی‌یم؟ یئری گلمیشکن سلفلرله باغلی بیر مسأله‌نی ده آیدینلاشدیراق. یاشادیغی دؤردن و ملتیندن (عرب، تورک، یهودی، فارس، روس و باشقالاری) آسیلی اولمایاراق، «آذربایجان قدیمدن تورکلرین یوردودور» دئین هر کسی اؤز سلفیم ساییرام و اونلارا سایغی دوپورام. بو موقعدن چیخیش ائدن آذربایجانلی عالیملری (ا. دمیرچی‌زاده، ت. حاجی‌یف، م. سیدوف، ی. یوسفوف، ز. یامولسکی و باشقالاری) اؤز معلمیم حساب ائدیر، ا. حسین زاده، م. رسولزاده، ا. جواد، ج. جبارلی، م. مشفق، خودو ممدوف، بختیار واهابزاده، خلیل رضا کیمی تورکلوگو منه سئودیرن ضیالیلاریمیزلا فخر ائدیرم. ماراقلیدیر کی، منه یازدیغینیز مکتوبدان سونرا بختیار معلمه ده عنوانلادیغینیز («ایمپولس»، ۳ سپتامبر، ۱۹۹۹) هدیانلارا «علمی دؤن» گئیدیرمک اوچون م. رسولزاده‌نین ذ. و. توغانین و باشقا تانینمیش تورکولوقلارین «یولو ایله گئتدیغینیزی» دئییرسینیز. باخ بورادا رحمتلیک مشدی عبادین معلوم سؤزلری یادا دوشور.

اقرار معلم، یعنی دوغرودان می یاریم عصر اورگینیزده بسله‌دیغینیز و واخت‌آشیری یازیلارینیزدا نمایش ائدیردیغینیز تورکه نفرتی بو بیر هفته‌نین ایچینده محبته چئویردینیز؟ دنمه‌لی، آرتیق تورکلرین ایلکین آتا یوردونون ایرانلا تورکمنیستان آراسیندا (آنائو مدنیتی) اولدوغونو دئین و ساکالاری (اسکیتلری) تورک سایان ذ. و. توغانین یولو ایله گئدیرسینیز؟ اینانمیرام. اینانیلاسی دئییل کی، همین طایفالاری ایران دیللی ائتمک اوچون یاریم عصر دریندن - قابیقدان چیخان تاریخچی اقرار علی‌یف بیردن - بیره یولونو ۱۸۰ درجه دگیشسین. سیزین سلسله آچیق مکتوبونون سونو ایسه بو جمله ایله بیتیر:

«اوخوجولارین باشینی آلماتماغینیز یئتر، جناب جلیلوف، عاییدیر!!!». حؤرمتلی آکادمیک، گلین بو سؤزلرین عنوانینی نه سیز، نه من معین لشدیرمه‌یک، زامانین و اوخوجولارین اؤز عهدہ‌سینه بوراخاق.

تأسوفله فریدون آغاسی اوغلو (جلیلوف). ■

ابتدایى صینىفلردە افادەلى اوخو درسلىرىندە منطقى وورغو

● ماھىرە عبداللاھ یتوا

● كۆچورن: م. ر. ھىئت

منطقى وورغو افادەلى اوخو^۱ ایلە بلاواسطە باغلىدیر. دانىشىق زامانى ایستەدیگىمىز ھر ھانسی بیر جملەدە ایستر- ایستەمز منطقى وورغولاردان استفادە اندیریک. اونا گۆرە دە سینتاکسىن (نحوین) تدریسی پروسەسىندە اۆیرنجیلرین منطقى وورغو حاقیندا درین معلوماتا مالیک اولمالاری اونلارین افادەلى اوخو تمرینلرینە ییھەلنمەلری اوچون واجیب ساییلمالیدیر.

درسلیکدە منطقى وورغو حاقیندا وئریلمیش معلومات منطقى وورغونو اۆیرنجیلرە آشیلماق اوچون کفایتلندیرجى سویه دە دئییلدیر. ایکنجى بیر طرفدن بو معلومات اساس علاقەدار موضوعلاردان تجرید اندیلمیش شکیلدە وئریلمیشدیر. بئله کی، درسلیکدە منطقى وورغو حاقیندا دئمک اولار کی، سادە جملە بحثی تام کئچیلیب قورتاردیقان سونرا معلومات وئریلیر. حالبوکی، سادە جملە و اونون نوعلرینی، جملە عضولری و سایر موضوعلاری اۆیرنرکن، اۆیرنجیلر ایستر - ایستەمز منطقى وورغولاردان استفادە ائتمەلى اولورلار. منطقى وورغونو بیلمەین شاگیرلر ایسە نقلی، سؤال، نیدا، امر جملەلری افادەلى اوخوماقدا چتین لیک چکیر، اوخو زامانى چوخلو سھولر، یول وئریلر.

آذربایجان تورکجهسى پروقرامیندا دا منطقى وورغویا کیفایت قدر یئر وئریلمیشدیر. درسلیکدە اولدوغو کیمی پروقرامدا دا منطقى وورغونون اۆیرنیلەسینە ایریجا واخت ایریلمامیش، جملەدە سؤزلرین سیراسی ایلە علاقەدار اولاراق، منطقى وورغو حاقیندا معین معلومات وئریلمەسى نظرده توتولموشدور.

تجرە گۆستیرر کی، سادە جملەنین تدریسی زامانى اۆیرنجیلرین منطقى وورغولاردان دوزگون استفادە اندە بیلمەلری افادەلى اوخو اوچون اؤنملیدیر. بونو نظرە الراق بیز اکسپریمنت صینىفدە پروقرام و درسلیکدن تام

^۱ معنالی قرانت

فرقلى اولاراق، «منطقى وورغو» موضوعسونون اؤيرنيلمه سینه آيريجا واخت آييرديق، هم ده بو موضوعنون سينتاكسين تدریسینه عاید ایلک درسدن - «جمله حاقیندا عمومی معلومات» موضوعسونون تدریسیندن سونرا اؤيرنيلمه سینی نین فایدالی اولوب اولمادیغینی معین لشدیرمگه چالیشدیق، نتیجه ده معلوم اولدو کی، سونراکی موضوعلارین اکثریتینده، خصوصیه اینتوناسیونا و جمله عضولری نین اشتراکینا گۆره ساده جمله لرین نوعلری، جمله نین همجنس عضولری، جمله عضولری ایله باغلی اولمایان سۆزلر و باشقا موضوعلارین تدریسی زامانی منطقى وورغو اوزرینده لازیمی مشاهده آپارماق افاده لی اوخو تمرینلری نین آشیلانماسینا مثبت تأثیر گۆستریر.

«منطقى وورغو» موضوعسونون اؤيرنيلمه سینه اکسپریمنت صینیفه بیز ۲ ساعات واخت وئردیک. ۱-جی ساعاتدا معلم، موضوعنو ایضاح ائتمک مقصدی ایله اؤيرنجیلره هجا وورغوسو حاقیندا اؤيرندیکلرینی خاطرلاندی. اؤيرنجیلرین جوابلاریندان معلوم اولدو کی، اولار آیری - آیری سۆزلرده باشقا هجالارا گۆره قوتلی دئییلن هجانین وورغولو هجا اولدوغونو بیلیر و یازیدا لازیم گلدیکده همین هجانى وورغو اشاره سیله قید ائدییرلر. بو قیسا گیریش اولارین هجا وورغوسونو خاطرلامالاری، یئنی موضوعنون ثمره لی منیمسنيلمه سینه قیسماً شرایط یاراتمیش اولدو. سونرا معلم ایضاحات وئره رک گستریدی کی، سۆزلرده هجا وورغوسو اولدوغو کیمی جمله لرده ده منطقى وورغو اولور، بو درسده اولار منطقى وورغو ایله تانیش اولاجاقلار.

معلمین، لکسیک (لغوی) ترکیبینه و سۆزلرین سیراسینا گۆره بیر-بیری نین عینی اولان، لوحه یه یازدیغی آشاغیداکی جمله لری اؤيرنجیلر اؤز دفترلرینه یازدیلار:

گولگز خط کشینی ایتیرمیشدی؟

گولگز خط کشینی ایتیرمیشدی.

بو جمله لرین بیرینجی سینده سوال وئریلیر. ایکینجی سینده ایسه همین سوالا جواب وئریلیر. معلمین تکلیفی ایله شاگیرلردن بیرى بو جمله لری اوجادان اوخودو. او، اوخورکن ۲-جی سۆزو («خط کشینی») منطقى وورغو آلتیندا تلفظ ائتدی. معلم صینیفه مراجعت ائده رک بیلدیردی کی، بو جمله لری اوخویان اؤيرنجی همین، جمله لرده «خط کشینی» سۆزونو او بیریلره نسبتاً داها قوتلی دئدی. دئمه لی، لوحه یه یازیلیمیش جمله لرده منطقى وورغو «خط کشین» سۆزونون اوزرینه دوشموشدور. معلم تکلیف ائتدی کی، منطقى وورغو قبول ائتمیش «خط کشینی» سۆزونون اوزرینه قوشا وورغو اشاره سی قویسونلار، اؤزو ایسه لوحه ده همین سۆزون اوزرینه وورغو اشاره سی یازدی. بئله لیکله، همین جمله لر یازیدا آشاغیداکی وضعیتى آلدی:

گولگز خط کشینی ایتیرمیشدی؟

گولگز خط کشینی ایتیرمیشدی.

معلم صینیفه مراجعت ائده رک سوروشدو:

- نه اوچون یولداشینیز همین جمله لری اوخویارکن «خط کشی» سۆزونو او بیریلره نسبتاً قوتلی تلفظ ائتدی؟

چوخ قیسا سس سیزلیکدن سونرا جمله لری اوخویان اؤیرنجی اؤزو جواب وئردی:

- بیرینجی جمله ده گولگزين نهیینی - محض خط کشینی ایتیرمه سی سوروشولور، ۲-جی جمله ده ایسه گولگزين محض خط کشینی ایتیرمه سی حاقدان جواب وئریلیر. هر ایکی جمله ده «خط کشینی» سؤزو دقتی داها چوخ جلب اندیر و اونا گؤره ده جمله نی اوخویارکن ایستر- ایسته مز همین سؤزو باشقالاریندان قوتلی تلفظ ائتدیم.

معلم اؤیرنجی نین جوابینی تاماملایاراق آیدینلاشدیردی کی، آیری- آیری جمله لردن دانیشانین و یا اوخویانین مقصدیندن آسیلی اولاراق، جمله ده کی سؤزلردن هر بیرینی باشقا سؤزلره نسبتاً قوتلی تلفظ ائتمک، یعنی فرقندیرمک لازیمدیر. بئله اولدوقدا همین فرقلی تلفظ ائدیلن سؤزون اوزرینه منطقی وورغو دوشموش اولور. مثلاً، «گولگز خط کشینی ایتیرمیشدی» جمله سینی اوخویان اؤیرنجی بو جمله ده «خط کشینی» سؤزونو خصوصیه نظره چارپدیرماق اوچون اونو قوتلی تلفظ ائتمیشدیر. بو جمله لردن تکجه «خط کشینی» سؤزونو دئییل، او بیر سوزلری ده منطقی وورغو ائتیندا سؤیله مک اولار. سونرا معلمین تکلیفی ایله اؤیرنجیلر بو جمله لری ایکی واریانتدا دا اوخودولار. بئله کی، بیرینجی حالدا گولگز خط کشینی ایتیرمیشدی، «گولگز» سؤزو، ایکینجی حالدا ایسه گولگز خط کشینی ایتیرمیشدی، «ایتیرمیشدی» سؤزو منطقی وورغو ائتیندا تلفظ ائدیله. بئله لیکله، گؤستریلن جمله لر اوچونجو واریانتدا تلفظ ائدیله و لوحه ده آشاغیداکی شکیلده قید ائدیله:

۱-جی واریانت: گولگز خط کشینی ایتیرمیشدی؟

گولگز خط کشینی ایتیرمیشدی.

۲-جی واریانت: گولگز خط کشینی ایتیرمیشدی؟

گولگز خط کشینی ایتیرمیشدی.

۳-جو واریانت: گولگز خط کشینی ایتیرمیشدی؟

گولگز خط کشینی ایتیرمیشدی.

اؤیرنجیلرین جوابلارینی عمومی لشدیره رک معلم منطقی وورغویا آشاغیداکی کیمی تعریف وئردی:

«جمله ده معین عضوون باشقالارینا نسبتاً داها چوخ نظره چاتدیریلما سی مقصدی ایله قوتلی دئییلمه سینه منطقی وورغو دئییلیر».

اؤیرنجیلرین بو جوابلاری گؤستردی کی، اونلار منطقی وورغو حاقیندا وئریلمیش معلوماتی شعورلو صورتده منیمسه میشلر و آیری- آیری جمله لری افاده لی اوخویا بیلیمک اوچون اونو تجربه ده تطبیق ائتمگه آلیشیرلار.

قایناق:

- بالی یف، ه. ب. (۱۹۷۸)، *آنا دیلی نین تدریسی مئتودیکاسیندان محاضره لر*، آپ، ایپینلاری، باکی.
- بالی یف، ه. ب. (۲۰۰۷)، *اورتا مکتبه اذربایجان دیلی نین تدریسی مئتودیکاسیندان محاضره لر*، باکی.
- عبدالله یف، ن. ا. (۲۰۰۸)، *نطق مدنی نین اساسلاری*، آپ. ایپینلاری، باکی.
- کریموف، ی. ک. (۲۰۰۳)، *آنا دیلی نین تدریسی مئتودیکاسی*، ناشر نشریاتی.

۱۹-جو عصر قاجارلار دؤرونون آذربایجانلی حکیم لری

● طاهره حسن زاده*

۱۹-جو عصر قاجارلار دؤرونون طباب علمی تاریخینی آراشدیران تدقیقاتچی بو دؤرده فعالیت گؤستریمیش آذربایجانلی طبیب لری آدلارینا مطلق تصادف ائده جکدیر. چونکی بو دؤرون گؤرکملی شخصیت لری سیراسیندا دؤلت خادمی، حربچی و دیپلومات اولدوغو کیمی مکمل تحصیل آلمیش آذربایجانلی حکیم لر ده اولموشدور.

قاجارلار دؤرو تاریخینی نین گؤرکملی تدقیقاتچیسى دکتر عبد الحسین نوایی قاجاریه دؤرونه مخصوص خصوصیت لردن گئنیش بحث ائتمیشدیر و بو فیکیرلر ده اونا مخصوصدور:

«قاجاریه دؤلتی نین اساسی ۱۸-جی عصرین سونلاریندا قویولموش، ۱۹-جو عصرین اوللریندن اعتباراً قول-بوداق آتماغا باشلامیشدیر... اروپایا تحصیل آلمایا گؤندرمک، دارالفنون و مدرسہ لر آچماق، ایراندا اروپا علملرینی تدریس ائتمک، اروپا مدنیتی ایله تانیشلیق قاجارلار دؤرونده حیاتا کئچیریلیمیشدیر.»^۱

معلوم اولدوغو کیمی، آذربایجان ولایتی نین حاکمی و ولیعهد عباس میرزا نایب السلطنه اوردودا اروپا سایاغی اصلاحاتلار آپاریر، بونون اوچون اولکهییه حربچی معلم، مهندس لر دعوت ائدیردی. او جمله دن آذربایجانلی گنجلری ده اروپایا تحصیل آلمایا گؤندرمکله او، تاریخین یادداشیندا قالان ایشلر گؤرموشدور.

بیر اروپالی نین آذربایجان اوردوسونون سرکرده سی عباس میرزا حاقیندا دئیگی بو سؤزلر هر بیر انسانی دوشونمگه وادار ائدیر:

«من اونون قدر اروپا علمینه و صنایعینه دقت ائدن باشقا ایران شاهزاده سی تانیمیرام. ایران و عرب علملرینه بلد اولان عباس میرزانین آتاسی فتحعلیشاه دؤرونون اعتباراً ایراندا اروپا حیاتی ماراق آرتیمیشدیر.»^۲

* ال یازمالار انستیتوسو، باکی.

^۱ دکتر عبد الحسین نوایی، ایران و جهان، جلد ۲، تهران، موسسه نشر هما، ۱۳۲۹ (۱۹۵۰)، ص. ۱۰.

^۲ طاهره حسن زاده، مراغه لی محمد حسن خان اعتماد السلطنه نین اثرلرینده آذربایجان تاریخی مسئله لری، باکی، تورال

۱۹-جو عرصده یاشاییب فعالیت گؤستریش حکیم لردن میرزا سلیم قراباغی، میرزا بابا و یاخود حاجی بابا افشار، میرزا نظرعلی حکیم باشی، میرزا محمد قوبوللو حاقیندا ایران منبعلرینده اولان معلوماتلاری نظر دقته چاتدیرماقلا یقین کی، آذربایجان طبّ تاریخی نین یالنیز بیر نچه قارانیق صحیفه سینه ایشیق سالمیش اولاریق.

أوروپادا ایلک عالی تحصیل آلمیش حکیم میرزا بابا افشار و یاخود میرزا حاجی بابا افشار ولیعهد عباس میرزا نایب السلطنه نین اردو ضابط لرینین بیرین اوغلو ایدی. او شاهزاده عباس میرزا طرفیندن ۱۸۱۱-جی ایلده أوروپادا طبّ علمینی و رساملیق اینجه صنعتینی اؤیرنمک اوچون گؤندریلمیش ایکی گنجدن بیر اولموشدور. ۱۸۱۱-جی ایلده تبریزه، عباس میرزانین حضورینا گلیمیش اینگیلتره نین خارجی ایشلر ناظری هارفورد جونس ولیعهدین خواهشینی یئرینه یئتیره رک همین ایکی گنجی، میرزا بابا افشار و نقاش باشی اوغلو محمد کاظمی اؤزو ایله لندنه آپارمیشدیر. انگلیس دولتی نین سفیری معاصر علملری اؤیرنمگین ضروری اولدوغونو دوشونن عباس میرزانین بو فکرینی مثبت قارشیلامیشدی. هر ایکی گنج آذربایجانین تانیلمیش، آدلی-سانلی عائله لریندن ایدیلر. عباس میرزا نایب السلطنه بو ایکی گنجی سر هارفورد جونس ایله لندنه یولا سالارکن دئمیشدیر: «بو ایکی گنجی تحصیل آلماق اوچون آپارین کی، قایتدیقدان سونرا منه، اؤزلرینه و اؤز مملکت لرینه فایدا وئرسینلر.»

نقاش باشی اوغلو محمد کاظمین رساملیق صنعتینده فوق العاده بیر استعدادی وار ایدی. اونو بو صنعتین گؤرکملی اوستادلاری نین یانیندا تحصیل آلماق اوچون قبول ائتدیلر. لکن او ۱۸۱۳-جو ایلده ورم خسته لیگینه توتولدو و وفات ائتدی.

میرزا بابا طبّ علمی نین ابتداسینی اؤیرنمکله مشغول اولدو. او آلتی ایل لندنده اورتا تحصیل آلدیقدان سونرا طبّ علمی نین درینلیکلرینه واراق اونا مکمل ییه لندی. بئله لیکله او أوروپادا ایلک طبّ تحصیلی آلمیش آذربایجانلی اولدو.

میرزا بابا ۱۸۱۹-جو ایلدن عباس میرزا نایب السلطنه نین و اوغلو محمد میرزا (سونرالار محمد شاه) حکیم باشیسی تعیین اولونموشدور.

او، محمد شاهین حکیم باشیسی اولدوقدان سونرا آدیندان حاجی سؤزونو آتاراق میرزا بابا حکیم باشی کیمی تانیماغا باشلامیشدیر. بونون ایسه سببی وار ایدی.

انگلیس یازیچیسی جیمس موریه عینی زاماندا سیاسی خادم اولموشدور. او، آلتی ایل قاجار دؤلتینده اینگیلتره سفیرلیگی نین صلاحیتلی نماینده سی کیمی چالیشمیشدیر. جیمس موریه لندنه قاییدارکن طلبه حاجی بابا ایله تانیش اولموش، «سرگذشت حاجی بابا اصفهانی» اثری نین قهرمانی نین آدینی دا میرزا حاجی بابا حکیم باشی نین آدیندان گؤتورموشدور. جیمس موریه نین «حاجی بابا» کیتابی نشر اولوندوقدان بیر نچه ایل سونرا ایراندا اولموش بیر نفر انگلیس وطنداشی حکیم باشی حاجی بابانی گؤرموش و اونون بو خبردن

چوخ پژمرده حال اولدوغونو بيلميشدى. حاجی بابا جمیس موریه دن اینجیه رک اثرینده نه اوچون محض اونون آدینی سجدیگینه تعجب لشمیشدی.

ایران عالمی مهدی بامداد یازیر:

«جمیس موریه اؤز کتابینا حاجی بابانین آدینی وئردیگی اوچون چوخ گومان کی، او بوندان برک دلخور اولموشدو. بونا گؤره ده اثرین قهرمانی ایله اؤز آراسیندا اوخشارلیق اولماماسی اوچون «حاجی» کلمه سینی اؤز آدیندان آتدی و او همین واختدان میرزا بابا کیمی تانیندی.»^۱

عباس میرزا نایب السلطنه آذربایجانین گؤزل، آباد کندلریندن بیرینی، تبریزدن ایگیرمی بئش کیلومتر آرالیدا یرلشن خواجه کندینی میرزا بابایا باغیشلامیشدی. او بو کندین گلیری ایله وارلی بیر شخص ایدی.

میرزا بابا هجری ۱۲۴۴-جو (میلادی ۱۸۲۹) ایله روسیانین ایرانداکی سفیری قریبایدوفون قتلی ایله علاقه دار شاهزاده خسرو میرزانین باشچیلیغی ایله روسیایا عذرخواهلیق اوچون گؤندریلمیش نماینده هییتی نین عضو اولموشدور. بو زامان او شاهزاده نین شخصی حکیمی ایدی.

دوکتور میرزا حاجی بابا هجری ۱۲۵۲-جی (میلادی ۱۸۳۶) ایله تهراندا وفات ائتمیشدیر.

۱۹-جو عصر قاجارلار دؤلتی نین تانینمیش شخصیتلریندن اولان میرزا نظرعلی حکیم باشی عینی زاماندا فیلسوف طبیعتلی شخصیت و نفوذ صاحبی اولموشدور. او، آقا محمدین اوغلو، قزوینلی حاجی شاه نظرین نوه سیدیر. حدّ بلوغه چاتدیقدان سونرا اؤز آرزوسو و آتاسی نین اجازه سیله حکمت و طبابت علملرینی اؤیرنمک اوچون همدان شهرینه گئتمیش، بیر مدّت دؤرون تانینمیش حکیم لری نین یانیندا طبّ علمینی و اجزاچیلیق پئشه سینی اؤیرنمکله مشغول اولموشدور.

عباس میرزا نایب السلطنه نین بؤیوک اوغلو محمد میرزا هجری قمری ۱۲۳۹-جو (میلادی ۱۸۲۳) ایله همدان حاکیمی اولارکن پاداقرا خسته لیگی شدت لنمیش و اونون بو خسته لیگی معالجه ائده بیلن حکیمه احتیاجی اولموشدو. میرزا نظر علی نین اوستادی اولان حکیم محمد میرزانی معالجه ائتمگه باشلامیش، لاکین بیر نتیجه وئرمه میشدی. همین حکیمین شاگردی اولان میرزا نظرعلی معالجه وی درمان و یاغلاردان استفاده ائتمگی چوخ یاخشی باجاریردی. او، محمد میرزا ایله گؤروشمگه امکان تاپاراق اونو معالجه ائده بيله جگینی سؤیله دی. محمد میرزا بونا راضی اولدوقدا میرزا نظرعلی اوستادیندان گیزلی محمد میرزانین آیاغینی معالجه ائتمگه باشلادی. اونون حاضرلادیغی درمانلار آغریلاری آزالتمیش و خسته ساغالامیشدی.^۲

بئله لیکله میرزا نظرعلی بوندان سونرا همین حکیمین یانیندا ایشله مه میش و محمد میرزا اونا حکیم باشی عنوانینی وئرهرک اونو اؤز حکیمی و ندیمی تعیین ائتمیشدی. میرزا نظرعلی قزوینلی حکیم باشی محمد میرزانین یاخین آداملاریندان و اونون ایشلرینی اداره ائدنلردن بیرى اولموشدور. او، هجری ۱۲۵۱-جی

^۱ بامداد، مهدی - تاریخ رجال ایران، جلد ۴، تهران، چاپخانه بانک بازرگانی ایران، ۱۹۶۶، ص. ۱۹۶

^۲ سلیمانی، کریم - القاب رجال دوره قاجاریه، تهران، نشر نو، ۱۳۷۹، ص. ۶۲

(میلادی ۱۸۳۵) ایله فتحعلی شاهین قیرخ ایکنجی قیزی خاور سلطان بیگیم ایله ائولنمیشدیر. فتحعلی شاهین وفاتیندان سونرا (ولیعهد عباس میرزا اوندان بیر ایل اول وفات ائتمیشدیر - ط.ح.) تورکمن چای مقوله سی نین یئددینجی ماده سینه اساساً محمد میرزا شاهلیق تختینه ایلشدی و باش وزیر ایسه میرزا ابوالقاسم قائم مقام تعیین ائیلدی. لاکین دوققوز آیدان سونرا بو وطن پرور سیاستچی شخص اولدورولدو. اونون یئرینه محمد شاهین معلمی و تربیه چیسی میرزا آغاسی ایروانی کئچدی. حکیم باشی نظرعلی خانین حیاتی چتین لیکله اوزلشدی. اونونلا آراسیندا ضدیت یارانندی. نظرعلی خان آذربایجانا سورگون اولوندو. او ایسه یولدا قاچاراق قوم شهرینه پناه گتیردی و عؤمرونون آخیرینا دک اورادا یاشامالی اولدو.

۱۹-جو عصر آذربایجان طبّ تاریخینی آراشدیران تدقیقاتچی هئچ شبهه سیز کی، میرزا محمد عبدالصبور تبریزی قوبوللونون دا آدینا تصادف انده جکدیر. او، ۱۸۰۵-جی ایله تبریزده آنادان اولموشدور. حکیم قوبوللو لقبی ایله مشهور اولماسی نین سببی ایران عالمی مهدی بامدادین یازدیغینا گوره حدیندن آرتیق قلیانا آلوده اولماسی و حتی سفره ده چیخاندا اؤزو ایله «قوبول-منقل» آپارماسی اولموشدور.^۱ اصلی خوی شهریندن اولان میرزا محمد، تبریزده یاشامیشدیر. او، عباس میرزا نایب السلطنه نین معاصری ایدی. اولجه محمد شاهین شخصی حکیمی، سونرا ایسه ناصرالدین شاهین حکیم باشیسی اولموشدور. قوبوللو طبابت علمینی اصفهاندا اؤیرنمیش، بیر سیرا ترجمه و اورژینال اثرلرین مؤلفیدیر.

محمد فضولی آدینا ال یازمالار انستیتوسوندا اونون «مفصل تشریح» اثری نین ال یازماسی محافظه اولونور. او، مشهور آذربایجان عالمی محمد علی تربیتین باباسی اولان میرزا مهدی خانین «سنگلاخ» اثرینی عباس میرزا اوچون اختصار ائدیب «خلاصه عباسی» آدی ایله اونا تقدیم ائتمیشدیر. قوبوللو انگلیس حکیمی کارمکدن ترجمه ائتدیگی «تعلیم نامه در عمل آبله زدن» (چیچک پیوندی حاقیندا تعلیمات)، «مجمل الحکمتین و جامع الطبیین» و باشقا اثرلرین مؤلفیدیر.

قوبوللو تبریزی نین طبّی گؤروشلری حاقیندا آذربایجاندا نامزدلیک رساله سی مدافعه ائدیلمیشدیر. اونون مؤلفی نصرالله کودری هم ده «۱۹-جو عصر ایراندا طب علمی نین تاریخیندن» موضوعوندا تدقیقات آپارمیشدیر.^۲

۱۹-جو عصرده آذربایجانین و بوتون ایران خلقلری نین گؤرکملی حکیم لریندن حساب اولونان قوبوللو طبّ ساحه سینده گؤردوگو ایشلرله شرق و غرب طبّ علملرینی بیر-بیری ایله علاقه لندیرن و بونونلا دا معاصر طبّ علمی نین اساسینی قویانلاردان بیری اولموشدور. اونو «ارسطو خاصیتلی بؤیوک فیلسوف» آدلاندیرمیشلار.

۱۹-جو عصر قاجارلار دؤرونون گؤرکملی اجتماعی-سیاسی خادمی میرزا یوسف خان تبریزی

^۱ بامداد، مهدی - تاریخ رجال ایران، جلد ۳، ص. ۲۴۱

^۲ کودری، نصرالله - میرزا محمد ابن عبدالصبور تبریزی قوبوللونون طبّی گؤروشلری، طبّ علمی نامزدلیک رساله سی،

باکی، ۱۹۶۴، ص. ۲۶۲

^۳ کودری، نصرالله - میرزا محمد الصبور تبریزی قوبوللو، آذربایجان طبّ ژورنالی، باکی، ۱۹۶۳، ص. ۸۲ - ۷۹.

مستشارالدوله نین اوغلو، جلال الدین رومی «مثنوی» سی نین فرانسیز دیلینه مترجمی حسین آزاد تبریزی ده اروپا دا تحصیل آلمیش آذربایجانلی حکیم لردندیر. آتاسی میرزا یوسف تبریزی فرانسادا دیپلوماتیک فعالیتله مشغول اولارکن اورادا تحصیل آلمیش، سونرا تحصیلینی لندن اونیورسته سی نین طب فاکولته سینده داوام ائتدیرمیشدیر. او، اولتر ناصرالدین شاهین شخصی حکیم لریندن بیر، سونرا ایسه اوغنون، اصفهان حاکیمی مسعود میرزا قاجارین (ظل السلطان) حکیم باشیسی تعیین اولونموشدور. قاجارلار دؤرونون تانینمیش حکیم لریندن اولان آذربایجان عالمی میرزا سلیم آخوندوف قراباغی نین آذربایجان ملی علملر آکادمیاسی محمد فضولی آدینا ال یازمالار انستیتوسوندا یکی داش باسما کیتابی محافظه اولونور. «تدبیر الحوامل» و «کشکولک» آدلی بو اثرلر ۱۸۹۳ و ۱۸۹۷-جی ایلرده تهراندا نشر اولونموشدور.

میرزا سلیم قراباغی ۱۸۹۴-۱۸۹۰-جو ایلرده تهراندا یایلمیش وبا خسته لیگی زامانی گؤستر دیگی خدمتله گؤره قاجار دؤلتی طرفیندن یوکسک قیمت لندیرلمیش. اونون حاقیندا بیر سندده دئییلیر:

«... دهشتلی خسته لیک اولان وبا دارالخلافة ده طغیان ائدن زامان میرزا سلیم بؤیوک جسارت و ایگیدلیکله وبا خسته لیگینه یولوخموش خسته لره نظارت ائتمیش، اونلاری معالجه ائده رک، کاسیبلارا اؤزونون طبیعتینده اولان قایغی و مرحمتی، خیر خواهلیغی گؤستریمیشدیر. آقا میرزا سلیم بو گون ماهر، صداقتلی، سینانمیش و هر بیر قسم معالجه یه قابل بیر حکیم دیر. شوال ۱۳۱۱.»

قید ائتمک لازیم دیر کی، معاصر دؤرده آذربایجاندا طب تاریخی نین اؤیره نیلمه سینده ال یازمالار انستیتوسوندا ۲۰۰۵-جی ایله یارادیلیمیش آذربایجان طب تاریخیچیلری بیرلیگی نین فعالیتی بؤیوک دور. انستیتونون «ترجمه و اینفورماسیا» شعبه سی نین مدیری، تاریخ علملری دوکتورو فرید علی اکبرلی همین بیرلیگین پرزیدنتی اولراق تکجه آذربایجاندا یوخ، خارجی اؤلکه لرده ده تانینمیش طب تاریخیچیس، گؤرکملی عالم لریندندیر. اونون رهبرلیگی و بیرلیگین عضولری نین فعالیتی نتیجه سینده باکیدا ۲۰۰۵-جی ایله «آذربایجاندا طب علمی نین تاریخی پروبلملری» بیرینجی رسپوبلیکا علمی کونفرانسی، ۲۰۰۶-جی ایله ایسه دولت سویه سینده بیر چوخ خارجی اؤلکه عالم لری نین ده اشتراکی ایله «اورتا عصر ال یازمالاریندا عنعنه وی طب و اجزاچیلیق» بیرینجی بین الخلق کونفرانسی کئچیریلیمیشدیر.

۲۰۰۵-جی ایله دنیا عالم لری نین دقتینی جلب ائدن طبه عائد ال یازمالاردان اوچو یونسکونون «دونیانین یادداشی» سیاهیسینه داخل ائدیلمیشدیر. ■

Xülasə

Qacarlar dövrünün azərbaycanlı həkimləri

Tahirə Həsənzadə

Azərbaycan MEA Məhəmməd Füzuli adına Əlyazmalar İnstitutunda mühafizə olunan əlyazmaların bir qismi də qədim Şərqdə yaranmış təbabət elmindən bəhs edir. Bu əsərlərin bir çoxunun müəllifi azərbaycanlı həkimlərdir.

Məqalədə XIX əsr Qacarlar dövründə yaşamış bir neçə azərbaycanlı həkimlər və onların həyat və fəaliyyətləri barədə məlumat verilir. Abbas Mirzə Naibüssəltənənin təşəbbüsü ilə Avropada təhsil almış Mirzə Hacıbaba Əfşar, həkimlərdən qəzvinli Mirzə Nəzərəli, Mirzə Məhəmməd Təbrizi Qobolli və başqaları həmin dövrdün təbabət elminin görkəmli nümayəndələridirlər.

Summary

Azerbaijani doctors of the XIX century, the period of Gadjars

Hasanzada Tahira

Some of the manuscripts kept in Azerbaijan National Academy of Sciences; the Institute of Manuscripts names after Muhammed Fuzuli are about ancient Eastern medicine. What is more, the authors of most of these works were Azerbaijani doctors.

The article deals with some Azerbaijani doctors who lived in the XIX century, in the period of Gadjars and with their life and activity. Mirza Hajibaba Afshar who studies in Europe with the initiative of Abbas Mirza Naibussaltana, Mirza Nazarali from Qazvin, Mirza Muhammed Tabrizi Gobolli and the others were the great representatives of the medicine of the period.

چىنگىز آيتماتوفون «آغ گى» رومانىنداكى شفاھى خلق ادبىياتى عنصرلىرى

● صلاح الدين بككى

الف) آيتماتوفون حياتى:

۱۹۲۸-جى ايلده قىرغىزىستانىن پايتختى فروزه (بىشكىك) نىن شىكر قىصبەسىندە دوغولان آيتماتوف ۱۹۳۷-جى ايلده اتاسى تۇرەقولو استالىنىن اسدىردىگى ترور فىرتىناسىندا ايتىرمىشىدىر. اوچ قارداشى ايله بىرلىكدە اناسى نجمىه آيتماتووا طرفىندىن يىتىشىدىرىلن چىنگىز، ايلك تحصيلىنى دوغولدوغو يىردە بىتىرمىشىدىر. اوشاقلىغىنى دولدوران ايكىنجى دونيا ساواشى نىن بوتون آجيلارنى عائلەسىلە بىرلىكدە ياشايان و گىنجلر عىكرلىگە آلىندىغى اوچون هلە اون بىش ياشىندا ايكى كىند كولىخوزوندا سىكرىتر (كاتىب، منشى) اولاراق چالىشماق زوروندا قالان چىنگىز، ساواشىن سىنما و كىتابلاردا آنلادىلانلاردان چوخ فرقىلى، چوخ قارما-قارىشىق بىر حادثە اولدوغونو آنلار. داھا دا اۆنملىسى، اوشاق، قادىن-كىشى، ياشلى-گىنج، بوتون خلقىن گۆستردىگى فداكارلىقلارا و جىبەدەكىلىرى دىيورماق اوچون آج قالما باھاسىنا آپارىلان چالىشمالارا رىغماً آلمان اوردولارى نىن مۇسكووايا دوغرو اىرلىلەمگە داوام ائتمەسى، ھىچ خطا ائتمەيە جىگى اۋىردىلن پارتىيا (حزب) نىن دا يانىلا بىلە جىگىنى گۆسترمىشىدىر. گىنج چىنگىز دۆلتىن و پارتىيانىن اۋنجهلىكلرى موضوعىسوندا او ايلردە شىبەھىە دوشور. ايلك حكايە سىنامالارىنا دا عىنى ايلردە باشلامىشىدىر.

آيتماتوف، ساواشدا سونرا قازاغىستانداكى جومبور بايىزار تىكنىك مەكتىبىنى بىتىرىر و قىرغىزىستان اكىنچىلىك انستىتوسونا داوام ائدىر. اۋىرنىجىلىگى دۇرونده قىزغىز تور كجەسىلە يازدىغى بىر حكايەسى روسجايا چئورىلمىش و ۱۹۵۲ ايلىندە «پراودا» دا يايىنلانمىشىدىر. بىر ايل سونرا اكىنچىلىك انستىتوسوندا ماذون اولور و حيوان يىتىشىدىرمە مەتخىسى اولاراق وظيفەيە باشلايىر. بئلجە اۋلكەسىنى و انسانلارنى ياخىندان تايىنما فرىتى تاپىر. اوشاقلىغىندا چوبانلىق ائدركن الدە ائتىدىگى طىبەت-انسان علاقهلىرى حاقىندا اىپاوجلارى، بو وظيفەسى ائناسىنداكى آراشدىرما و تجربەلىرى ايله بىرلشەرك ائثرلىرى نىن زىنگىن ملزمەسىنى

تشکیل ائده جکدیر. البته بو آرادا قازاق-قیرغیزلارا عاید ماناس داستانی باشد اولماقلا بیر چوخ افسانه، ناغیل و شعر ده تثبیت ائتمیشدیر.

۱۹۵۶-۱۹۵۸ ایللری آراسیندا قورکی ادینا ادبیات انستیتوسوندا استاژ امکانی تاپان گنج یازیچی، «خلق دوشمنی نین اوغلو» دامغاسینی داشیماسینا رغماً یوکسلیشینى سوردورور و انستیتویا باشلادیغی ایل مؤسکوادا ادبیات فاکولته سینه ده گیریر. خروشچوفون آنتی-استالینیست کامپانیاسی سیراسیندا سووئت یازارلار بیرلیگینه و سووئت کومونیست پارتیاسینا قبول ائدیلمیر. آرتیق باشاریسی هرکس طرفیندن قبول ائدیلن بیر یازار دیر. «ایلک معلیم»، «جمیله»، «دوه گۆزو»، «سرو بویلوم، آل یایلیقلیم» کیمی اثرلری، لنین ادبیات مکافاتینا لاییق گۆرولمه سینه سبب اولور.^۱

«قلاسنوست و پروستریکا» دؤنمینده بیر سیرا قورباچوفون مصلحت چیلری قروپوندا چالیشیر. بیر مدت روسیه فدراسیونونون لوکزامبورق سفیری کیمی چالیشان آیتماتوف، حال حاضریدا همین اؤلکه نین قیرغیزستان سفیری، قیرغیزستان پارلمانی نین عضو و عینی زاماندا یونسکو تمثیلچیسیدیر. قوروچولاری آراسیندا (سابق) دؤلت ناظیری نامیق کمال زیبکین ده اولدوغو «تورک دونیاسی یازارلار و صنعتچیلر وقفی» نین شرف قورولو باشقانلیغینا گتیریلیمیشدیر.^۲

ب) رومانداکی خلق ادبیاتی عنصرلری:

بو بؤلومده اؤزللیکله رومانین اساس نقطه سینی تشکیل ائدن مارال آنا افسانه سی اوزرینده تفصیلاتلی بیر شکیلده دوراجاغیق. رومانداکی خلق کولتورو عنصرلریندن حرکتله آیتماتوفون ساده جه قیرغیزلارین حیاتی نی یوخ، بوتون تورک بویلاری نین اورتاق مدنی قورولوشونو ایشله دیگینی گؤزلر اؤنونه سرمگه چالیشاغیق.

رومانین مرکز نقطه سینی مارال آنا افسانه سی تشکیل ائدیر. قیرغیزلارین بیر سویدان گلدیگینی گؤسترن افسانه نین خلاصه سی بئله دیر: «چوخ اسکی زامانلاردا، یئر اوزونده اوتلاردان چوخ منشه نین مؤجود اولدوغو بیر زاماندا، بویوک و سویوک بیر چایین کناریندا بیر قیرغیز بویو یاشارمیش. بو چایا اسکیدن انه سای (آنا چای) ایندی ایسه یئنی سئی دئییرلر. او زامان انه سای بویلاریندا هر نوع ملت یاشارمیش. حیاتلاری چتین ایمیش، چونکی بیر-بیرلر ایله داواملی ساواش حالیندا ایمیشلر. او سیرادا تایقادا بیر قوش چیخمیش اورتایا. بو قوش، گنجهلری سحره قدر انسان سسی ایله ماهنی سؤیله ییر، آجی-آجی آغلا ییر، بوداقدان بوداغا قوناراق سسلنیرمیش. «بیر فلاکت گلیر، قورخونج بیر فلاکت گلیر!» دئییرمیش و بیر گون او فلاکت گلیب چاتمیش. اوزون ایللر قیرغیزلارا یول گؤسترن «قؤلجه باتیر» اوچون خلق جنازه مراسیمی آپاریرمیشلار. او گون هئج گؤزلنیلمز بیر شکیلده دوشمن قونشولاری قیرغیزلارا هجوم ائتمیش و بیر نفرینی ساغ بوراخمادان

^۱ ب. آیواز اوغلو، «تولومیش اوکایثف، کار لئوپاری نین سویو و چینگیز آیتماتوف» دفتریمده ۴۰ صورت، اؤتوکن یای، ایست.، ۱۹۹۶، ص ۲۱۱-۲۱۰.

^۲ تورکیه لی هفته لیک خبر یورومو قزنتی، ی. ۱، سای ۳۴، ۱۵ نوامبر ۱۹۹۶، تورکیه قزنتی، ۲۹ نوامبر ۱۹۹۶، ص ۱۳.

ھامىسىنى قىلىنجدان كىچىرمىشلر. بو سۈي قىرىمدان، بۇيوكلىرىنى دىنلەمەيىب، سحرىن ئىرتە ساعاقلارىندا
آغاچ قابىغى توپلاماق و سىد ھۆرمك اوچون مئشەيە گئىدنايىكى دجل اوشاق قور تولموش.

مئشەدن دۇنن ايكي اوشاق يورد يئرلرینه هئچ كسى دىرى تاپمامىشلار و اوزاقلاردان قالخان توزون دالىسىنا
دوشموشلر. يوكسلن توز بولودونو تعقيب ائدەرك بىلمەدن دوشمنلرى نىن اولدوغو يئره چاتمىشلار.
اوشاقلارىن قىرغىز اولدوغونو آنلايان دوشمنلر درحال اونلارى باش بوغلارينا آپارمىشلار. بو سۈي قىرىمدان
هئچ بىر ايز بوراخماق ايستەمەين حاكيم، بو اوشاقلارىن دا اۋلدورولمەسى ضرورتىنى سۈيلىمەيش و بو
وظيفەنى چوپور توپال نەيە وئرمىش. نە اوشاقلارى آلاق اولو انە ساي چايى نىن كنارينا آپارمىش.
اوشاقلارى تام چايا آتاجاغى سىرادا، بىر آنا مارال (بوغو) گلەيش و اوشاقلارى چايا آتماسىنى و اونا
وئرمەسىنى ايستەمىش. آرالارىندا بئلە بىر دانىشيق كئچمىش:

- گۈزلە اى اولو بىلگە قادين! بو گوناھسىز اوشاقلارىن جانينا قىيما!

- سن كىمسن؟ نە اوچون انسانلارىن دىلى ايله دانىشىرسان؟ دئدى توپال چوپور نە.

- من آنا مارالام. ماراللارىن آناسى. انسانلارىن دىلى ايله دانىشماسام نە دئدىگىمى آنلاماز، منى دىنلەمىسن.

- ياخشى، نە ايستەيىرسن آنا مارال؟

- سربست بوراخ بو اوشاقلارى اى اولو بىلگە قادين. اونلارى منە وئر.

- نە ائدەجكسن اونلارى؟

- انسانلار ائكىزىمى، ايكي اوشاغىمى اۋلدوردولر. بو اوشاقلارى اۋلاد گۆتوره جگم.

- اونلارى امىزدىرمك، سودونلە بسلەمك مى ايستەيىرسن؟

- بلى، اولو بىلگە مخلوق.

چوپور توپال نە قاھ-قاھ گولەرك يئنه سوروشدو:

- ياخشىجا دوشوندونمو مارال آنا؟ بونلار انسان بالالارىدىر، انسان! بۇيودوكلرى زامان سنىن بالالارىنى
اۋلدورولر!

- يوخ، بۇيويىندە منىم مارال بالالارىمى اۋلدورمىزلر. من اونلارىن آنالارى اولاجاغام، اونلار دا منىم اوشاقلارىم.
انسان اۋز اوشاقلارىنى اۋلدورمى؟

چوپور توپال نە آجى-آجى باشىنى ساللادى:

- ائلە دئمە مارال آنا، انسانلارى تانىمىرسان. مئشە حيوانلارى هلە قالسىن، بىر-بىرلرىنى اۋلدورمكدن بئلە
چكىنمىرلر اونلار. سۆزلىمىن دوغرولوغونو آنلاياسان دئيه بو اوشاقلارى سنە وئردىم، وئردىم آما انسانلار بو
اوشاقلارى دا اۋلدورولر. نە دئيه جكسن بئلە بىر آجى يا؟

- اونلارنى ھىچ كىمسەنن تاپا بىلمەيە جىگى اوزاق بىر اۆلكەيە اپاراجاغام. حىف بو اوشاقلارا اولو بىلگە قادىن! سربست بوراخ اونلارنى. مەمەلرېم دوپ دولودور. سودوم اىتمېش بالالارېم اوچون آغلايىرا! سودوم، اوشاق! اوشاق! دئىە حسرتلە گۆز ياشى تۆكور!

توپال چوپور نە بىر آز دوشوندو و:

- چوخ ياخشى، دئدى. سىن دئدگىن اولسون. آل و درحال آپار بو يتىملىرى، سىن او اوزاق اۆلكەنە چاتدىر. اما بو اوزون يولچولوغا دايانا بىلمەيىب، اۆلرلرسە، يا دا قارشىلاشاچاغىنىز حادىثەلر اونلارنى اۆلدوررسە، اۆلاد گۆتوردوگون بو انسانچىقلار سىن امگىنى ايتىرلرسە گوناھ سىندىر، بىل! (آ. گ. ص ۶۲)

مارال آنا، توپال چوپور نەيە تشكور ائدىر، اوزون و مشقتلى بىر يولچولوقدان سونرا اوشاقلارنى ايسىق گۆلە چاتدىرېر. اوزون بىر زامان سونرا اوشاقلار بۆيۈمۈش و بىر اوشاقلارنى اولموش. مارال آنا آغ قاينىدان بىر بئشىك گتيرمېش و ۷ اوغلان ۷ قىز اوشاقلارنى نىن اولاجاغىنى موزدەلەمېش. بوينوزلو مارال آنا شرفىنە ايلك دوغولان اوشاغىن آدىنى بوغوباي قويوموشلار. و بئلەجە قىزغىزلار چوخالمېشلار. مارال آنا دا مقدس بىر وارلىق اولاراق قىرغىزلارلا بىرلىكدە ياشامېش. آنجاق بو حضور دولو حىيات آنلى-شانلى بىر بوغونون اۆلومونە قدر سورموش. اۆلن بوغونون اوشاقلارنى، بىزېم بابامىزدان زنگىن، شانلى بىر كىمسە يوخدور. اونون اوچون گۆرۈلمەمېش، دويولمامېش بىر شنى ائدك آتامىزىن آناسىنا - دئمېشلر. و بىر جئىران ووراراق بوينوزلارنىن اتالارنى نىن مزارىنا تىكمېشلر. بو قىرغىزلار آراسىندا بىر عادت حالىنا گلمېش و بوتون جئىرانلار اۆلدورولموش. بونون اوزرىنە بوينوزلو مارال آنا ايسىق گۆلە وداع ائتمېش و بو يئرلرە بىر داھا دۇنمەيە جىگىنى دئمېش.»

خلاصەسىنى سۆيلەمگە چالىشىدىغىم بو افسانەدە، يوخ ائدىلمېش اولان قىرغىزلارنى نەجە تكرر تۇردىكلرى، چوپور توپال نەنن سۆيلەدىكلرى نىن گئرچكلشمەسى آنلادىلماقدادىر. ايتماتوف «گون اولور عصرە بدل» دە نايمان آنا افسانەسى، سوونتلر بىرلىگىندە تطبىق اولونان سياستلە موازىلىك قوراراق آنلاتمېش و سوسىيال پسيكولوژى ادبىياتىنا يئنى بىر مفھوم قازاندىرمىشىدى: مانقورت.^۱

«آغ گمى» دە ايسە مارال آنا افسانەسىلە انسان اوغلونون اصلىنى اونودونجا نە قدر غدار و ظالېم اولاجاغىنى، گۆز قىرپمادان آناسىنى اۆلدورە بىلە جىگىنى ايشلەمېشىدىر. بو يۇنو ايلە «آغ گمى» دە وئرىلمك اىستىن پىاملا «نايمان آنا» افسانەسىندە كى پىام آراسىندا موازىلىك واردىر. ايتماتوفون «آغ گمى» نى «گون اولور عصرە بدل» دن اۇنچە يازدىغىنى گۆز اۆنۈنە ايرساق، ايلكىندە بوتون انسانلىق، ايكىنجى سىندە ايسە اۆز سويونا و كولتورونە يابانچىلاشدىرىلاراق يئتىشىدىرىلن اداملارنى درامىنى ايشلەمېشىدىر - دئىە بىلرېك.

^۱ كۆچرى توركلرىن تارىخى دوشمنلىرى اولان جوان جوانلار، ساواشلاردا ادىقلارنى گوجلۇ و قوتلى اولانلارنى اۆزلىرىنە ايراراق يادا يانېلماز ايشكنجەلرلە مانقورتلاشدىردىقدان سونرا كۆلە اولاراق ايشلدىرمېشلر. مانقورت يعنى كئچمېشىنى خاطرلامادىغى كىمى، ان ياخىنلارنى دا تانىمايان، حتى آغالارنى نىن امرىلە اۆلدورولە بىلن بىر نۇع رۇبوت... (ب. آيواز اوغلو، دفترىمدە ۴۰ صورت، ص ۲۱۱)

بورادان حركتله جئيران مۇتىوى نىن تورك كۆلتوروندىكى يئرى اوزرىنه كئچە بىلرىك. جئيران اساطىردە، افسانەلردە، خلىقات و ادبىيات نىمونهلرىندە مختلف يۇنو ايله ايشلنمىشىدىر. بونلارا گۇرە جئيران، سئوئىملى، چئويك و حساس ايچلىدىر. بوينوزلارى ايله، اينجە-ظريف وجودو ايله فرقلى بىر قورولوشا صاحىبىدىر. مقدسىدىر، قورد كىمى بىردن چىخار، انسانلارا دوغرو يولو گۇستىرر و بىردن ايتىر. جددىر، قوملارن آتاسىدىر، آناسىدىر. داها چوخ ملت و قوملارن تۇرىيشلرى ايله علاقه دار افسانە و اسطورهلردە گۇرونن جئيران، ائلچى اولراق دوغرو يولو گۇستىرىجى، يئنى يوردلارا آپارىجى اولراق گۇزلىنىر.^۱ بوتون بو اۇزلىكلرى مارال آنا افسانەسىندە گۇرە بىلمكده بىيك.

آنادولدا جئيران اۇولامانن اوغورسوزلوق گتىردىگىنه اينانلىير. گۇك توركلره عاييد بىر افسانەدە جئيرانلارى اۇولايان عسكرلرىنه اۇولومله جزالاندىرىلدىقلارنندان بحث ائدىلىر.^۲ آنجاق بورادا بىر شئى بحث موضوعسو دئىلىدىر. نئجه كى، انسانلار جئيرانلارى و ديگر حيوانلارى آجىماسىزجا اۇلدورهرك بوگونكو چئوره فاجىعه سىنه يول آچمىشلار، بو دا بىر نۇع انسانلارن جزالاندىرىلماسىدىر. بورادا آىتماتوف عىنى زاماندا انسان-طبيعت علاقه لىنه چوخ اۇنم وئرن بىر يازار اولراق قارشىمىزا چىخىر.

توركلرن اسلامىتى قبول ائتمەلرىندن سونرا دا جئيرانلا علاقه دار بىر چوخ منقبه^۳ تۇرمەيشىدىر. احمد يسوى نىن خليفەلرىندن اولان حكيم آتانىن باكىرقان شەرىندە اولان توربه سى ۴۰ ايل سولار آلتىندا قالاراق ايتىر. جلال الدين خوجا جئيرانلارن ياردىمى ايله توربه نىن يئرىنى تاپىر و يئنى سىنى انشاء ائدىر.^۴ قاىغوسوز آبدالين آبدال موسى درگاهىنا انتسابى يئنه بىر جئيران حادىثە سىنه باغلىدىر.

جئيران مۇتىوى آنادولو و آذربايجان ساحە سىندە، ماهنىلارا، باياتىلارا و تاپماجالارا دا مۇسوع اولموشدور. جئيران حاقىندا ان مشهور ماهنى بودور:

من ده گئندىم بىر گئنىگىن (جئيران) اۇوونا،
گئىك چكدى منى كندى (اۇز) داغىنا،
تۇبه لر تۇبه سى گئىك اۇوونا،
سىز گئدىن قارداشلار، قالدىم بورادا، آمان-آمان بورادا.
سىز گئدىن اۇوچولار، قالدىم بورادا، آمان-آمان بورادا.
من گندرکن قايا باشى قار ايدى،
يئل ووردو دا ارىم-ارىم اريدى،
آغ بىلكر داش اوستونده چورودو،

^۱ geyik مد. تورك دىلى و ادبىياتى انسىكلوپىدىسى، درگاه ياي. ۳، جو جلد، اىست.، ۱۹۹۷، ص ۳۳۴.

^۲ ب. اۇگل، تورك ميتولوژىسى - قايناكلارى و آچىقلاملاريله دستانلار - ج. ۱، ۲-جى باسقى، ت.ت.ك. ياي.، آنكا، ۱۹۹۳، ص ۵۷۰.

^۳ فضيلتلىرىن شرحى.

^۴ ف. كۇپرولو، تورك ادبىياتىندا ايلك متصوفلر، ص. ۹۲.

ناغارات

اۋرقانیم (اۋرکن، ایپ) قایادا آسیلی قالدی،
اسبابیم (پالتار) صاندیقدا باسیلی قالدی،
نشانلیم سیلادا (وطنده) کوسولو قالدی،

ناغارات^۱

* * *

مارال آنا افسانه سینده ایشلنن بیر تئما دا، هر کسین بیر سویدان گلدیگی فیکریدیر. بو سببله اوشاق، ساوخوزدان اوت آماغا گلن عسکرلر آراسیندا ان چوخ قولو بیگه یاخینلیق دویور. چونکی باباسی اونا قولوبیگین ده بوغو (مارال آنا) سویوندان گلدیگینی سؤیله میشدیر. آیتماتوف اوشاغین آغزیندان سویون اؤنمینی بئله دیله گتیریر:

«- بابام دئییر کی، اگر انسانلار آتالاری نین آدلارینی بیلمه سه لر پوزولوب پیش اولارلار.

- کیم پیس اولارمیش؟ انسانلارمی؟

- بلی.

- نه اوچون؟

- بابام دئییر کی: آتالاری نین آدلارینی، کیم اولدوقلارینی اونودانلاری، پیس لیک ائتمکدن اوتانمازلار. چونکی او زامان انسانین نئجه بیر آدام اولدوغونو نه اوشاقلاری بیلر، نه ده اوشاقلاری نین اوشاقلاری (ب. گ. ص ۱۱۲)، یوخاریدا قید ائتدیگیمیز کیمی آیتماتوفون ان بؤیوک ایدئالی، اؤزلوگوندن چیخمیش قیرغیز گنجلیگینی اؤزونه قایتارماقدیر. آیتماتوف، افسانه ایچینه یئرلشدیردیگی بو کیمی جمله لرله بیر نوع خبردارلیق ائتمیشدیر.

افسانه ده مارال آنانین یئنی دوغولان اوشاغا آغ قاییندان دوزلمیش بیر بئشیک گتیردیگینی گؤرموشدوک. رومانین آخیشی ایچریسینده، اوشاقسزلیق اوزوندن اوزوز قولدان عینی شکیلده بیر بئشیک گتیرمه سینی ایسته ییر. اوشاقسزلیق بوتون تورک ادبیاتیندا ایشلنن باشلیجا تئمالاردان بیری اولموشدور. آیتماتوف ننه نین آغزیندان اوزوز قول ایله به که یین اوشاقلاری نین اول بیلمه سی اوچون، اونلارین سلیمان تپه سینه گئده رک، اونون اتگینده بیر قارا قویون قوربان ائتمه لری ضرورتینی دیله گتیریر (آ. گ. ص ۴۴). اوشاق صاحبی اول بیلیمک اوچون توربه لر و اولیالارا نذر و نیاز ائده رک قوربانلار سونولماسی، آنادولودا هله مراجعت ائدیلمن چاره لردن بیردیر.^۲

^۱ س. تورخان، آنادولو خلق تورکولری و ازگیلری، کول. باک. یای. آنکا. ۱۹۹۶، ص ۳.

^۲ او. عجیب آیاملی، تورکیه ده دوغوملا ایلگیلی عادت و ایناملارین ائتولوژیک ائتودو، آتا. اولی. یای. آنکا. ۱۹۷۴، صلاح الدین بککی، «تورک میتولوژیسینده قوربان» (بلا کنیه)

آنجاق بيزيم اوزرينده دورماق ايسته ديگيميز خصوص، بئشيگين قايين آغاجيندان دوزلميش اولماسيدير. توركلرين ياشايشيندا چوخ اسكى زامانلاردان برى قايين آغاجى نين آيرى بىر يئرى اولموشدور. بعضى بويلاردا اوشاقلارين قوروجو تانريسى اوماي ايله برابر گويدن ائنديگينه اينانيلماقدادير. شامان دوعالارى اوزرينده قايين آغاجى نين رسيلمرينه راستلانميشدیر.^۱ بيزيم ده اوزرينده دوكتورا تئرى حاضيرلاماغا چاليشديغيميز «ما آدای قارا» داستانيندا، ما آدای قارا، يئنى دوغولان اوغلو كوكوتنى مرگنى آلاق قايين آغاجلارى ايله اورتولو يئره آپارير و «بو آلتای داغلاری سنين بابان اولسون / بو قايين آغاجلاری سنين آنان اولسون» دئهرک اوشاغى اورايا بوراخميشدیر. كوكوتنى مرگن اورادا قايين آغاجلاری نين شيرهسى ايله بؤيوموش و گوجلۇ بىر باھادير اولموشدور.^۲

مارال آنا افسانه سينده آنلاديلان قولچه باتير اوچون كئچيريلن جنازه مراسمی فؤاد كوپرولونون نقل ائتديگی «يوغ» مراسمی ايله اورتوشمكدەدير.^۳ آيتماتوف جنازه مراسمی بئله تصوير ائدير:

«عننه يه گؤره، مزار اولراق سئچيلن تپه ده، آچيق چوخورون باشيندا، باتيرين جسدی باشلاری اوزرينه قالدیريلير و اونا دونيانين دؤرد يانی گؤستريليلر: باخ بو سنين چايين! باخ، بو سنين گؤيون! باخ، بو سنين تورپاغين! باخ، بو دا بيزيك، سنينله عيني كؤكدن گلמים اولان بيز قيرغيزلار. هاميميز سنى اوغورلاماغا گلدیک. حضور ايچينده يات! و گله جک نسیلر يئرینی بيلسين دئيه مزارين باشيندا بؤيوك بىر باش داشی تیکرميشلر.

اؤلونو دفن ائتمه گونو، قيرغيزلارين بوتون چاديرلاری چای بويونجا دوزولورموش. بئله جه هر عائله، جنازه كئچرکن اونو چاديری نين ائشيگيندن گورور، سايفی ايله آگيلهرك سلاملايير، هيچقيرا-هيچقيرا آغلاياراق آغ ياس بايراغینی يئره ائنديررميش. سونرا او دا جنازه مراسمی قاتيلار، سونراكى چاديرا گلينجه اورادا دا عینی شئی اولوب، آغلايب، دؤيونرميش. بئله جه، مزارا قدر بوتون چاديرلارين اؤنوندن كئچيردرميشلر جنازه نی...

«آغيتچی (مرثیه اوخویان، اوخشایان) قادينلار باشلارینی آچیب ساچلارینی داغيتميشديلار و اونلاردا قولچه باتير اوچون آغيت اوخوماغا حاضير ايدیلر. ايگيدلر ديز چؤكموش، تابوتو قالدیرماق اوچون گؤزله ييردیلر. هرکس حاضير ایدی و جنازه نين قالدیريلماسینی گؤزله ييردیلر. مئشه کنارینا باغلانميش قوربانلیق دوققوز قيسراق، دوققوز بوغا و دوققوز دفعه دوققوز قویون کسيلمک اوزره گؤزلدیليردی.» (ب. گ. ص ۵۶-۵۷). بورادا اسكى توركلرده آتالار کولتو (ستایش و پرستش) ايله باغلی قوربان کسمه مراسمی، جنازه نين گؤيه قالدیريلماسینی (بىر نوع تقدیس اوچون)، آغيتچی قادينلارين ساچلارینی، باشلارینی يولاراق آغلامالارینی، دده قورقوددا اولدوغو کیمی ياس علامتی اولراق آغ چيخاريب قارالار گئينمگی و او توپلولوقدا اولان

^۱ kayın مد. تورک دیلی و ادبیاتی انسیکلوپئدیسی، ج ۵، درگاه یای. ایست. ۱۹۸۲، ص ۲۳۸؛ حکمت تانیو، تورکلرده آغاجلا ایلگیلی اینانجلار، تورک فولکلور آراشدیرمالاری ایللیگی ۱۹۷۵، کؤل. باک. یای. ۱۹۷۶، ص ۱۴۲-۱۲۹.

^۲ آلتائیسکی گئروئی چئسکی انپوس ما آدای کارا، موسکوا، ۱۹۷۳، ص ۹۸۸، ۴.

^۳ ف. کؤپرولو، تورک ادبیاتی تاریخی، ۴-جو باسقی، اؤتوکن یای. ایست. ۱۹۸۶، ص ۱۵-۱۶.

هرکسین جنازه یه سایغی گۆسترمه سینی چوخ آچیق بیر شکیلده مشاهده ائده بیلریک. ایریجا تورک فولکلوروندا یایغین اولاراق ایشلیدیلن دوققوز سایسی دا بورادا اهمال ائدیلمه میشدیر. دیوان شاعیرلرینجه عناصر اربعه اولاراق ایشلیدیلن دورد عنصر (هاوا، سو، اؤد، تورپاق) بورادا بیرى اسکیک اولاراق ایشلنمیشدیر. گۆروندوگو کیمی آیتماتوف، رومانیندا ۱۶ صحیفه ایشلیدیگی مارال آنا افسانه سینه همن-همن بوتون اسکی تورک تفکر و اینانجلارینی یئرلشدیرمگی باجاریمیشدیر. بو حالی ایله آیتماتوفون رومانلاری چوخ یوغون و مرکب بیر قورولوشا صاحبدیر.

«آغ گمی» ده مارال آنا افسانه سینی نین خارجینده مؤمن بابانین نوه سینه آنلاتدیغی «دوستاق خان حاقینداکی حکایه» ده تورکلرین مستقل و آزاد یاشاما ایدئاللاری نین بیر افاده سی اولاراق روماندا یئرینی آلمیشدیر. افسانه بئله دیر: «بابا دئییر کی، کئچمیش زامانلارین بیرینده، بیر خان باشقا بیر خانى دوستاق ائتمیش. بو خان دوستاغینا: اگر ایسترسن منیم کۆله م اولاراق یانیمدا قالیب، اوزون زامان یاشایا بیلرسن. ایسته مه سن ان بویوک آرزونو یئرینه یئتیریب سونرا دا سنی اؤلدوره رم؛ دئمیشدیر. دوستاق خان دوشونوب جواب وئرمیش: کۆله اولاراق یاشاماق ایسته میرم، منی اؤلدور، داها یاخشی، آنجاق اؤلدورمه دن اؤنجه منیم وطنیمدن هر هانسی بیر چوبانی بورایا گتیرمه نی ایسته میرم. - نه ائده جکسن چوبانی؟ - اؤلمه دن اؤنجه اوندان بیر ماهنی دینله مک ایسته میرم. بابام دئییر کی، وطنلری نین بیر ماهنیسی اوچون جانلارینی فدا ائدن انسانلار وارمیش. بئله انسانلاری گۆرمگی نه قدر ایستردیم! هر حالدا اونلار بویوک شهرلرده یاشاییرلار.

ماهنینی دینلرکن بابام قولاغیما پیچیلدا ییر: «ایلاهی! نه بویوک انسانلارمیش اسکی انسانلار! نه ماهنیلار یاخمیشلار یا ربیم!» (ب. گ. ص ۴۳).

گیریشه دئدیگیمیز کیمی آیتماتوف، ناغیل و افسانه لرله بیرلیکده قازاق-قیرغیزلارین ماهنیلارینی، حکایه لرله بیرلیکده دینله میشدیر. گوربوز آزاکین دئدیگی کیمی «تورکون حکایه سی تورکو (ماهنی) لرده دیر». آیتماتوف بو حاقدا دا اهمال ائتمه میشدیر.

آیتماتوف، هر فرصته گئری یه دؤنوشلر ائده رک ملتین حیاتیندا اؤنملی حادثه لرله علاقه دار افسانه لری نقل ائتمکدن امتناع ائتمز. بونلاردان بیرى ده روماندا حادثه لرین کئچدیگی سان-تاش وادیسى ایله علاقه داردیر. «بابامین آنلاتدیغی گۆره، چوخ-چوخ اسکی دن، دوشمنلر تورپاقلاریمیزی اله کئچیرمک اوچون آتلارینی چاپدییرب گلمیشلر. اما سان-تاش کولگی* ائله اسمیش، ائله اسمیش کی یهرلرین اوزرینده بئله دورمامیشلار. آتلاریندان ائنیب پیادا یئریمک مجبوریتینده قالمیشلار. اما یئریمک نه ممکن؟ اوزلرینه وورور

* سان-تاش وادیسى کولکلری ایله علاقه دار اولاراق بیر چوخ افسانه آنلا دیلماقدادیر. «اول زامان ایچینده ایکی ایگید ایسیق آدینداکی بیر قیزی سنور. قیز اوزوندن دفعه لرله داعوا ائدرلر، مغلوب اولمایینجا بیر-بیرلرینه وئرمگه ده راضی اولمازلار و قیزی اؤلدورمگی دوشونورلر. بئله جه قیزین جسدی نین آتیلدیغی یئر یاریلیب گؤل عمله گلیر. آنجاق بو ایکی قهرمان دا بیرى گؤلون شرقینده، او بیرى ایسه غربینده اسن ایکی قوتلی کولگه چئوریلیرلر.» علی برات آلپتکین، «ایسیق گؤل (قیرغیزستان) و چئوره سینده تثبیت ائدیلمن افسانه لرین آنادولو افسانه لرله مقایسه سی»، ایپک یولو اولوسلار آراسی خلق ادبیاتی سمپوزیومو بیلدییرلری، ۷-۱ ژولای ۱۹۹۳، آنکارا، آنکارا ۱۹۹۵، ص ۱۷-۱۱.

كولك. بو دفعه ده آرخالارنى چئويميشلر. كولك ده اونلارنى ائله گوجلە ايتەلەمىش كى، دوروب آرخالارنى بئله باخماميشلار و كولك، بىرىنى بئله بوراخمادان سوروب ايسىق گۆلە تۆكموش اونلارنى. ايشته بىز بئله بىر يئردە ياشايرىق». (ب. گ. ص ۴۱)

آيتماتوف، نقل ائتىدىكى بو افسانەلرلە اوزرىندە ياشانىلان تورپاقلارنى نئجە الدە ائدىلمەسىنى و تابولارىنىن بو كىمى تحكىه لر اولدوغونو يئنى نىسللرە چاتدىرماق ايستهمىشىدىر. آنادولودا ھەمن-ھەمن ھەر موقعىن بىر افسانەسى واردىر. بو حاقددا اوستادىمىز پروفىسور دوكتور بىلگە سىد اوغلونون «ارزرومدا بللى يئرلەر باغلى اولراق سئچىلىب-توپلانمىش افسانەلر اوزرىندە بىر آراشدىرما» ايلە «سائىم ساكا اوغلونون ۱۰۱ آنادولو افسانەسى» ادلى اثرلرئنه باخماق اولار.

ناغىلىن اوشاق تربىيەسىندە كى يئرى دانىلا بىلمز. آيتماتوف، بىر تربىيە چى اولراق تصوير ائتىدىكى مؤمن بابايا ناغىل آناتدىرماقداندا گئرى دورمور. بابا اوزون قىش گئجەلرئندە نوهسىنە آنلاتدىغى ان گولمەلى ناغىل بارماق اوشاق (جىرتان چىپالاق - جىرتان) ناغىلىدىر.

بىلىندىكى كىمى كولتور، سۆزلو و يازىلى اولماق اوزرە ايكى شكىلدە نىسللرە چاتىر. سۆزلو كولتور يازىلى كولتورە نسبتاً داھا گئنىش قبول اولونموشدور. ھلە بىزىم كىمى آز اوخويان توپلوملاردا كولتورون سۆزلو اولراق چاتدىرىلماسى بىر قات داھا اؤنم داشىير.

يئر-يئر اشاره ائتىدىگىمىز كىمى آيتماتوف، ماناس داستانى باشدا اولماقلا قازاق قىرغىزلارنى سۆزلو كولتورونو چوخ ياخشى بىلن و بو عنصرلرى رومانلارنى اوستالىقلا يئرلشدىرن بىر يازاردىر. «آغ گمى» دە دە بىر چوخ آتالار سۆزو و دئىملرە يئر وئرمىشىدىر:

«نوح نى دن قالما»، «اؤكسوزون طالعى آچىق اولار»، «اؤز عىبىنى اؤرتمك ايستهين، باشقالارىنىن اوزونە قارا چالار»، «پولون حؤكم سوردوگو يئردە، گۆزل سۆزە و گۆزلىگە يئر قالماز»، «ھامىمىز بوينوزلو مارال آنا سويوندانىق، بىرىمىز ھامىمىز، ھامىمىز بىرىمىز اوچون»، «شىطان قامچىسى كىمى قىسىر قادين»، «چاخىر كئف»، «جوجەلر مکتبى» و س.

«آغ گمى» دە خلق حكىملىگى ايلە علاقەدار معلوماتلاردا راست گليرىك: «مؤمن بابا، اوشاغىن دىلىنە و بوغازىنا دقتلە باخدى. اوزون-اوزون نبضىنى دىنلەدى. قاباردان بركىمىش اولان بارماقلارى ايلە اوشاغىن تر اىچىندە، اؤددان يانان بىلگىنى توتوب آتار دامارىنى تاپا بىلمەسى بىر معجزە ايدى دوغروسو. نئجە اولدو ايسە، اوزونو راحتلادان بىر نئجە چىخارمىشىدى.

- آلاھ بؤيوكدور. چوخ اؤنملى دئىيل، سادە جە سويوق الميسان. بوگون ياتاقدان چىخما. آخشام ايستى قويروق ياغى ايلە كؤكسونو و اياقلارنى اوغارام. بىر گۆزل ترلرسن و آلاھىن ياردىمى ايلە صاباح تارپان تاي كىمى آياغا قالخارسان». (آ. گ. ص ۱۳۵)

«آغ گمى» دە تورك قوناق سئورلىگىنىن بىر افادەسى اولراق، گلن قوناقلاردا قوربان كسىلمەسى دە قارشىمىزا چىخىر. مومن بابا، اوت الماغا گلىب دە كولگە ياخالاناراق اورادا قالان عسكەرلەر بئش دنە اولان قويونلارنىدان

بیرینی - قارا قویونو - کسیر. آیتماتوف، قویونون قوربان ائدیلمه سینی بئله آنلادیر: «قارا قویونو بورایا گتیردی، یاتیریب آیقلارینی باغلامادان اؤنجه بیر آز دوشوندو، سونرا دیزلری اوسته اوتوردو:

- فنری بوراخ، سن ده منیم کیمی دیز چؤک! دئدی اوشاغا.

بوندان سونرا بابا، اللرینی گؤیه آچراق آلچاق سسله بیر دوعا اوخوماغا باشلادی:

- ای سؤیوموزون اولو آناسی، بوینوزلو مارال آنا! بو قویونو سنه قوربان ائدیرم. اوشاقلاریمیزی تهلهکه دن قورتاردیغی اوچون، آتالاریمیزی آغ سودونله بسله دیگین اوچون، تمیز اورکلی اولماغین، بیزه آنا گؤزو ایله باخدیغین اوچون. بیزی داغدا-باییردا، جوشغون سئلرده، زویولداق یوللاردا یالیز بوراخما! بیزیم یوردوموزو ترک ائدیپ گئتمه! بیز سنین اوشاقلارینیق. آمین!»

گؤروندوگو کیمی بو رومانی تحلیل ائتمگه چالیشیرکن، داها چوخ آیتماتوفون اثرینده ایشله میش اولدوغو افسانه لری تحلیل ائتمگه چالیشدیق. آیتماتوف، تورکیه تورکجه سینه «گون اوزار یوز ییل اولور» (داها سونرا رفیق اؤزدک طرفیندن «گون اولور عصره بدل» شکلینده چئوریلیمشدر) ادلی رومانی نین باش طرفینده کی «یارادان بیر نچه سؤز» باشلیقلى بؤلومده: «اؤنجه کی اثرلریمده اولدوغو کیمی بو سفر ده، افسانه لره، ناغیلارا دایانیرام. چونکی بونلار بیزدن اؤنجه کی نسیللرین بیزلره میراث بوراخدیقلاری تجربه لردير... افسانه لر اولسون خیال محصولو موضوعلار اولسون، یازیچی لیغیمین اماجی دئیل؛ یالیزجا بیر دوشونجه طرزى، عینی زاماندا گئرچکلى آنلتما و تفسیر یوللاریندان بیریدیر» - دئیر و آغ گمی رومانی نین سونان علاوه ائتدیگی «آغ گمی اوزرینه گرکلی آچیقلامالار» بؤلومونده افسانه موضوعوندا بو دوشونجه لرینی بیلدیریر: «افسانه لر، بیلیندیگی کیمی بیر ملتین ان قیمنلى یادگاری، یاشانتی نین اساسی، فلسفه سی و تاریخیدیر. بوتون بونلار فانتاستیک (تخیلی) بیر ناغیل بیچیمینده افاده اولونور. بونلار، گله جک نسیللره بیر وصیتدیر.» (آ. گ. ص ۱۷۰) گؤروندوگو کیمی آیتماتوف، ناغیللاری، افسانه لری، سؤیلنجه لری بیر دوشونجه طرزى اولاراق ایشلتمیشدیر. بیز ده افسانه قاپیسیندان گیرهرک چینگیز آیتماتوفون بیر آز اولسون مدنی بینؤوره سینی تدقیق ائتمگه چالیشدیق. ■

محمد فضولی و سلطان سلیمان قانونی*

● سراج الدین حاجی**

بؤیوک آذربایجان شاعری محمد فضولی نین حیات و یارادیجیلیغی نین اؤیرتیلمه سی اونو دا گؤستریر کی، شاعر دولت آداملارینا چوخ یاخین اولوب. بو یاخینلیق اونون وطنداشلیق و یور سئوگیسیندن قاینانقلاندیغیندان چوخ طبیعی گؤرونور. شاعر دؤلت آداملاری نین قاییسینی گؤردوگونو شعرلرینده دؤنه-دؤنه یازمیشدیر. بو بیر داها اونو گؤستریر کی، فضولی بیر سیرا عالیملرین یازدیغی کیمی یوخسول اولماییب. فضولی یه گؤره آرتیق یوک حامبالی اینجیتدیگی کیمی آرتیق مال-دؤلت ده انسانا عذاب وئیریر، اونو یولوندان آزديریر.

محمد فضولی ارثی نین آراشدیریجیلاریندان اولان گؤرکملی عالیم حسیبه مازی اوغلو، فضولی نین عثمانلی سلطانلاریندان قایغی گؤرمه دیگینی یازیر و بونو شاعرین شیعه اولماسی ایله باغلاير: «فضولی نین قصیده لر سوندوغو عثمانلی اوردوسونداکی ذواتدان آرتیق بیر ایلگی گؤرمه دیگی شبهه سیزدیر. عثمانلی پادشاهی دا شاعره چوخ التفات ائتمه میشدیر. قانونی اونا آنجاق اوقافدان دوققوز آچچا باغلاتدیراجاق قدر بیر لطف گؤستمیشسه ده، سونوندا او دا بوشا چیخمیشدیر. شاعره قارشى گؤستریلن بو ایلگی سیزلیک شبهه سیز اونون شیعه مذهبندن اولماسینداندیر. داها اول شاه اسماعیل، ابراهیم خان کیمی صفوی بؤیوکلرینه شعرلر یازاراق اؤیمه سی، حتا بلکه ده امام علی تربه سینه وظیفه گؤرموش اولماسی بیلیندیگیندن شاعره اوز وئرمه میشلر» (۱، ص ۶۳). فضولی نین شیعه اولماسی بللی بیر گئرچکلیکدیر. آنجاق، شاعر شیعه مذهبنه باغلی اولان مسلمان کیمی عثمانلیلارا قارشى کین و یادلوق حیستی یاشامامیشدیر. شاعر، سلطان سلیمان قانونی یه بؤیوک سایغی ایله یاناشمیش، اونو دوغما آدمی کیمی اؤیموشدور: «البته کی سلطان سلیمان خان دایما مظفردیر، هر کیم اونون فرمانینا تابع اولماز، نامسلمان دیر. بیر جهانگیردیر کی، گونش کیمی اؤلکه لر

* کئچن میلادی ایلینده باکیدا بین الخلق فضولی قورولتاییندا اوخونان معروضه لردندیر.

** فیلولوژی علملر نامزدی

توتماق ایستهسه، ان آلچاق جلوه گاهی ایرانلا تورانیدیر. بوتوو سۆزلو بیر جؤمرددیر کی، لطف دنیزی دالغالانسا، لپهسی یوخسوللوغون تملینه طوفان اولار... پاک وجودو ایله حق بخششی دیر کی، گؤیدن یئره ائیب، اطاعت اهلینه گؤستریدیگی مدام عدالتله احساندیر... عثمان اوغلو مملکته عدالتلی سلطان اولاندان بری بدبخت حادثه لرین الیندن اؤلکه نین صحتینی تعمیر ائتمگه امکان یوخدور... اسلامین حامیسی اولدوغو اوچون اونون مدحی واجبدیر، اونون مدحیندن اؤزگه سۆز دئییبسه، اوندان پشیمانیدیر» (۲، ص ۳۳-۳۴)

حسیبه مازی اوغنونون «شاعر شیعه لیگینی شعرلرینده حادثه لرله باغلی اولاراق گیزلتمک لزومونو دویموشدور...» فیکری ده دوغرو دئییل. بئله کی، فضولی نین شیعه لیگینی قباریق گؤسترن «حدیقه السعدا» اثری عثمانلی حاکمیتی ایلرینده یازیلیب. بو اثر سلطان سلیمان قانونی نین (۱۵۶۶-۱۴۹۴ م) پاشالاریندان اولان محمد پاشانین «حسن اشارت شریفیله» یازیلیمیشدیر. بو اثرده فضولی اؤز دنیا گؤروشونو آچیقلاپیر. اثرین مضمونو شاعرین روحونا اوغوندور. فضولی دئییلدیگی کیمی شیعه لیگینی گیزلتمیر، اؤزونو حضرت علی اؤلادلاری نین معنوی وارثی ساییر.

آیدیندیر کی، صفوی دۆلتی نین نفوذو آرتدیقجا عثمانلی دۆلتی نین ناراحتلیقلاری دا آرتیردی. عثمانلی دولتی صفویلره رقیب کیمی باخیردی. بو ایکی گوجلو تورک دۆلتی نین نفوذو أوروبا دۆلتلری نین منافی ایله اوست-اوسته دوشموردو. آیری-آیری أوروبا دۆلتلری نین ده قیزیشدیردیغی عثمانلی صفوی قارشى دورماسی سوندا آجی نتیجه لر وئردی. ۱۵۱۴-جو ایل چالديران دؤیوشوندن سونرا صفوی دۆلتی گوجدن دوشدو و اراضی لرینی ایتیرمگه باشلادی. ۱۵۳۴-جو ایله عثمانلی حؤکمداری سلطان سلیمان قانونی بغدادی آلدی. قدرتلی دۆلت باشچیسى، چوخ گوجلو و باجاریقلى سرکرده، ائله جه ده شاعر اولان سلطان سلیمان قانونی علمین و ادبیاتین انکشافینا قایغی ایله یاناشیردی. سلطان سلیمان قانونی محمد فضولی نی بیر شاعر کیمی بغدادی آلمازدان قاباق تانییردی. سون آراشیدیرمالاردان بللی اولور کی، قانونی بغدادی آلدیقدا فضولی ایله گؤروشوب.

عؤمرو حاکمیت دیشمه لری، چوخ ساییلى محاربه لر، قارداش قیرغینی، سارای چکیشمه لری ایله زنگین اولان بیر دۆرده کئچن فضولی نین یارادیجیلیغیندا دا بو حادثه لر اؤز عکسینی تاپیب. (عراق بؤلگه سینده توققوشان عثمانلی و صفوی دۆلتی نین آراسیندا باش وئرن ووروشمالار فضولی کیمی بؤیوک صنعتکاری دریندن دوشوندوروردو.)

محمد فضولی نین سلطان سلیمان قانونی ایله باغلی لیکلارینی دریندن اؤیرنمک اوچون بؤیوک فاتحین کیملیگی ایله باغلی بیر نئچه جیزگی یه دقت یئتیرک. بللیدیر کی، سلطان سلیمان قانونی نین حاکمیتی ایلرینده (۱۵۶۶-۱۵۲۰) عثمانلی دۆلتی نین سیاسی نفوذو آرتدی، اراضیسی نین آسیا، آفریقا و اروپاداکی عمومی ساحه سی نین اؤلچوسو ۱۴/۸۹۳/۰۰۰ مربع کیلومتره چاتدی. بو دۆرده علم و ادبیاتین، جوغرافیا و حرب ساحه سی نین، دنیزچی لیگین انکشافی گوجلندی. باذی، فضولی، ذاتی، غزالی، ضیالی، یحیی بیگ، جلالی، فکری، روانی، لامی کیمی بؤیوک شاعرلر یئتیشدی. اونا گؤره کی، «عثمانلیلارین حاکمیتی آلتیندا حضور ایچینده یاشارکن حؤکمدارلار دۆلت ایشلری نین خارجینده گؤزل صنعتلره ده اوغراشمیشلار.

عثمانلی خاندانی منسوبلاریندان ۲۰-دن چوخو دیوان تشکیل ائده جک قدر شعر یازمیشدیر. بیر او قدری ده تقدیر ائدیله جک اؤلچوده خطاطدیر. سککیزدن چوخ پادشاه ایسه موسیقی عالیمی و بسته کاردیر. آیریجا پک چوخو رسم و چئشیدلی صنعتلرده اوستاد درجه سینه یوکسلمیشدیر... یاووز سلیمین فارسجا دیوانی وار. قانونی سلطان سلیمان دیوانینداکی اوچ مینه قدر غزلی ایله عثمانلی خاندانی ایچریسینده ان چوخ شعر یازان پادشاهدیر» (۳، ص ۷۲-۷۳). اونا دا دئیک کی، قانونی نین غزلدن عبارت اولان کلیاتینی ایلك دفعه داراچلی احمد قووزی افندی توپلاییب ترتیب ائتمیشدیر.

تورکیه و آذربایجان فضولی شناسلیغیندا شاعرین سلطان سلیمان قانونی ایله گوروشمه سی ایله باغلی مباحثه لر اولموشدور. محمد فضولی «... دؤلت نشانی عثمان سلاله سیدیر، آدی قوشون یاران سلطان سلیمان دیر. اگر یئرده فیضی تورپاغا دوشسه، تورپاق پاک روحلارا طعنه ووار، اگر گؤیدن نظری همایا دوشسه، همای گونشه کؤلگه سالار. اگر مغرور سونگوسونو شرقه وورسا، گونش کیمی آتش گویه چیخار. اگر ایتی قیلینجینی غربه چالسا، شفق کیمی قان فلکه قالخار. بو گنجه گؤیلره بیر نظر سالدیم، لوحه و آیا تاماشا ائله دیم، گوردوم کی، گونشین قلمی لوحه ده بو سؤزلری یازیب گیزلیدی: «یارب، همیشه مظفر اولسون، عدالت بناسی ذاتی ایله قایم اولسون! تخت و تاج اونا لایق دیر. عدالتی عالمیره کؤلگه سالاندیر» (۲، ص ۳۲) - دئین فضولی سلطان سلیمان قانونی ایله گوروشموشدورمو؟ فضولی شناس عالیم و فیض الله یئو یازیر: «سلطان سلیمان قانونی بغدادی فتح ائتدیکن سونرا شاعرین اونونلا شخصاً گوروشمه سی حاقیندا قصده لریندن دقیق معلومات آماق چتیندیر. فضولی نین سلطانا حصر ائدیلمیش بغداد قصیده سینده کی مصراعلاردان بللی اولور کی، شاعر بیر نئچه مدحیه حاضرلامیش، بونلاری پادشاهین درگاهینا تقدیم ائتمک اوچون فرصت تاپمیشدیر... فضولی نین یئنه سلطان سلیمان حصر ائتدیگی بیر ترکیب بندینه استناداً احتمال ائتمک اولار کی، بغداد فتح ائدیلدیکن بیر مدت سونرا شاعر بغداد بیگلربیگی ویس بیگ واسطه سیله سلطانلا گوروشمگه موفق اولموشدور.» (۴، ص ۹۳-۹۲)

گورکملی فضولی شناس عبدالقادر قاراخان یازیر: «شاعر، صدراعظمه، دؤلت رجالینا، امرایا قصیده لر وئرمکده دیر. بونلاردان پادشاه مدحینده اولانلاری بالذات وئرمه سه بئله ارکان و امرا واسطه سیله تقدیمه امکان تاپمیشدیر. و یئنه اونلار واسطه سیله اوزونه وعدلرده بولونموش» (۵، ص ۲۴۹).

تاریخچی عالیم ی. اوزتونا یازیر: «بو شهرده (بغداددا - س.ح.) یاشایان چوخ بویوک تورک شاعری فضولی بغدادی: «گلدی برج اولیایا پادشاه نامدار» مصراعلی یئتمیش بیتلیک مشهور قصیده سینی سوناراق سلطان سلیمانی قارشیلادی.» (۶، ص ۱۱۴)

تذکره چیلرین و چاغداش تورک فضولی شناسلاری نین بیر سیراسی بئله حساب ائدیر کی، قانونی بغدادی آدیقدان سونرا عراقدا اولان مقدس یئرلر زیارت ائتمیش و بو زامان امام حسین زیارتگاهیندا چیراقچی ایشله یین فضولی ایله ده گوروشموشدور. «خاقان ۲۳-۱۸ مارتدا کربلا و نجفی زیارت ائتدی. حضرت حسین ایله آتاسی حضرت علی نین تره لرینده صدقه پایلادی...» (۶، ص ۱۱۵). سلطان سلیمان قانونی نین عراقی آدیقدان سونرا اوراداکی مقدس یئرلری زیارت ائتمه سی و اوچولوب داغیلیمیش آبیده لری برپا

ائتدیرمه سینی تورکمن عالیمی شاکر صابر ضابط ده تاریخی قاینقلارا سۆیگنه رک یازیب: «سلطان سلیمان قانونی او دۆرده عراق اوچون بۆیوک اهمیتی اولان اصلاحاتلار کئچیردی. بیرینجیسی، امام الاعظمین قبری ایله بیرلیکده مسجدی نین گونبدینی ده تعمیر ائتدیردی. ایکینجیسی، سلطان، اماملاردان - موسی کاظم (ع) و محمد جواد (ع) - ین قبرلرینی زیارت ائدیپ شاه اسماعیلین واختیندا تیکینتی سینه باشلانمیش حضرت عمارتی نین تیکینتی سی نین باشا چاتدیریلماسینی امر ائتمیشدیر. اونون گۆستریشی ایله اماملارین تره لری نین یانیندان مسجد انشا ائیلدی. خدمتچیلر تعیین ائدیله رک خزینه دن اونلارا معاش آیریلدی. اوچونجوسو، سلطان شیخ عبدالقادر الگیلانی نین قبری نین داغیلق اوزره اولدوغونو گۆروب امر ائتدی کی، اوزرینده هوندور گونبد تیکیلین. دۆردونجوسو، سلطان، شاه اسماعیل و شاه طهماسبین باجاردیغی بیر ایش گۆره رک حسینیه چایینی جیلوولاییب سوسوزلوقدان هلاک اولماق درجه سینه چاتان کربلایا سو چکدی و بو شهره حیات گتیردی...» (۷، ص ۱۲۹).

بو دئییلنلر بیر داها اونو گۆستریر کی، محمد فضولی نین سلطان سلیمان قانونی ایله گۆروشمه سی تاریخی گئرچکلیکدیر. اونو دا دئیک کی، سلطان سلیمان عراقی فتح ائتمه میشدن قاباق محمد فضولینی بیر شاعر کیمی تانیماسی دا آیدیندیر. بللیدیر کی، سلطان سلیمان قانونی دا اینجه روحلو، گۆزل شعرلر یازیردی. قانونی شعرلرینده «مجتبی» تلخونو ایشلیدی. عبدالباقی گۆلپینارلی حؤکمدارلا شاعرین شعرلشمه سینه آشاغیداکی بیتلری نمونه گتیریر:

فضولی:

نچه ایللردیر سر کوی ملامت بکله ریز (گۆزله ریک)،
لشکر سلطان عرفانیز ولایت بکله ریز.

قانونی:

خسته ییز ایلر کی، کویینده محبت بکله ریز،
ای طبیب دل لبیندن یعنی صحت بکله ریز. (۸، اؤن سۆز)

سلطان سلطان قانونی بغداددا دۆرد آی قالدیقان سونرا ایستانبول قایدیر. شاعر سلطانا تقاعدله باغلی مراجعت ائدیر و اونا آیدا دوققوز آخچا دونلوق تعیین اولونور. آنجاق، شاعر برات گلدیکدن سونرا اونا تعیین اولونموش تقاعدو اوقاف اداره سیندن آلا بیلیمیر. بو برات شاعره بغداد والیسی ویس پاشا زامانیندا گۆندریلمیشدی.

محمد فضولی «شکایت نامه» ادلی مکتوبونو دا سلطان سلیمان قانونی نین بغداد سفری زامانی یولدا اولن سید بیگین یئرینه نشانچیلیغیا تعیین ائدیلمیش و اون اوچ ایل بو وظیفه ده ایشله یین جلال زاده مصطفی چلبی یه یازیب. بورادا بیر مسأله نی دئیک کی، «شکایت نامه» نین کیمه یازیلماسی ایله باغلی اوزون ایلر بویو تورک فضولی شناسلاری آراسیندا بیر فیکیر اولماییب. ایلک دفعه ابوضیا توفیق «نمونه ادبیات» دا یانلیش

اولراق «شکایت‌نامه» نین نشانچی محمد پاشایا یازیلدیغینی سؤیله‌میش، سونرا ایسه بو یانلیشلیق آیری- آیری قاینقلارا دا یول تاپمیشدیر.

محمد فضولی سلطان سلیمان قانونی‌یه چوخ سیخ باغلی اولان نشانچی جلال‌زاده مصطفی چلبی ایله دوستلوغو تصادفی دئییلدی. (نشانچی جلال‌زاده مصطفی قدرتلی دولت‌آدامی، شاعر، حقوق‌شناس، ترجمه‌چی ایدی.) محمد فضولی «قلم» ردیفلی قصیده‌سینی مصطفی چلبی‌یه یازیب:

... گول حدیقه اقبال مصطفی چلبی،

کیم اولدو دولت غربیله غمخوار قلم،

الینه آماز ایمیش مصطفی قلم، وئرلر

بو ذلت بسی اولموش ایدی خوار قلم.

سنه یئتیردی اوزون نسبت ایله قاپماق اوچون،

زمانه‌ده سنین آدینلا اعتبار قلم.

کلیم طور وفاسان کی، اهل خیر و شره،

الینده گاه عصا اولدو، گاه مار قلم...» (۹، ص ۱۴۲-۱۴۱)

قصیده‌نین مضمونوندا آنلاشیلدیغی کیمی، محمد فضولی مصطفی چلبی ایله چوخ یاخین دوست اولموشدور. شاعر اونا اورک سؤزلرینی دئمکدن چکینمه‌میش، اونو زامانی‌نین گوجلو شخصیتی کیمی اؤیموشدور. محمد فضولی‌نین جلال‌زاده مصطفی چلبی ایله دوستلوغونون سببلریندن بیری ده اونلارین بیر انسان اولراق یاخین اولمالاریدیر. جلال‌زاده مصطفی چلبی شاعر طبیعتلی انسان ایدی و «نشانی» تخلو ایله شعرلر یازیردی:

مدد، یاریم منیم اغیار بسلر،

فغان، اول گول الینده خار بسلر.

اسیرگه بو دل زاری قاپوندا،

کی، صاحب خیر اولان بیمار بسلر.

نشانی، اشک خونون همدیم‌دیر،

کیشی غربتده بیر غمخوار بسلر. (۱۰، ص ۴۴۱).

سؤزسوز کی، محمد فضولی، نشانچی جلال‌زاده مصطفی چلبی‌نین شعر یازدیغینی بیلیردی. سلطان سلیمان قانونی‌نین یاخین آداملاریندان اولان مصطفی چلبی تاریخی قاینقلاردا مرد و شخصیتلی انسان اولراق گؤستریلیر.

محمد فضولی‌نین ۵ مکتوبوندا بیری سلطان سلیمان قانونی‌نین اوغلو بایزید چلبی‌یه یازیلیب. فضولی‌نین بایزید چلبی‌یه یازدیغی جواب مکتوبوندا اونون سلطان سلیمان قانونی ایله باغلی لیقلاری‌نین بیر سیرا چیزگیلرینی گؤرمک اولار. بو مکبوب محمد فضولی‌نین حیاتی و یارادیجیلیغی‌نین بیر سیرا صحیفه‌لری‌نین

اؤیرتیلمه سینه یول آچیر. مکتوبدا فضولی نین عراق عربین چتین لیکرله دولو اولان جان سیخیجی محیطیندن قورتولماق جهدی آشکارجا سئزلییر. بو جواب مکتوبوندا آیدین گؤرونور کی، فضولی ایله بایزید چلبی آراسیندا یازیشما چوخ سایی اولموش و اوزون زامان داوام ائتمیشدیر. فضولی شناس عالیم ع. قاراخانین یازدیغی کیمی بو مکتوبدا آیدین گؤرونور کی، فضولی «ظن ائدیلدیگی شکیلده فقیر-فقرادان اولماییب.» شاعرین بایزید چلبی یه یازدیغی جواب مکتوبو بو فیکرلرین دوغرو اولدوغونو گؤستریر. محمد فضولی نین بیر دوست، بیر سیرداش کیمی اوز توتدوغو بایزید چلبی ایله تانیشلیق تاریخی نین اؤیرتیلمه سی اؤنملیدیر. دئییلدیگی کیمی بایزید چلبی سلطان سلیمان قانونی نین اوغلودور. دوغوم تاریخی ایله باغلی منبعلرده چئشیدلی رقم لر گؤسترلییر (۱۵۲۴ و ۱۵۲۱). او، ۱۵۵۷-جی ایلده آماسیایا والی تعیین ائدیلب. سلطان سلیمان قانونی بغدادی آلا رکن بایزیدین ان چوخو اون یاشی اولوب کی، محمد فضولی نین اونونلا گؤروشه بیلمه سینی دوشونمک دوغرو اولمازدی. ۱۵۴۸-جی ایلده قانونی حلبده اولارکن اوغونو یانینا چاغیریب. منبعلرین وئردیگی بیلگی یه گؤره بایزید چلبی گؤزل اخلاقلی، یاخشیلیغی سنور، «مرد، قورخماز، عزم کار قهرمان ایدی. چهره سی باخیمیندان آتاسی قانونی یه بنزه بیردی.» بایزید چلبی نین سلطان اورخان، سلطان محمود، سلطان عبدالله آدلی اوچ اوغلو، مهربان سلطان، خدیجه سلطان، عایشه سلطان و خانزاده سلطان آدلی دؤرد قیز اولادی اولوب. بایزید چلبی نین ۱۵۶۱-جی ایلده فاجعه لی اولدورولمه سی شاعرلری سارسیتمیش و بونونلا باغلی آغیار یازیلیمیشدیر. ۱۶-جی یوز ایللیگین شاعری قول پیری نین یازدیغی آغی شاهزاده یه ائل محبتینی آیدین گؤستریر:

فرقتی جمله عالمده،

دولو دلی بیازیدین (بایزیدین).

گول کیمی گولر جمالی

سولدو دلی بیازیدین.

کافرلرین بددور ایشی،

جزادیر مؤمنه ایشی،

دورنا تئلری ایله باشی،

گلدی دلی بیازیدین.

قول پیری سؤیله دی سؤزین،

حقه توتوبدور یوزون

ملکر شهید نامازین

قیلدی دلی بیازیدین (۱۱، ص ۸۰-۷۹)

بایزید چلبی عالیم ایدی. او، «شاهی» تخلصو ایله تورکجه و فارسجا شعرلر یازیب: «قالمادی ذره قدر دلده بو دنیا هوسی» - دئین بایزیدین ایران شاهی طهماسبه سیغیندیقدان سونرا آتاسی ایله شعرله مکتوبلاشماسی

دا ماراقلی و نیسگیللی دیر. بو شعرلرده قارداشی نین افتراسی نین اوستونو اچماقلا یاناشی گؤزل شاعر اولدوغونو گؤستریر. آتا دا اوغلونا شعرله جواب وئریر:
بایزید:

ای سراسر عالمه سلطان، سلیمانیم آتا،
تنده جانیم، جانیمین ایچینده جانانیم آتا،
بایزیدینه قییارسانمی منیم جانیم آتا؟
بی گوناھام حق بیلر، دؤلتلی سلطانیم آتا...
توتالیم ایکی الم باشدان-باشا قاندا اول،
بو مثالدير سؤیلنیر کیم، قول گوناھ ائتسه، نولا؟
بایزیدین سوچونو باغیشلا، قییما بو قولا،
بی گوناھام حق بیلر، دؤلتلی سلطانیم آتا...

قانونی:

ای دمادم مظهری طغیان و عصیانیم اوغول،
تاخمایان بوینونا هرگز ترک فرمانیم اوغول،
من قییار می ایدیم سنه ای بایزید خانیم اوغول؟
بی گوناھام دنمه، باری توبه قیل، جانیم اوغول!...
توتالیم ایکی الیم باشدان-باشا قاندا اول،
چونکی استغفار ائدرسن، بیزده عفو ائتمک نولا؟
بایزیدین سوچونو باغیشلارام گل سین یولا،
بی گوناھام دنمه، باری توبه قیل جانیم اوغول!... (۱۲، ص ۱۷۶-۱۷۵)

بو دئییلنلر اونو گؤستریر کی، محمد فضولی ایله بایزید چلبی نین تانیشلیغی ۱۵۳۹-جو ایلله ۱۵۵۳-جو ایللرین آراسیندا اول بیلر. بونونلا باغلی فضولی شناس ح. مازی اوغلونون دئدیکلرینی دوغرو ساییریق.
محمد فضولی نین بایزید چلبی یه یازدیغی جواب مکتوبوندا آیدین گؤرونور کی، شاعر دؤلت آداملارینا چوخ یاخین اولوب. شاعر بو مکتوبوندا بیر سیرا آراشدیریجیلارین ایرلی سوردوگو کیمی روما گئتمک ایستگیندن دانیشمیر. بو، مکتوبدان آیدین گؤرونور: «دایما دولت گنجه سی نین شمعیندن حضور حجره سینی آیدینلیق گؤرن وحشت ایچینده قارانلیقدا اوتورانین حالینی نه بیلیر و دایما سعادت بولودوندان سئوینج گولشنینی بولان محنت صحراسینی نین سام یئلری نین دهشتینی نجه تصور ائدر؟ هر نه قدر زامان-زامان دوستلارین ایریلیغی نین شدتی نین استیلاسی و اونلارین حسرتی نین آرتماسی وطندن ایریلماغی و اورادا قالمماغی گر کدیره رک بو محنت زندانیندان و کدر زنجیریندن قورتولماق آرزو اولونورسا دا، قضا و قدر خضری بلا گیردابیندان امل قاییغینی ساخلاییب گؤزلتمه سینده حکمت بولونان سیرلرین افشاسی ایله اضطرابینی

سۆندورور. اونون بو ایشینه قارشى گلمک ترک ادبدير. هر نه قدر زمان-زمان ستم طغيانى و الم بحرانى بولوندوغوموز يئرى ترک ائتمگى و آليشديغيميز وطنى ذيشديرمگه گۆره اولوب بو قدرت خانادان چکيليب گئتمک بورادا قالماق فيکرينه غالب گلير و ويرانه دن کۆچمک نيتى مناسب گۆرونورسه ده يئنه قضا بو عزا و جفا زندانيندا قالماق باغلاريني قوتلنديريير...» (۱۳، ص ۱۴۶)

بو دئييلنلردن ده آيدين گۆرونور کى، شاعرين روما (ايستانبول) گئده بيلمه مه سى نين سببيني يوخسوللوقلا باغلاماق دوغرو دئييل. مکتوبدان آيدين گۆرونور کى، فضولى دوغما يوردوندان آيريلماق ايسته يير. بونا اساس اودور کى، مکتوبدا سفر ائتمکدن صحبت گئتمير، وطنى ترک ائتمکدن دانيشيلير. اولسون کى، شاهزاده شاعره روما کۆچمگى تکليف ائديب. شاعر ايسه بو تکليفى چوخ اينجه يوللا وطنيني «بو عزا و جفا زندانى» آدلانديرديقدان بئله چکينمه يه رک قبول ائتمه ميشدير.

بير مسأله ده دقتى چکير کى، محمد فضولى تورکجه يازديغى گؤزل اثرلريندن بير اولان «ليلى و مجنون» مثنويسيني ده سلطان سليمان قانونى نين چوخ ياخين آداملارينا تقديم ائديب.

محمد فضولى نين سلطان سليمان قانونى ايله باغلى ليقلارى نين اؤيرنيلمه سى شاعرين کيمليگيني، دنيا گۆروشونو آراشديرماق باخيميندان دا اؤنمليدير. بو مسأله لرین دريندن اؤيرنيلمه سى اوچون محمد فضولى نين باغلى اولدوغو دولت آداملارى، تاريخى، دينى، ادبى، علمى و حربى شخصيتلر آيريليقدا و شاعرله باغلى ليغى باخيميندان اؤيرنيلمه ليدير.

قايناقلار:

- ۱- مازى اوغلو، فضولى-حافظ، آنکارا، ۱۹۸۶
- ۲- محمد فضولى، لیلی و مجنون، باکی، ۱۹۹۱
- ۳- قيرخ قيلينج، عثمانلى پادشاهلاريندا شعر و سلطان اوچونجو مراد، آتاتورک اونيوئرسيتيه سى تورک دىلى و ادبياتى درگيسي، ۱۹۸۶، سايى ۱
- ۴- فيض الله يئو، فضولى نين قصيده لرى، باکی، ۱۹۸۵
- ۵- قاراخان، فضولى، محيطى، حياتى و شخصيتى، آنکارا، ۱۹۸۹
- ۶- اؤز تونا، قانونى سلطان سليمان، آنکارا، ۱۹۸۹
- ۷- شاکر صابر ضابط، عراق تورکمانلارى نين قيسا تاريخى، خزر درگيسي، سايى ۲-۳، باکی، ۱۹۸۱
- ۸- گۆلپينارلى، فضولى ديوانى، ايستانبول، ۱۹۸۵
- ۹- محمد فضولى، سنجيلميش اثرلرى، باکی، ۱۹۸۴
- ۱۰- ح. اوزون چاريشلى، ۱۶- جى عصرين اورتالاريندا ياشاميش اولان بؤيوک شخصيت: جلالزاده مصطفى و صالح چلبى لر، تورک تاريخ قورومو بولتنى، جلد ۲۲، سايى ۸۷، آنکارا، ۱۹۵۸
- ۱۱- مى کولتور درگيسي، سايى ۱۴۶، آنکارا، ۱۹۷۴
- ۱۲- شاپوليو، عثمانلى سلطانلارى نين تاريخى، ايستانبول، ۱۹۶۱
- ۱۳- مازى اوغلو، فضولى نين بير مکتوبو، آنکارا اونيوئرسيتيه سى دىل و تاريخ جوغرافيا فاکولته سى درگيسي، ج ۶، سايى ۳

بیر آغاچا چیخیب، مین بیر بوداق سیندیرماق!

● کند اوشاغی

وارلیق عمی اوغلو!

سلاملار، سایغیلار!

بیلدیگیز کیمی للهش ایله آدی گۆزل، بیرده گول میرزه بیگ بیر زامان رحمتلیک «یول» دا شیلتاقلیق ائدیردیک. سونرا - آلاسه سیزین ده جمیع دونیادان گئدنلریزی باغیشلا سین - یول عؤمرونو سیزه وئردی، بیزده قلم-داواتی بیغیشدیردیک، گنتدیک ناخیر اوتارماغیمیزین دالینا. یولون دا رحمته گئتمه سی باره ده چوخ دوشونمه دیک. بیر دئدی نظر دگدی، بیر دئدی قیفیل سانجی توتدو، بیر دئدی قارغیشا قالدی. بیر دئدی زفز توخوندو، بیر دئدی آریق ایدی، بیر دئدی اهناز ایدی ...

آما منجه بونلارین هامیسی هاوادیر. اونا سویوق دگدی. گۆز دگمه، قارغیش، فیلان نه دیر؟ بیزیم نه ییمیز وار کی گۆز دگه؟ بیرینین ده قاتیرینی اورکوتمه میشیک کی قارغیشا قالاق. اولسا-اولسا سویوق دگمه دن ایمیش. ضایف (ضعیف) آدم، بیر گئجه اوستو آچیق یاتدی، چرله دی. باخ، پاخیللیق ائله میرم، آلاسه ساخلا سین، بیزیم کووخوا (کدخدا) نین یئددی اوغلو وار، بیرینین بونو دا قاناماز. دگیرمانین بوغازینا اولو شئه گلنده سانجیلانیر. بعلی، گولوم بونو سنه ده تاپشیریرام: اگنیوی قالین ائله، یوخسا سنه ده سویوق دگرا بعلی، هارادا قالمیشدیک؟ یانشادیک مطلب الدن چیخدی. هه... دئییردیم کی «یول» آلاهیین رحمتینه گئتدی. بیز ده گئتدیک کنده. قلم-دفتری ده بوکدوک قویدوق قیراغا، آنجاق کئچن هفته گول میرزه نین توپو ادی، گلمیشدیک شهره بازارلیغا. خیواندا گۆزوموز کیتابا-زادا دوشدو، بازارلیغی یاددان چیخارتدیک بیر ایکی مجله آلدیق اوخودوق گئنه عجمه غیرت ال وئردی، دئدیم بئش-اون کلمه یازاق قوللوغوزا گۆندرک.

چوخ زاد ذهنیمیزده وار ایدی. گۆردوک گئنه هارادان یازساق بیرینه توخوناجاقدیر. خلق دا هامی دگمه-دوشرا هئچ کیمه «یئرین اگریدیر، دوز اوتور» دئمک اولمور! نییه آغریماز باشیمیزا دسمال باغلا یاق؟ چوخ گۆتور-قوی ائندن سونرا سیزدن همیلینی تاپمادیق! دئدیک: گل ائله بونلارین اؤزوندن باشلا یاق! البته

اورگیزه آلمایین! چونکی: عیبی کیم چیخادار؟ عیبه جرا! آما نئيله مک کی، بیزیم بو آدی گؤزل ایله گول میرزه
اؤز گؤزلرینده تیری گۆرمه ییر، اؤزگه گؤزونده چؤبو گؤرورلر!

نه ایسه، وارلیغین سون سایسیسی آچدیق. آدی گؤزل دئدی: باشدان باشلا یاق! من ده «هن» دئدیم، آما
اولمادی. چون باش یاری: دوخ دور جاواد به یین «یئنی دیلچیلیک» مقاله سی ایدی. اوچ یول اوخویاندان
سونرا «معلوم اولدو کی هئچ نه معلوم دئیلمیش!» تکجه بو قدر باشا دوشدوک کی، بیز هله گرک بیر-ایکی
ایل اسکی (مقاله ده: عنعنه وی) گرامر (قیرامر) اوسته ایشله یک، سونرا بو یئنی دیلچیلیک زمیسی نین
قیراغیندان کئچک.

معرضه اولراق عرض ائله ییم کی، عنعنه وی سؤزونون معناسینی بیلمه دیگیمیز اوچون گول میرزه دئدی:
دوخ دور «داشقین» بیگین یازدیغی سؤزلوگه باش ووراق. آما آدی گؤزل قبول ائتمه دی کی جانیم، بو
کلمه نین او سؤزلوگه نه دخلی وار؟ داشقین بیگ کیتابلارینی قیرخینجی عصرده گله جک تورکلرین دیلی
اساسیندا یازمیش... واز کئچدیک. آما الیمیز دوعادا قالدی کی انشاء الله بو سؤز عربجه دن گلمیش اولسون،
فارسجا اولماسین! یوخسا بیزیمکی قالیر آلاها!

ایکینجی مقاله نین آدی بیزی خئیلک سئویندیردی. معلوم اولدو کی، دؤرد یوز ایل بوندان قاباق ایتن
مسیحی آدی شاعیریمیز تاپیلیمشیدیر. حمد اولسون! بو، خصوصیه او جهتدن سئویندیرجی ایدی کی، منله
آدی گؤزله ده بیر اومود وئردی. بیزده اگر بو گون آذربایجان یازارلاری نین چوخو کیمی ایتگینیک، انشاء الله
بئش آلتی یوز ایل سونرا بیر «پروفیسور» امگی ایله تاپیلیب گون ایشیغینا چیخا جاق! ایندی آدی گؤزل
هئی دئسین کی هدر چالیشیریق!

آما مقاله نی اوخویاندا بعضی یئرلرده یأسه اوغرادیق. مثلاً «شاعیرین لیریک عاشقی تصوف شعریعاشیقی
کیمی سئوگیلی نین اؤزوندن داها چوخ اونون عشقیندن خوشلانیب حظ آلان ایلاهی بیر محبتدن تسکینلیک
تاپان عاشیق دئییل...» (ص ۱۷) جمله سیندن هئچ نه آنلایا بیلمه دیک. تکجه بو اومود ایله کی انشاء الله
دؤرد یوز ایل سونرا باشقا بیر پروفیسور اونون معناسینی آچا، واراغی چئویردیک.

اوچونجو مقاله ده دوخ دور فرزانه بیگ آذری تورکجه سی نین [دئیک بوتون تورک دیلی نین] قیسا صائتلی
[چکیمسز سسلی] اولدوغونو یازمیشدی لار و ... بو کی، فرزانه جنابلاری بونو اوتوز ایل بوندان قاباق
یازدیقلارینا باخمادان سون قیرامر کیتابلاریندا بو مطلب گؤزدن قاچمیش، او جمله دن «ترکی هنر است»
کیتابیندا...

اوستادین بو دلیل اوزره حساسلیغینا «احسن» دئدیک. گول میرزه آرتیردی کی، البته «ترکی هنر است» ده
چوخ آت گئتمز سهولر واردیر. کاش اوستاد اونلارا اشاره بویورایدی. آما اوستادین بارماق قویدوغو نکته همن
کیتابدا یازیلیمیش و کیتابین ۲۱-جی صفحه سینین شاهد گؤستردی.

دؤردونجو مقاله (باغیشلا یین راپور! خان ننه مین صاندیغی کیمی مجله ده هئچ نه یین معلوم اولمادیغی اوچون
بو راپور مقاله لرین ایچینه دوشموش) جاویدین مقبره سی نین (آدی گؤزل «مغوره» اوخویور) آچیلیشی

بارەدە ایدی. گئنه سئویندیک شوکور اولسون، جاوید رحمتلیک هئج اولماسا اؤلندن سونرا یورد-یووا ییهسی اولدو!

۵-جی مقاله هادی بیگین «مین ایلدن بری تورک سۆزلری» ایدی کی بو ساییدا بیتیمیشدی. گئنه شوکور اولسون! یوخسا بو آدامین انگی قیزیشسا بو تئزلیکده بوراخمازا!

میر هدایت حصاری بیگ گئنه توزلو کیتابلاردان بیرینین توزونو سیلمیشدی. بیزیم گول میرزه ده بگندی. أما سهولری وار ایدی: دوه قویی (یاووغو) یئیر... (ص ۵۳)، سویوق (سیویق): شل (ص ۵۵)، سوروشگن (سوروشگینن): بیلز (ص ۵۵)، یوواق (یاناق / یاییق): لپ (ص ۵۵) آج آدام گندینی (کندینی = اؤزونو) .. (ص ۸۶) و...

و... بورادا یئددی کردینی بیردن اتلایب گلیریک دوخدور «سجادیه» عالیجنابین فارسجا مقاله سینه. من فارسجانی یاخشی بیلمه دیگیم اوچون اونا گۆز آتماغی آدی گۆزله بوراخیرام. آدی گۆزل مقاله نی اوخویاندان سونرا دئییر: آنجاق من بیلمه دیم دوخدور بیگ بورادا علمی-تحقیقی مقاله یازماق ایسته میش و یا بیر سیاسی اعلامیه وئرمک؟ دئییرم: «اولسون، سن اونو بوراخ، دوخدور بیگ بیزیم کیمی همیشه یئددی دره نین سویونو بیر-بیرینه قاتار». آدی گۆزل دئییر: «به مظلومیت شهادت آفرین مرده قره باغ درود می فرستم» یعنی نه؟ مظلوملوق نه شهادت آفرین دیر نه سلاملامالی بیر زادا! گئنه اونو هایخیرارام: عیبی یوخدور بلکه دوخدور بیگ «شهادت مظلومانه مردم قره باغ...» دئمک ایسته ییرمیش. هر حالا بیز دوخدورون بو قارداشلیق دوغولاری اوچون الیندن اؤپوروک. اونون قاداسی بعضیلرین گۆزونه!

بورادا گول میرزه نین دردی دئشیلیر کی، نه بیلیم، دوخدور فیلان مجله ده (گزارش، شماره سریال ۷۱) اؤزونون کۆکونو تورکمن تانیتمیش، بیزه ده آتا-بابامیزین کیم اولدوغونو یازمیش، یولون دا باغلانما سببینی «ایچ اختلافلار» دئمیش و ...

أما من بونلارا اینانمیرام، اولدو دوخدور قراندان کؤینک گئییب اجدادینی تورکمن دئسه ده کیمسه اینانماز، چونکی دوخدور سید-اؤلاد پیغمبر اولالی اجدادی تورکمن اولدو بیلیمز، عرب ایمیشلر. دوخدورون تورکجه ایله ده تانیشلیغی بیزیم فارسجا ایله تانیشلیغیمیز کیمیدیر. قالدی آتا-بابامیز حاقیندا، بیز کی، دوخدور کیمی سید دئییلیک شجره نامه میز اولسون، ایکینجی بابامیزدان او یانا بیلیمیریک، بونلار دا هامیسی اؤزوموز کیمی چوبان-ناخیرچی اولوب تورک ایمیشلر ده. هله آتا-بابامیز شیرازلی حافظ - سعدی ایمیش یا یوخ؟ او یاندا دورسون، بیز ایندیکی دیری دده میز ایله ده سویوموز بیر آرخا گئتمیر. او دئمه چکیر بیر سولویا. بلکه ده ناخلف اوغوللاریمیشیق. آلاهی هدایت ائله یین! أما یولون باغلانماسی باره ده ... (گول میرزه سؤزومو کسب دئییر: گوردان گلن بیزیک جهنمدن دوخدور خبر وئیر!)... اوغلان، اوتان! سؤزومو کسمه! گئنه آز قالا آغزیم آچیلیمیشدیر ها! شیطانا لعنت! ■

فضولی اوغلو فضلی دن بیر پارچا شعر

● میر هدایت حصاری

محمد علی تربیت «دانشمندان آذربایجان» ادلی اثرینده (ص ۲۹۹) فضولی اوغلو فضلی ادلی بیر شاعر دن سؤز آچاراق، اوندان بیر دؤردلوک نقل ائتمیشدیر. بو شعرده فضلی، هجری ۹۸۸-جی ایلده عیسوی لر قارا بؤرک و یهودی لر قیزیل (قیرمیزی) بؤرک باشلارینا قویدوقلاری مناسبت، قیزیل باشلاری یهودی لره بنزدهرک، انتقاد ائتمیشدیر:

دوققوز یوز سکسن سککیزده ایام بو سرتی ائیلهدی فاش
گئیدی باشینا قیزیل یهودی یعنی کی یهوددور قیزیل باش

سونرا دا «شانی تکلو» نون، بیر آیری دؤردلوکده، اونا وئردیگی هزل جوابینی نقل ائتمیشدیر. شانی تکلو شاه عباسین خدمتینده اولوب و هزل شعرلری ایله مشهور اولان بیر شاعر دیر. بیر یول شاه عباسین مدحینده دندیگی بیر قصیده، خصوصی ایله آشاغیداکی دوبیتی شاها چوخ خوش گلدیگینه گؤره، شاهین امری ایل ترزی نین بیر تایننا قویولاراق آغیرلیغینجا قیزیل صله آلمیشدیر.

اگر دشمن کشد ساغر و گر دوست به طاق ابروی مردانه اوست
تکلو (تکه لی) طایفاسی شاملو ائلیندن اولوب، کیچیک آسیادا، مدیترانه دنیزی ساحلینده ساکن ایدیلر. بو طایفا شاه اسماعیلی قدرته یئتیرن دوققوز قیزیل باش طایفالاری نین بیری ایدی.

بنه لیکله فضولی نین فضلی تخلصو بیر اوغلو اولدوغو و اونون ۹۸۸ هجری ایلده دیری اولدوغو معلوم اولور. لاکین گؤرونور کی، بو فضلی شاعر لیک عنوانی ایله آد چیخارا بیلمه میش ایمیش، چونکی اونون آدی تذکره لرده گؤرونمور. حتا فضولی نین ترجمه حالینی یازانلار دا اونون فضلی ادلی اوغلو اولدوغونا اشاره ائتمه میشدیلر. گویا یالنیز عهدی بغدادی نین گلشن الشعر ادلی تذکره سینده و روحی بغدادی نین دیوانیندا اونون آدی چکیلیمیشدیر.

او عصرین تذکره لرینده و سامی بئگین قاموس الاعلامیندا نچه نفر فضلی ادلی شاعرین آدلاری گتیریلیمیشدیر. لاکین اونلارین هئچ بیرسی بو فضلی ایله مطابقت ائتمیر.

فضولی فارسجا دیوانیندا (ص ۹۷) اوغلونا خطاب ائدهرک حکمتلی بیر قصیده یازمیشدیر. لاکین اونون ادینی چکمه میشدیر. همچنین شاعری معلوم اولمایان بیر دؤردلوکده ده فضولی نین فضلی ادلی اوغلو اولدوغونا اشاره اولونموشدور:

در حله دو شاعرند اکنون فضلی پسر و پدر فضولی
عکس اند جمیع کار عالم فضلی پدر و پسر فضولی

بئله لیکله فضولی نین فضلی ادلی (تخلصلو) بیر اوغلو اولدوغون شبهه یئری قالمیر.

تهران دانشگاهیندا ۲۹۱۴ نؤمره آلتیندا ساخلانیلان حدیقه السعدا کتابی نین بیر ال یازما نسخه سی نین سون صفحه لرینده بیرنچه شعر، او جمله دن فضلی نین بیر مرثیه سیندن آنجاق دؤرد بند (هر بند ۲ مصراع) گتیریلیمیشدیر. بو اثرین سون صفحه لری دوشدوگونه گؤره، ترکیب بند قالیبیندا گتیریلن بو شعرین اصلینده نچه بیت اولدوغو معلوم اولمور. هر حالدا بو پارچانی ایلك دفعه اولاراق ادبیات عالمینه تقدیم ائتمک ایسته بیریک. بونو دا دئیک کی، بو اثر ۱۰۰۵ هجری (۱۵۹۶ میلادی) -ده یازیلیمیشدیر، بئله لیکله معلوم اولور کی، فضلی نین شعرلری او زامان ایرانا گلیب چاتیرمیش.

مرثیه فضولی زاده فضلی افندی

ماه محرمی دوتون ای خلق محترم و ابکوا لمن علیه بکت عین الامم*
عاشورادر منه مدد ائت ای سرشک آل وی دود! اه سایه ن باشیمدان ائتمه کم
کم سانموز جهانده محرم منزلی! کیم ائیلهدی هلال قدین بو ملال خم
جلاد چرخ ائیلهدی گویا هلالدن آل رسول قتلی ایچون خنجر ستم
ای شام قتل کوکبی لطف ائیله بو گئجه سن اول بیزه دلیل سراپرده عدم

ای جان و دل دوتون بو عزاده ره بلا

کیم اوله دستگیر سیزه شاه کربلا

ای آفتاب انور روی زمین حسین وی گلبن حدیقه خلد برین حسین
هر لحظه مین صفا بولور امدادین ایله شرع ای ذرّ ناب رشته شرع مبین حسین
چشم یقین له یوزونو گورمک ایسته ریز ای نور چشم دیده اهل یقین حسین
ذکرینده در آسمان و زمین خدمتی مدام ای بدر برج شرع و ذرّ دین حسین
اندوه روزگار له، دل تیره در مدد! ای دل فروز مردم اندوهگین حسین

ای صبح و شام تاج فلک خاک درگهین

وی توتیای چشم فلک خاک درگهین

* اصلینده بیرینجی و سون کلمه یاخشی اوخونمور. «عین الدم» ده اوخوماق اولار. (معناسی بئله اولور: «آغلایین او کسه کی امتلرین گؤزو اونون اوچون آغلایین.»)

چون چکدی عالمین ستمین آل بوتراپ
 جزکنمدی ا مرادی ایلہ آل احمدی
 اشک ائیلہ دی احاطہ حسینین مزارینی
 قوم یزید ووردو جهان ایچره زینتی ا
 صحرای کربلاده منه همدم و رفیق
 سیلاب اشکله ائده لیم عالمی خراب
 کمدر هنوز سورتسه یوزون خاکه آفتاب
 هر کیم کی قبه یه نظر ائیلر سانیر حباب
 گمراه قیلدی تشنه لری لمعه سراب
 بسدیر دل پر آتش ایلہ دیدہ پرآب

بیر آفتاب اولدو مگر دیدهدن نهان

کیم داغ حسرت ووردو قارا گئیدی آسمان

ای دل بو ماتم، اهل بهشت ائیلر آدمی
 غم چکسن آل احمد ایچون شکر قیل کی حق
 گر عرض اولونسا حشر گونو جامدی حسین
 آه ائیلہ لحظه-لحظه و قان آغلا دم به دم
 ماه محرم ایچره کئچین ذوقدن کی چرخ
 آدم اولان دوتار دل و جانندن بو ماتمی
 سررشته سرور بهشت ائتدی بو غمی
 قان آغلادار مصیبتی اول گونده عالمی
 کیم گلدی آه وقتی و قان آغلاماق دمی
 قفل ائتدی گنج ذوقه هلال محرمی

اولدو فلک بو واقعه دن شوئله شرمسار

کیم گلمه بینجه روز جزا ائیلہ مز قرار...

شەھرىارىن حىدر بابا داغىندان اوجا دىلى

• دردانه نقى يئو*

• كۆچورن: امير بخشايشى

چاغداش ادبى دىللىمىزىن جنوب قولونون انكشافىندا مىثلسىز خىدمىتىر اولان اوستاد شەھرىارىن شعر دىلى ان آزىندان مىن ايللىك يازىلى ادبى عنعنە يە مالک بىر دىلىن آغىرلىغىنى چىگىنىدىن داشىماقلا برابر گۆرونون و گۆرونمە يىن باغلارلا بىتتەب-توكنمىز يارادىجىلىق چىشمەسى اولان خلق تفكر و نونە، خلق روحونا باغلىدىر. اونون الهامى خلقىن اىستك و آرزولارىندان گوج آلىر. او، خلقلە اونون اۆز افادە طرزىندە دانىشىر، سۆزلىرى دە، جملەلىرى دە خلقىن دۇقونە اويغون شكىلدە ايشلىدىر. شەھرىارى خلقە سئودىر ن اساس جەھتلردن بىرى دە محض اونون دىلى نىن خلقى لىگى، خلق دىلى ايله قاينايىب قارىشمايدىر.

بىلىدىر كى، خلقىن مىلى-مدنى انكشافى نىن معين دۇنوش مقاملارىندا ادبى دىل سىياسى-اجتماعى حرىكاتىن مركزىندە دورارق چوخ گوجلۇ بىر ايدئولوژىك سىلاھا چئورىلە بىلىر. بو زامان خلق دىلى نىن چئوىك افادە امكانلارى و ايلك نۇبە دە لىكسىك^۱ -فرازئولوژىك^۲ پوتانسىلى سىفرىر ائىدىلىر. نىتىجە دە خلق حىياتى نىن رىنگارىنگ پوتانسىلىنى عكس ائىدىر ن سۆز و افادەلىر، خلق دىلىم طرزى يازىلى ادبى دىلىن اساس نظاملايىجى پروسسلىرىندىن - سئچمە و عوض ائتمەدن يان كئچەرك بدىعى اسلوبا، دئمەلى، هم دە ادبى دىلە گتىرىر. بو ماترىال اوزرىندە طبعى و صنعى سئچىم پروسسلى داھا سونرا باش وئرىر. شەھرىار دىلىندە و عموماً اونون تمشىل ائىدىگى ادبى دىللىمىزىن جنوب قولوندا دا بئلەدىر. بدىعى دىل ماكسىموم درجە دە خلق دىلىنە ياخىنلاشماغا، قۇووشماغا جان آتىر. بونا گۆرە دە شەھرىارىن شعرلىرىندە اصطلاحلاردان، آتالار سۆزلىرىندىن توتموش، عادى دانىشىق افادەلىرىنە، لەجە سۆزلىرىندىن توتموش عامىانە دانىشىق عنصرلىرىنە قدر خلق دىلى نىن بوتون طىفىنى گۆرمك مىمكندور. بونو دا قىد ائىك كى، گۆستىرلىن جەھت ان چوخ اونون «حىدر بابا يسلام» پوئما (منظومە) سىنا، منظوم مکتوبلارىنا، هجا وزىلى شعرلىرىنە عايدىر. شاعرىن كلاسىك

* فىلولوگىا علملىرى نامزدى

^۱ لىكسىك: لغوى، كلمە ايله علاقه دار.

^۲ فرازئولوژى: انشاء، عبارت پردازى، كلمە بندى

يازىلى ادبى دىل عنعنەلرینە دایاقلانان عروض وزىلى لىرىك (تغزلى) شعرلریندە ایسه ادبى لىك، نورماتىولىك (اصولى لىك) آپارىجى معیار كىمى چىخیش اندیر.

خلق تفكرونون اینتئلكتوال (فكرى) یتكىن لیگى نین تجستمو اولان اتالار سۆزلىرى و مثلر شهریارین شعر دىلینە خلق دىلى نین مُدرک لىك اوقاتینى، تاریخی تجربه نین حکمت آغیرلیغینى گتیریر: ایگید آمک ایتیرمز؛ کۆر توتدوغون بوراخماز؛ آدام گئدر آد قالار؛ بايقوشون دا قفسى دار اولماسین؛ ایگنه خلقى بَزَر، اؤزو لوت گزر؛ خان یورغانى میتیل اولماز؛ اوزوندا عقل اولماز؛ یئر برک اولور، اؤکوز اؤکوزدن اینجیر و سایره.

بعضاً شاعر اتالار سۆزلىرى و مثللىرى شعرین تکنیکی امکاملارینا اویغونلاشدیراراق خلقه مخصوص معنوی ثروتى یئنى پوئتىك (شعرى) بیچیمده، داها جاذبه لى و طراوتلى شکیلده اونون اؤزونه تقدیم اندیر: قویودان كى، خلقه قازدین، چىخا بيلمزسن سلامت (مقایسه ائت: اؤزگه یه قویو قازان اؤزو دوشر)؛ یامان گونلر كئچیب-گئدن، ایتندی (مقایسه ائت: یامان گونون عؤمرو آز اولار).

شهریار دىلینە خلقى لىك روحو آشیلایان ان تأثیرلى واسطه لردن بىرى ده اونون شعرلریندە كى خلق افاده لریدیر. شاعرین ائله بىر شعرى یوخدور كى، اورادا خلقین دئیم و افاده طرزینە باش وورلماسین. بونلارین بؤیوک اکثریتی فعلی افاده لریدیر. مثلاً: باشینا كول آلنمک، شیطان آزديرماق، دیش قيسماق، میسماق، تیفاغى داغیلماق، آلت انگى ن چئینه مک، دیغى چىخماق، اورگى بىر تیکه اولماق، قلیانینى غم باسماق، اوخونو آتیب یایینی گیزلتمک، گون چرتلاماق، بوزباشینی یئمک، قولاغى دارى دؤشورمک، باشینی یئمک، پیرتداناغى چىخماق، بارماق قویماق، کلفجه نین باشینی ایتیرمک، باغرى یاریلماق، هوشو آزماق، شیطانلماق، سؤیوقدان قورویوب بیگ دورماق، سؤنجوق آتماق، لله گىریان، قاپیش-قاپیش، اومید پلو، آرزی گؤز، آتى دىلینە باغلاماق، دون بلن دوز، فسى یان قیلیجى قویماق، دیر-دیرا، آدى باتمیش، گونونو گؤی اسكى یه توتماق، باغرى چاتلاماق، قورد آغزیندان قوپارماق، بورنونو اووماق، بخت آیناسى، قاش قارالماق و سایره.

شاعرین اؤزونون پوئتىك تخیلونون محصولو اولان تمثیلی افاده لر ده خلق افاده لرى قدر بدیعی-ائستتتىك گوجه مالکدیر. مثلاً: گون بولوددا آيیرردى تئشینى؛ صبریم سنله گولشدى؛ روزگارین دگيرمانى وسایره.

خلق دىلینە مخصوص افاده لرى شاعر معین حاللاردا عینى ایله تکرارلامیر، افاده نین قراماتىك قورولوشوندا آزاجیق دیشیک لىك ائتمکله اونو مصراعین ایچینده آریدیر. مثلاً:

دئینده: بو نه چؤرکدیر؟ شاطر سؤیوش ده وئیر،

سؤیوش وئیریر كى، دخى قالماسین خالاندا خاطر.

«داغ داغا قووشماز» دئمیشلر اتالار. آما داغلا انسان قووشورموش دا، دردلشرمیش ده... شاعرین «حیدربابایا سلام» منظومه سینده سئچدیگی بدیعی مزاجعت فورماسى، حیدربابانین انسان كىمى

شخص لنديريلمهسى اونلارا هر شئيدن - «آغاج مينيپ، ات گزديرديگي گونلردن»، عؤمرون دؤنوم و دؤنگه لرينده راستلاشديقلاري آجيلي-شيرينلي حادثه لردن، خاطره لشميش و خاطره لري عزيز اولان انسانلاردان محرمانه صحبت اچماغا امكان وئرير. بئله طبيعي افاده فورماسي ايسه اؤز نؤبه سينده يازيلي ادبي ديلين نورما چرچيوه سينه گيرمه ميش بير ديل ماتريالي نين، غيراستاندارد افاده طرزي نين، خلق دانيشيق ديلي نين لئكسيك و قراماتيک امكانلاري نين قول قاناد اچماسينا رواج وئرير. «حيدر بابايا سلام» دا شاعرين كؤورک اوشاقلق خاطره لرينه قايديشي تگجه اونون کند حياتينا، طبيعت قوينونا دؤنوشونو افاده ائتمير، بو قايديش اونون دوغما ديلينه و ملي معنوي كؤکلرينه دؤنوشونون ده رمزينه چئوريلير. تصادفي دئييل كي، «حيدر بابايا سلام» داکي بير چوخ خلق افاده لري اونون باشقا شعرلرينده ده ايشلنير، بديعي ديلينه ايشيق ساليير. سون نتيجه ده ايسه اونون شعرلرينده ناغيل ديلي نين يويرک ليگيندن، باياتي ديلي نين لاکونيك ليگيندن^۱ و بير از دا عروضون آغير کاروان لنگريندن گلن ريتميک بير هارموني يارانير، شهريار ديلي اعجاز کارلاشير، ناغيللاشير، باياتيلاشير:

سئل گلر ديوار بيخا،

غم گلر اورک سيخا،

ائل بيخان جاوان داغي،

اولور كي، ياددان چيخا؟

«تورکون مثلي، فولکلورو دونيادا تکدير» دئين شاعر تئز-تئز فولکلور تمثيلرينه ادبي-بديعي افاده واسطه سي کيمي مراجعت ائدير. بو مراجعت چوخ زامان همين تمثيلرله باغلي خاص افاده لرله گئر چکلشير:

قاري ننه گئجه ناغيل دئينده،

کولک قالخيب قاپ-باجاني دؤينده،

قورد کئچي نين شينگلي سين يئيينده،

من قايديب بير ده اوشاق اولايديم،

بير گول آچيب، اوندان سونرا سولايديم.

قاري ننه اوزاداندا ايشيني،

گون بولوددا آيبرردی تئشيني،

قورد قوجاليب چکديرنده ديشيني،

سورو قالخيب دولاييدان آشاردي،

بايدالارين سودو آشيب داشاردی.

^۱ لاکونیک: مختصر، موجز، قيسا اما مضمونلو سؤز

حیدربابا، گنجه دورنا کؤچنده،
 کور اوغلونون گؤزو قارا سئچنده،
 قیر آتینی مینیب کسیب بیچنده،
 من ده بوردان تئز مطلبه چاتمارام،
 «ئیواز» گلیب چاتمایینجا یاتمارام.

بللی مقاملاردا فولکلور قاینقلی افاده لر اؤزونون پسیکولوژیک وضعیتینی افاده ائتمک اوچون شاعرین الینده تأثیرلی بیر واسطه یه چئوریلیر:

«اوشودوم ها اوشودوم» دئییر منیم دردیمی،

کورسو تووون ایتیریب، آختاریر درمانیمی

بورادا شاعر مشهور اوشاق شعرینین بیر میراثینی گتیره رک داها سونرا گلن مصراعلارداکی «بئزمیشم» فعلی ایله تداعی قورور، دولایی یوللا قوجالیقدان بئزمه سینه اشاره ائدیر. شعرلرینین بیرینده یازیر:

قیر خا سن یئتمه دین، جاوان گئتدین،

من گنده یدیم کی، یئددیم آلتیمیشدی.

بورادا آلتیمیش یئددی رقمی نین یئددیم آلتیمیشدی شکلینده افاده اولونماسی بیرباشا فولکلوردان قاینقلانماقدادیر.

شهریار سؤزلرله تابلو یاراتماق اوستاسیدیر، رسامدیر. اونون شعرلرینده ایلك باخیشدا پوئتیک گؤرونمه یین، عادی سؤز و افاده لر ائله پوئتیک بیر انرژى ایله یوکلنیر کی، شاعرین تصویر شئی «بیر سینما پرده سی کیمی» گؤز اؤنونده جانلانیر:

حیدربابا، سولو یئرین دوزونده،

بولاق قاینار چای-چمنین گؤزونده،

بولاق اوتو اوزر سویون اوزونده،

گؤزل قوشلار اوردان گلیب کئچرلر،

خلوت له ییب، بولاقدان سو ایچرلر.

بیچین اوستو، سونبول بیچن اوراقلار،

ائله بیل کی، زولفو دارار داراقلار،

شیکارچیلار بیلدیرچینی سوراقلار،

بیچینچیلر آیرانلارین ایچرلر،

بیر هوشلانیب، سوندان دوروب بیچرلر.

شهریارین دیلی خلق عادت-عننه لرینی، ائتئوقرافی سینی^۱ عکس ائتدیرن سۆز و افاده لرله ده زنگیندیر: بیگ گلینه دامدان آلما آتанда؛ آی نه گۆزل قایدادی شال ساللاماق؛ بایرام اولوب، قیزیل پالچیق ازرلر و سایره. ملی آب-هوایا باغلی بو تیپلی افاده لرله شاعر ائلات حیاتی نین طبیعی منظره سینی یارادیر. بو معنادا اونون شعرلری، خصوصیه ده «حیدربابایا سلام» منظومه سی «ائلاتین حیات و معیشتی نین گوزگوسودور، رسمیدیر، تاریخیدیر، ائنسیکلوپئدیاسیدیر». «حیدربابایا سلام» منظومه سیندن گؤتورولموش آشاغیداکی بندلرده اولدوغو کیمی:

حیدربابا، کندین توپون توتاندا،
 قیز-گلینلر حنا، پیلته ساتاندا،
 بیگ گلینه دامدان آلما آتанда،
 منیم ده او قیزلاریندا گوزوم وار،
 عاشیقلارین سازلاریندا سوزوم وار.

بایرام ایدی، گنجه قوشو او خوردو،
 آداخلی قیز بیگ جورابین تو خوردو،
 هر کس شالین بیر باجادان سو خوردو،
 آی نه گۆزل قایدادی شال ساللاماق،
 بیگ شالینا بایراملیغین باغلاماق.

باکیچی نین سوزو، سووو، کاغیدی،
 اینکلرین بولاماسی، آغیزی،
 چرشنه نین گیرده کانی، مویزی،
 قیزلار دئیر: «آتیل-ماتیل چرشنه،
 آینا تکین بختیم آچیل چرشنه».

بو پارچالاردا توی و نوروز بایرامی ایله باغلی ائتئوقرافیک افاده لرده کی تفرعاتلار بیر علمی اثر قدر دقیق معلومات یوکو داشیماقدادیر.

شهریارین دیلینده کی ائتئوقرافیک لئکسیک واحدلر اونون دیلینه ملی آب-هوانی، خلق حیاتی نین طبیعی رنگلرینی گتیریر. شهریار دیلینده کی بئله ائتئوقرافیک واحدلره او یون آدلارینی (مثلاً آرادان خیر، چیلینگ آغاجی، آشیق او یونو، یولداش منی قورد آپاردی)، معیشت اشیا لارینی (مثلاً چایدان،

^۱ ائتئوقرافی: مختلف خلقلره خاص خصوصیت و عادت-عننه لرین آراشدیریلدیگی علم

آرسین، ساج، تندیر، بایدا، دوزمه، تاختا)، یئمک آدلارینی (مثلاً: قوورغا، قاووتماز، بوژباش)، مختلف مراسملرله باغلی سۆز و افادهلری (مثلاً: کجاوه، یومورتا بویاماق، یومورتا چاقیشدیرماق) و سایره گوستریمک اولار.

شهریارین بدیعی دیلینده فعللرین خصوصی یئری واردیر. فعل شعر دیلینه حرکت، دینامیکلیک، تصویر جانلی لیغی گتیریر، فیکری ترنم یک نسق لیگیندن قورتاریر. فعلین کاتئقوریال زنگین لیگی، دیگر نطق حصه لری ایله متحرک قراماتیک و لئکسیک علاقه لری دانیشیق دیلی رنگینی عکس ائتدیریمک اوچون باشقا نطق حصه لری ایله مقایسه ده اونون رولونو قات-قات آرتیرمیش اولور. بو معنا دا شهریار دیلینده فعللر جانلی لیق، متحرک لیک یارادان اساس لئکسیک-اسلوبی واسطه لردن بیر کیمی چیخیش ائدیر:

گویرچینلر دسته قالخیب اوچارلار،
گون ساچاندا قیزیل پرده آچارلار،
قیزیل پرده آچیب، بیغیب قاچارلار،
من باخاندا قووزانیلار، باخیرلار،
بیر ده یاتیب یاندریرلار، یاخیرلار.

بوراداکی بیرینجی نمونه ده ایشلنمیش ۱۴ سۆزدن ۷-سی، ایکینجی نمونه ده ایسه ۹ سۆزدن ۶-سی فعلدیر. شهریار دیلینده -لا، -لان، -لاش شکیلچیلری نین کؤمکلیگی ایله دوزلن فعللر دقتی جلب ائدیر:

تهرانی دجال منه تبریزله دی،
من ده گلیب تبریزی تهرانلادیم...

باخ نئجه حیوان ائله دیلر منی،
من نئجه بو حیوانی انسانلادیم...

گوور نئجه مشکللری آسانلادیم...

کفر مسلمانلاری کافرله دی
من ده دئدیم کفری مسلمانلادیم...

بیر پارا ظالم لری پئشمانلادیم...

وئرلمیش نمونه لرده -لا شکیلچیلیسی داها چون ائت- کؤمکچی فعلی ایله یارانان آنالیتیک فعللری (تبریز ائتدیم، انسان ائتدیم، آسان ائتدیم، کافر ائتدیم، مسلمان ائتدیم، پئشمان ائتدیم) عوض ائدیر.

عینی جهتی -لان، -لاش شکیلچیلری ایله دوزلن فعللرده ده گوورمک ممکن دور. -لان شکیلچیلیسی نین شاعرین دیلینده افراطلی ایشلنمه سی تصادفی دئییلدیر. بو شکیلچی یه عاشیق شعرینده و فولکلور اسلوبوندا

یازیب-یارادان صنعتکارلارین دیلینده ده تئز-تئز راستلانیر. بو عنعنهنی داوام ائتدیرن شهریارین دیلینده ایشیق-ایشیقلائییر، غنچه-غنچهلنیر، اولدوز-اولدوزلانیر، عاشیق-عاشیقلائییر:

اولدوزلانیب باکی دئییه قاچارسان...

گوزون بیر ایشیقلائیین

سازین عاشیقلائیین...

قوی زحمتیله هوشلانان اولسا، اویانماسین...

باهار گلر، غنچهلر گوللرین...

طبیعتین جاوانلانیر جمالی...

بیز ده باخیب فرحلیب بیر اوچاق...

شهریارین ائله شعرى ده واردیر کی، اورادا قافیه لر بوتونلوکله -لان / -لن شکیلچیسى ایله دوزلمیش فعللردن عبارتدیر. مثلاً «شاطر اوغلان» شعرى نین قافیه لری آشاغیداکی کیمیدیر:

شاطر اوغلان، گوروم آلاه سنه وئرسین برکت،

قوی اوتون یاخشی آئنسین، خمیرین آئنسین.

چوخ پیشیر، یاخشی پیشیر، گویده فیریلدات چورگی،

منبر اوسته چورگین قوی قالانیب تللنسنین.

تندیرین طور تکین عرشدن آلسین ایشیغی،

آرسینین بیرق احرار کیمی میللنسنین.

بورادا «ل» و «ن» صائتلری نین تکراری هم ده شعره آخیجیلیق و موسیقی لیک گتیریر. شهریار دیلینده فعللرین بو درجه ده آکتیولیگی شاعرین ملی زمینه باغلی لیغیندان، ملی پسیکولوژی و دوشونجه طرزینی عکس ائتدیرمکدن ایرلی گلیر. ادبی دیلیمیزین شعر دیلینده فعللرین بو درجه ده آکتیولیگی ملا پناه واقف ایله باغلیدیر. واقفین قوشما اسلوبلو شعرلرینده جانلی حیات لؤحه لری نین تصویرینده فعللر آپاریجی اسلوبی واسطه کیمی اؤن پلانا چیخیر:

قاشلارین چکیلیر یایلارا دؤنور،

آغلارام، گوز یاشیم چایلارا دؤنور.

بزنیر ایللره، آیلارا دؤنور،

جانلار آلان بیر مارالی سئومیشم.

اونو دا قید ائتمک ایستردیک کی، شاعرین بدیعی دیلی تکجه مضمون گؤزلیگی ایله دئییل، ائستتیک کامل لیگی ایله ده دقتی جلب ائدیر. بوتون حاللاردا اوستاد صنعتکار خلق دیلی نین اینجه لیکلرینی شعرلرینده عکس ائتدیرمکله شعر دیلینه خلقی لیک روحو گتیرمیشدیر.

ماراقلی بیر جهتی ده نظرنیزه چاتدیرماق ایستردیک کی، شهریارین دیلینده دده قورقود داستانی نین دیلی ایله باغلی بیر اوغونلوق واردیر. شهریارین آقیشلاری دده قورقودون آقیشلارینی آندیریر. آمرانه - آرزو یوکلو آقیشلاری نین بیرینده شهریار بئله دئییر:

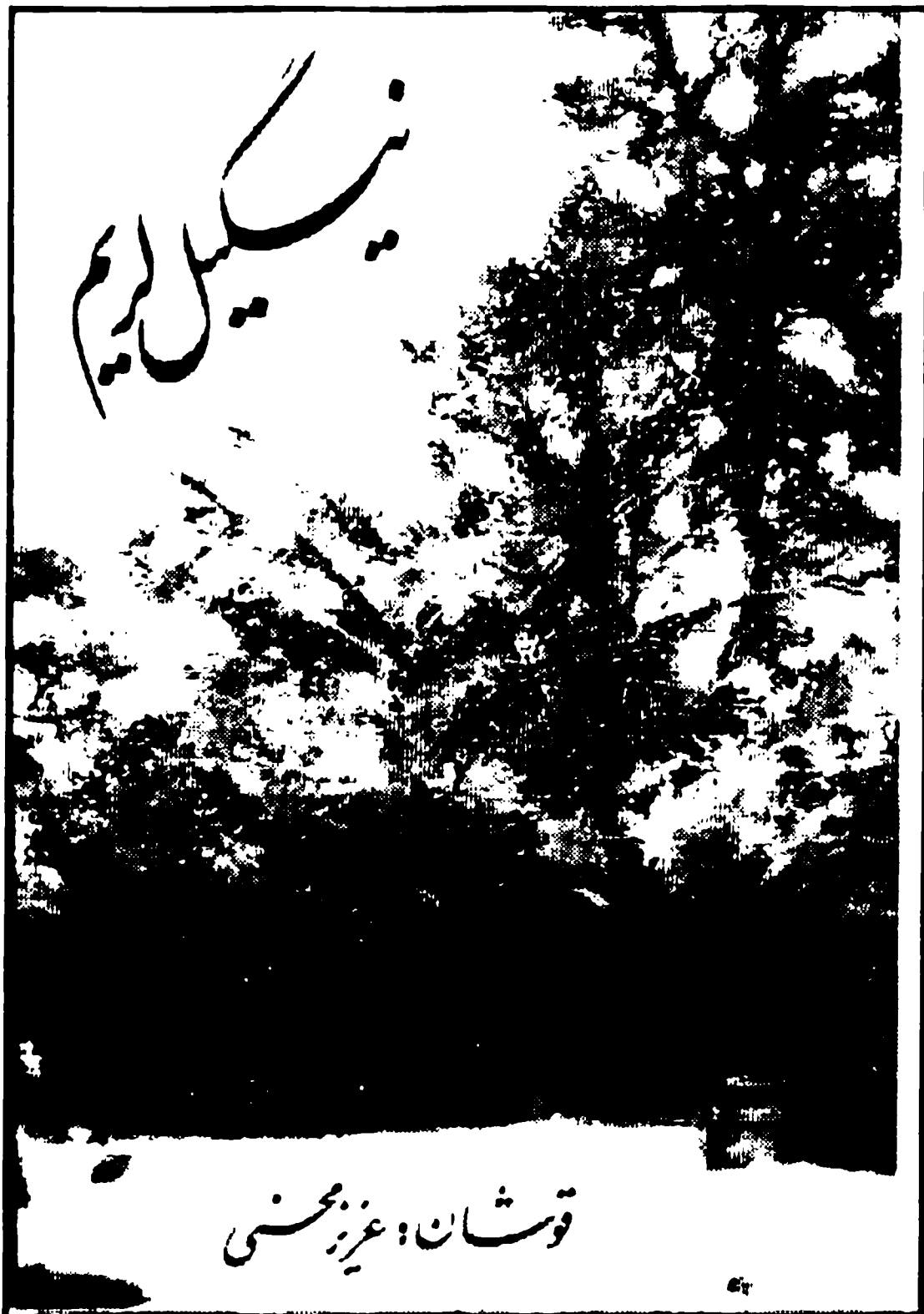
بیزدن سونرا گلنلره عشق اولسون!

آقیشین بیزدن اول بو دونیادان کؤچنلره وفا بوزجوموز اولسون، اوستادا!

سلامین بیزدن سونرا بو دونیا یا گلنلره امانتین اولسون، اوستادا! ■

کتاب تانیتیمی

● امیر بخشایشی



نسیگیل لریم، قوشان: عزیز محسنی، ناشر: اندیشه نو، تهران، ۱۳۸۷، ۱۰۰۰ تومن

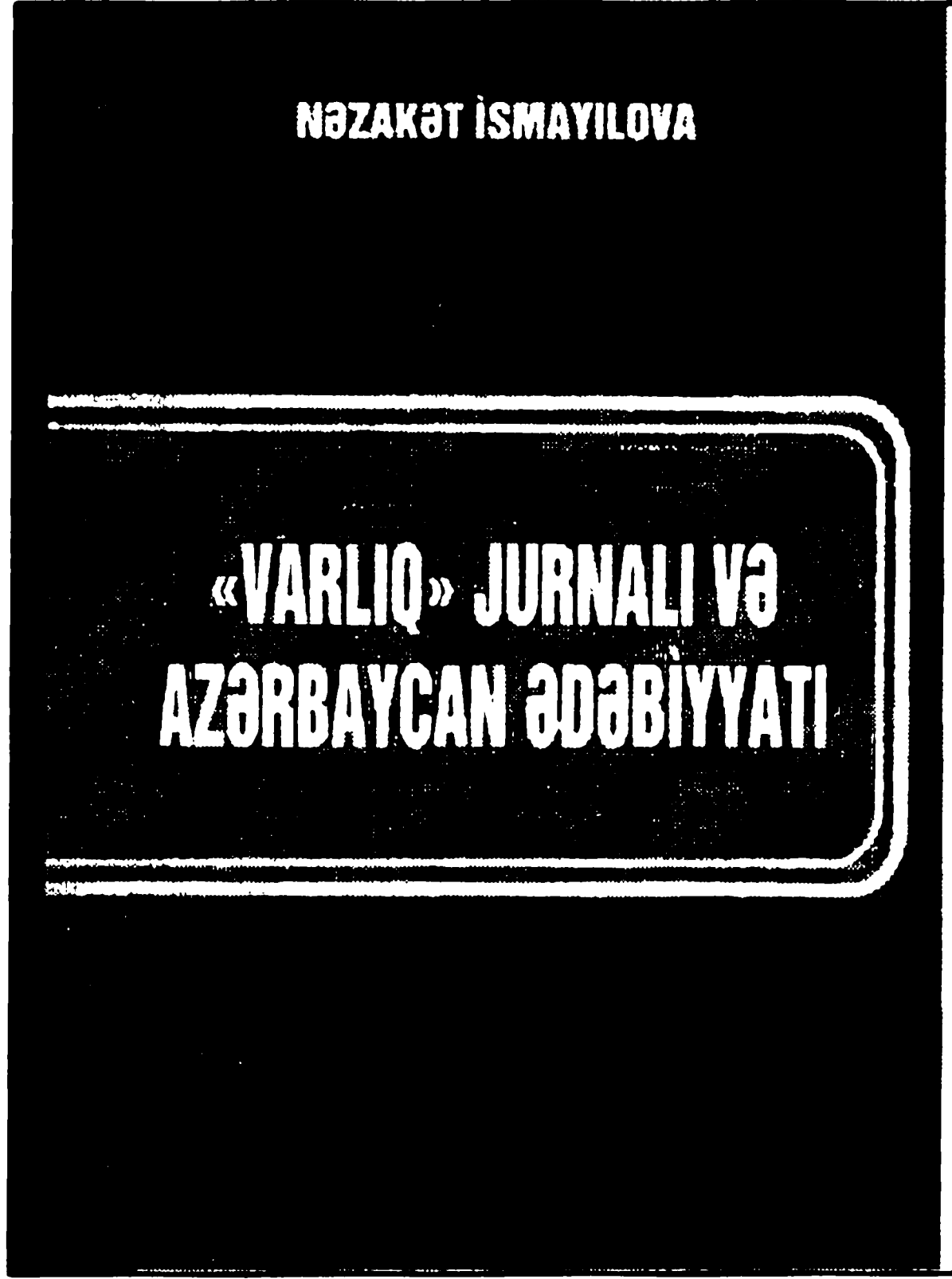
نسیگیل لریم، اوستاد عزیز محسنی نین بعضی لری سون ایگیری می ایلده «وارلیق» و دیگر آنادیللی مطبوعات اورقانلاریندا چیخان، بیر قسمی ایسه ایلک دفعه اولاراق اوخوجولارا تقدیم ائدیلن شعرلریندن عبارت، ایشیق اوزو گورن سون کتابیدیر. کتابدا هابئله اوستاد محسنی نین نیما یوشیج، فروغ فرخزاد، سهراب سپهری، مهدی اخوان ثالث و احمد شاملو کیمی ان مشهور معاصر فارس شاعرلری و شاندر پتوفی، تاگور، جان لئنون کیمی دونیا ادبیاتچیلاری نین پوئتیک یارادیجیلیقلاریندان نمونه لردن اصلینه صادق قالاراق بؤیوک مهارتله آذربایجان تورکجه سینه ائتدیگی ترجمه لر علاوه ائدیلمیشدیر. اوستاد عزیز محسنی نین قلمیندن ادبیات ساحه سینده داها اؤنجه «دینله

منی» آدینا شعر و «چای آخیر» و «یورد» آدلی حکایه مجموعه لری، «دده قورقود» کتابی نین شرحی، روس ادبیاتچیسى تورگینیفدن فارس دیلینه چئویردیگی «آسیه» پوئستی، هابئله ادبیات شناسلیق و ادبیات تاریخی موضوعلاریندا بیر نئچه دولغون اثر ایشیق اوزو گورموشدو. اوستاد، معاصر آذربایجان شاعرلری نین اثرلرینی پوئتیک شکلده فارس دیلینه چئویرمکله ده ادبیاتیمیزدا بیر ایلکی گئرچکلشدیرمیشدیر.

بو کتابدا، برکتلی عؤمرونون ان مدرك چاغلارینی یاشایان اوستاد محسنی نین کئچدیگی حیات یولوندان، داخلی دونیاسیندا اوزو ایله پیچیلداشماسیندان و آجیلی-شیرینلی یاشادیقلاریندان ایزلر داشییان، روح یوکسک لیگی نین تجسمو اولان اخلاقی اؤیودلرله دولو درین معنالی شعرلر اوخوجولارین نظرینه چاتدیریلیمیشدیر. شعرلرین آهنگی آخجی و سلیسدیر. ایشلنن دیل، چیلخا و تمیز آذربایجان تورکجه سیدیر. «نسیگیل لریم» شعر مجموعه سینی اوستاد عزیز محسنی نین «وارلیق» درگیسینه زنگین لیک قاتان علمی و ادبی یازیلارینی تعقیب ائدن و آدلارینی چکدیگی میز اؤنجه کی اثرلریندن فایدالانان اوخوجولاریمیزا تۆصیه ائدیریک.

اوستادا آلاهی عالی دان جان ساغلیغی و اوزون عؤمور دیله یهرک، یئنی اثرلری ایله ادبیاتیمیزا زنگین تحفه لر بخش ائتمگه داوام ائتمه سینی آرزولاییریق.

کتاب تانیتمی



«وارلیق» ژورنالی و آذربایجان ادبیاتی، نزاکت

اسماعیل اوا، ناشر: نورلان، باکی، ۲۰۰۹

وارلیق درگیسی ایله اون ایلدن آرتیق دیر یاخین تماسدا اولان و ناخچیوان دۆلت اونیونرسیتیه سینه «وارلیق» درگیسی ایله باغلی آپاردیغی تدقیقاتلارینی دوکتورا تئزی اولاراق سونان نزاکت خانیم اسماعیل اوا بو کتابدا ۱۹۷۹-جو ایلدن ۱۹۹۵-جی ایله قدر وارلیق درگیسینده چیخان مقاله لری علمی شکیلده آراشدیراراق بو درگی نین آذربایجان ادبیاتینا تاثیریندن بحث ائتمیشدیر.

کتابدا ایلك اؤنجه وارلیق درگیسی اطرافیندا توپلاشان ایران آذربایجان ضیالیلاری نین قیسا بیوقرافیلری وئرلمیشدیر. «وارلیق» نین یاراندیغی تاریخی شرایط و بو درگی نین کئچدیگی انکشاف یولو سیماسیندا ایران

آذربایجان نین مطبوعات تاریخیندن بعضی مهم مقاملارا تو-ونولموشدور.

مؤلف، کتابی نین ایکینجی فصلینده «وارلیق» دا آذربایجان جمهوریتی ادبیاتی و ادبیات شناسلیغی حاقیندا چیخان علمی مقاله لری تدقیق ائده رک، آذربایجان جمهوریتی نین علمی محفلرینه معلوم اولمایان جهت لری علمی شکیلده آشکار ائتمیشدیر.

کتابین ایکینجی فصلینده «وارلیق» درگیسینده کی آذربایجان جمهوریتی ادبیاتی و ادبیات شناسلیغی اؤرنکلریندن بیر بیلیوقرافی حاضر لایان مؤلف، درگی نین یوخاریدا قید ائدیلمن ایللر آراسیندا چیخان ساییلاریندا بدیعی ادبیات، ادبیات شناسلیق، فولکلور شناسلیق و تاریخی-اجتماعی موضوعلاردا نشر ائدیلمن یازیلارینی آیری-ایری اولاراق سیرالامیش و آچیقلا ییجی شرح لرله بیرلیکده بیلیوقرافیک طرزده تنظیمله میشدیر.

کتابین سون حصه سینده «نتیجه» ادلی فصلده مؤلف بئله یازیر:

«وارلیق ژورنالیندا ادبیات مسأله لری و بو ژورنالدا درج اولونموش نمونه لرین بیلیوقرافیک آراشدیریلماسینا هله چوخ تدقیقات اثر لری حصر ائدیله جک دیر. بئله زنگین بیر بولاغین سویوندان هئچ اولماسا بیر دامجی دادمیشیق سا و اونون طعمی حاقیندا اوبژنکتیو فکر سؤیله یه بیلیمشیک سه، دئمک مقصدیمیزه نائل اولموشوق.»

ناز ائيله ميسن

● محمد حسين شهريار

چوخلار اينجيكدي كي، سن اونلارا ناز ائيله ميسن،
من ده اينجيك كي منيم نازيمي از ائيله ميسن.

ائتميسن نازي بو ويرانه كؤنولده سلطان،
ائوين آباد اولا درويشه نياز ائيله ميسن.

هر باخيشدا چاليسان كيپر يگي مضراب كيمي،
بیر قولاق وئر بو سينيق قلبی نه ساز ائيله ميسن.

باشدان اچ يايلىغي، افشان ائله سوسن-سونبول،
سن بيزيم بايراميميزسان قيشي ياز ائيله ميسن.

سن گون اول، قوی غمimiz داغدا قار اولسون، آريسین،
منيم آنجاق ايشيمي سوز و گداز ائيله ميسن.

من بو معنادا غزل يازمالي حاليم يوخ ایدی،
سن جوجوق تک قوجانی فيرفيراباز ائيله ميسن.

كاكلی باشدا بوروب باغلاميسان ناج كيمي،
اؤقيزيل ساچدان اونا گوللو قوتاز ائيله ميسن.

سینه بیر دشت مغاندير قوزو يان-پانه ياتيپ،
منيم آغلار گؤزومو اوردا آراز ائيله ميسن.

بو گؤزليک کی جهاندا سنه وئرميش تانری،
هر قدر ناز ائله سن، ائيله، کی از ائيله ميسن.

منی بو سؤز ایله آتدين، آرالاندين بيليرم،
آرانی بیر پارا نامرد ایله ساز ائيله ميسن.

دستماز ائيله ديگين چشمه مسلمان. قانيدير،
بيليرم هانسی کليسادا ناماز ائيله ميسن؟

من عشیران اوخوسام پنجه عراق اوسته گزر،
 گۆزلیم، طور اولالی، ترک حجاز ائيله میسن.
 تازا شاعرا بو دنیز هر نه باخیرسان دیبی یوخ،
 چوخ اوزاتسان بوغازی اوردگی قاز ائيله میسن.
 بس کی زلف و خط و خالین قوپالاغین گۆتدون،
 زلفعلی نین باشینی آز قالا داز ائيله میسن.
 گل منیم ایسته دیگیم! کعبه ییخیلماز اوجالار،
 باشدا دا کج گنده سن، دیبده تاراز ائيله میسن.
 خط و خالیندان الیب مشقیمی قرآن یازارام،
 بو حقیقتله منی اهل مجاز ائيله میسن.
 منی، دان اولدوزو یاخشی تانییرسان کی سحر،
 افقی خلوت اندیب راز و نیاز ائيله میسن.
 شهریارین داغیلیب داغدا داشا دالدالانیب،
 اوزون انصاف ائيله! محمودی ایاز ائيله میسن.



یومورام گۆز لیریمی گۆزله بیرم...

(نیسگیل لیریم کیتابیندان)

● عزیز محسنی

بو قارانلیقدا جومور بئینیمه هر آن، نئچه مین فیکر و خیال،
 اوچورام داغلارا، دریارالا، عمّانلارا؛ آشیرام تپه لری، دوزلری، صحرالاری،
 باخیرام هر یئره: اطراف هامی سوسموش، هامی یالقیز، هامی غملی.
 چالیرام قول، آخیرام خیرداجا بیر داملا کیمی، هئی اوزورم، هئی گزیرم،
 اوز قویوب هوپانیرام تاریخه،

اونودولماز او اوزاقلاردا قان ایچره بوغولان منظره لر،
 او درین لیکده یاتان قانلی وارقلار، سیرا ایله دوزولورلر قاباغیمدا.
 اؤز-اؤزومله دانیشیب، قیشقیریرام، هایلا بیرام؛
 هاردادیر، بس هانی؟ انسانلارین او شیپ-شیرین آرزو، دیلگی؟
 بس هاچان گول آچاقدیر؟ بس هاچان یاز اولاجاقدیر؟
 بس هاچان قیش و سازاق، کورکونو گۆتوروب قاچاقدیر؟
 او عطیرلی، او گۆزل دویغولار آخیر نه زامان اوز قویاجاق عالمه؟
 دنیا نه زامان غصّه-کدردن اولار آزاد؟
 نه زامان انسان اولار شاد؟

یومورام گۆز لیریمی، گۆزله بیرم بلکه ده انسان چاتاجاق
 او اوزاقلاردا، باتیب-چیخمادا نورلو گونشه،
 بوتون عالم دولاجاق نور ایله، عدل ایله، مساوات ایله
 سئوگی ایله، اومید ایله...

یومورام گۆز لیریمی، گۆزله بیرم... گۆزله بیرم....

فلكدن سورغو

دوكتور بختيار واهابزاده نين اولوم خبريني ائشيتديكدن سونرا

● ح. م. (ساوالان)

ايلك «سهند»، سونراسى «شهريار» گندير،
بیر گون «نبى» گندير، «بختيار» گندير،
اونلارلا ائلده نه سئوينج وار، گندير،
سؤيله بو نه حالدى؟ بیر دانیش فلک!

اولدوز یوخ، بختيار بیر گونش ایدی،
عالیم، ائل وورغونو، تعصب کش ایدی،
دی گوروم ای فلک، بو نه ایش ایدی؟
هامینی غم آلدی، بیر دانیش فلک!

آلاه او عزیزین اوزونه یازیق،
بیلیگی، جواهر سوزونه یازیق،
بوش یئری، یاخیلان بیزینه یازیق،
دؤزمگی ماحالدى، بیر دانیش فلک!
ساوالان قوجالدى، بیر دانیش فلک!

آخی بو نه حالدى؟ بیر دانیش فلک!
سؤز اورکده قالدى بیر دانیش فلک!
دوداقلار بیر آزجا قاجیب، گولمه دن،
غم غلبه چالدى، بیر دانیش فلک!

فلک هئج دئمهدین بو بختیاردی،
چاتجاغین آهینلا غم بیزی ساردی،
باغلانمیش اونا چوخ ائل-اولوس واردی،
بو نئجه ملالدى؟ بیر دانیش فلک!

گورون بو قیش بیزه آجی قیش اولدو،
آغ ساچلی فصیلدن بیر قارغیش اولدو،
بو کدر یوکو چوخ آغیر ایش اولدو،
نالهر اوجالدى، بیر دانیش فلک!

فتورالین اون دوردو ایکی مین دوققوز،
ادبین گویوندن آخدی بیر اولدوز،
غم بیزی بورودو، گونلر اوغورسوز،
بو نئجه خصالدى؟ بیر دانیش فلک!

یاشاسین

«وارلیق» ین ۳۰-جو یاشی مناسبتی ایله

یاشاسین «وارلیق» یم هر آن یاشاسین!
 سئویرم قارداشیمی، جان یاشاسین!
 قولوبام قارداشیمین، وارلیغیمین،
 بئگدی، سلطانندی، منه خان، یاشاسین!
 کی اودور جمله اساس عزتیمیز،
 بیلمه ییرسن سه بیل ای «پان»^۱، یاشاسین!
 یاشاسین زنجانی، سلماسی، خویو،
 اورمیه، تبریزی، ایران یاشاسین!
 ستارین همتی، شیخین هنری،
 بئله بیر وادی ایمان یاشاسین!
 ایسته ییرسن یاشایا وارلیغی، سن،
 ائت دعا، «هیئت» ی هر آن یاشاسین!
 یاشاسین قارداشیمی، دیلداشیمی،
 اکیزم وارلیغا جاندان، یاشاسین!
 ستارین وارلیغی بو تکجه قوشو،
 قارتالی، قیرقیسی، ترلان یاشاسین!

^۱ اشاره به امثال پرویز ورجاوند پان فارسیست است.

عشق

● علیرضا خیابانی

آلدی منیم عقلیمی عشق، یاخدی منیم جانیمی عشق
باخ کی وئریب باده نئجه دین ایله ایمانیمی عشق

گاهی آچیر صورتینی پرده اوهاما گلیر
وهم خیالیندیر آلیر، عقل پریشانیمی عشق

آچدی قارا زولفونو یار خال لبین دامینا باخ
دام محبتده توتوب تۆکدو منیم قانیمی عشق

عاشق و معشوقه یه گر عشق وساطت ائله ییر
بیرلیگی بنیاد ائله دی چالیدی چو بنیانیمی عشق

روحومو زیندان ائله دی جسمیم اگر دینله گیلن
راه فراری گوئستریب آچدی بو زیندانیمی عشق

وئردی فرامینینی عقل دوشمه ساقین بلایا گل
جنگ و جدال باشلادی وئردی چو فرمانیمی عشق

ای خیوانلی ائله بیل عشقه دوشوبسن حذر ائت
عقل نگهبان ایسه گر، چالیدی نگهبانیمی عشق

آیریلیق سئودایا داخیل

● آتیلا ایلحان

آی ایشیغینا باتمیش

قارا بیبر آغاجلاری

گوموش توزو

گئجه نین ایرماغیندا اوزور زامباقلار

یاسمنلر اونودولموش
 تدیرگین گولومسر
 چونکی ایریلمانین دا وحشی بیر دادی وار
 چونکی ایریلیق دا سئودایا داخیل
 هئچ بیر آنی تک باشینا یاشایمامازلار
 هر آن اؤته کیسیله بیرلیکده
 هر شئی اونونلا ایلگیلی

تلاشلی قارانلیقدا یوموشاق یاراسالار
 گئتدیکجه گئنیشلهین
 یاخیلمیش اود قوخوسو
 اولدوزلار اینانیلما یا جاق ایریلیکده
 یانسیمالار توتמוש بوتون ساحیلی
 چونکی ایریلمانین دا وحشی بیر دادی وار
 ائله وحشی بیر داد کی دایانیلیر کیمی دئییل
 چونکی ایریلیق دا سئودایا داخیل
 چونکی ایریلانلار حالا سئوگیلی...

یوخو

• خاقانی حاسّ

یاتمیشان
 یوخو گؤرورسن
 یوخوندا گؤی اوزو وار
 اللرین گؤی اوزونه گزمگه گئدیپ
 سنی اویاتماغا قییمیرام
 اویانسان اللرین یوخ اولار
 منیمسه مصراعیم قالمادی
 ایچینه سیغماغا
 اوسته لیک گؤی اوزونون یوخوسویام
 اویانسا یوخ اولارام

(آوریل ۲۰۰۶)

تاریخین اوبژئکتیو انکشاف مئیلی

● خاقانی حاسّ

اوزون بیر یولا چیخدیم:
 اولی نامعلوم
 اورتاسی معلوم
 سونو گورونمز.
 یولون معلوم یئرینده آنلادیم
 قارشیدان گلن یوخدور.
 سن گنت قارشیدان گل، فدریکو
 من گنتسم قاییدا بیلمه یه جگم.

(ژانویه ۲۰۰۴)

یالان زهرلی بال دورمه یی

● علی جوادپور

گوزومون ایچینه باخا - باخا
 دوز بیر ساعات
 شیرین - شیرین یالان دانشدین منه!
 آجی - آجی قولاق آسدیم
 آند اولسون جانینا
 دئییه - دئییه
 دانشدیغین آغ یالانینا!...
 بخته ور!
 اوز ایشینده یدین سن
 دانشیردین شیرین - شیرین
 چالیشیردین قیریلماسی یالان کندیرین!...
 آنجاق یازیق من
 اوز آجیلاریم یئترکن
 بیر ساعاتدا زهرلندیم
 سنین بال دورمه ییندن!...

- İslamov, Musa (1968), Azərbaycan dilinin Nuha dialekti, Bakı, Azərbaycan SSR Elmler Akademiyası neşriyyatı.
- Polivanov, Dmitriy (1933), Uzbekskeya dialektologiya i uzbekskiy literaturniy yazık, Uzgosizdat.
- Rüstemov, Resul (1961), Guba dialekti, Bakı, Azərbaycan SSR Elmler Akademiyası neşriyyatı.
- Sadıkov, Taşpolot (1995), Teoreticeskiye osnovı kırıgızskoy fonologii i morfologii, Almatı, Avtoreferat na soiskaniye doktora fil. nauk.
- Şireliyev, Memmedağa (1957), Bakı dialekti, Bakı, Azərbaycan SSR Elmler Akademiyası neşriyyatı.
- Vekilov, Efrasiyab (1973), Turetskaya dialektologiya, çast I, İzdatelstvo Leningradskogo universiteta.

Kuzey-Doğu grubu (Rize, Trabzon)	-	+	+	-	-	-	-	-	-	-	-	+	-	-
Rumeli grubu	-	+	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-
Batı Karadeniz grubu (Kastamonu)	-	+	-	-	+	-	-	-	-	+	-	+	-	-
Sivas ve Tokat ağızları	-	+	-	-	-	-	-	-	-	-	-	+	-	-

Cetvele göre diyebiliriz ki, gerek Azerbaycan dili gerekse Türk dili ağızlarında başlıca *ı/i; u,ü/ı,i* ve *ö/o* gibi karşılıklara rastlanılmaktadır.

Bütün bu araştırma ve incelemelerin ışığında görülüyor ki, Azerbaycan ve Türk dilleri ağızlarında gerek dudak uyumu gerekse damak uyumu bozulmaları izlenilmektedir. Şu ağızlarda çoğunlukla damak uyumunun bozulmasına sebep olan sesliler karşılıkları görülmektedir. Demek ki, dudak uyumu bozulmasına oranla damak uyumsuzluğu başlıca yeri tutar.

Kaynakça

- Ahundov, Ağamusa (1973), Azerbaycan dilinin fonemler sistemi, Bakı, "Maarif" neşriyyatı.
- Azerbaycan dilinin muğan grubu şiveleri (R.E. Rüstemov'un red. altında) (1955), Bakı, Azerbaycan SSR Elmler Akademiyası neşriyyatı.
- Azerbaycan dilinin nahçıvan grubu dialekt ve şiveleri (M.Ş. Şireliyev'in red. altında) (1962), I c., Bakı, Azerbaycan SSR Elmler Akademiyası neşriyyatı.
- Beysanoğlu, Şevket (1966), Diyarbakı ağızı, Ankara, Güzel İstanbul matbaası.
- Caferoğlu, Ahmet (1944), Sivas ve Tokat illeri ağızlarından toplamalar, İstanbul, Bürhaneddin Matbaası.
- Caferoğlu, Ahmet (1946), Kuzey-Doğu illerimiz ağızlarından toplamalar, İstanbul, Bürhaneddin Erenler Matbaası.
- Celilov, Firudin (1988), Azerbaycan dilinin morfonologiyası, Bakı, "Maarif" neşriyyatı.
- Dmitriyev, Nikolay (1939), Stroy turetskogo yazıka, Leningrad, İzdaniye Leningradskogo Gosudarstvennogo Universiteta.
- Ercilasun, Ahmet Bican (1983), Kars ili ağızları, Ankara.

Ben çibi *zavallidan* (Caferoğlu 1946, 279).

Bundan başka Rize ağzında *ö/o* karşılığı yaygın bir şekilde kullanılmaktadır, örneğin: *öyle – oyle, söyle – soyle*. Masterlarda ünlü uyumunun bozulmasına çoğu hallerde Diyarbakır ağzında rastlanılmaktadır: *düşmek – düşmah, içmek – içmah, geçmek – geçmah, gelmek – gelmah* (Beysanoğlu 1966, 32).

Şimdi Azerbaycan ve Türk dili ağızlarındaki ünlü uyumunun bozulması hallerine sebep olan bazı ünlüler karşılıklarını aşağıdaki cetvelde göstereceğiz. Şu cetveldeki artı işareti ile karşılıkların mevcut olmasını, eksi işareti ile ise karşılığın yokluğunu gösteririz. Şu cetvelde Azerbaycan dilinin Doğu, Kuzey ve Güney ağızları ve Türk dilinin Güney-Batı, Orta Anadolu, Doğu, Kuzey-Doğu, Rumeli, Batı Karadeniz grupları, Sivas ve Tokat ağızları izlenilmektedir.

Azerbaycan ve Türk dilleri ağızlarında ünlü uyumunun bozulması hallerinin cetveli

Ağız grupları	a/ə	ı/i	u,ü /ı,i	ə/a	a/e	i/ı	i/u	ü/u	u/ü	ı/u	i/ü	ö/o	e/a	ə/o
Azerbaycan dilinin ağızları Bakü ağzı	+	+	+	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-
Guba ağzı	-	+	+	+	-	-	+	-	-	-	+	-	-	-
Şeki ağzı	-	+	+	+	-	+	+	+	+	-	-	-	-	-
Nahçıvan ağzı	-	-	+	-	-	+	-	-	-	+	+	-	-	-
Muğan ağzı	-	+	+	-	-	-	-	-	-	+	+	-	-	+
Türk dilinin ağızları Güney-Batı grubu	-	-	-	-	-	-	-	+	-	-	-	-	-	-
Orta Anadolu grubu	-	-	+	-	-	-	-	+	-	-	-	+	+	-
Doğu grubu (Diyarbakır, Kars ağzı)	-	+	-	-	+	-	+	-	-	+	-	+	+	-

Azerbaycan dilinin Guba ağzına gelince diyebiliriz ki, çoğunlukla art damaksıl uyumsuzluk izlenilmektedir. Şu özellik Guba ağzını diğer ağızlardan ayırdeder. Guba ağzında uyumun bozulması iyelik eklerinde: örneğin *atasi*, *başı*; ismin ilişik hali eklerinde: *almani* vb. izlenilmektedir (Rüstemov 1961, 48-54).

Türk dilinin ağızlarına gelince diyebiliriz ki, ünlü uyumunun bozulması Güney-Batı, Orta Anadolu, Doğu, Kuzey-Doğu, Rumeli, Güney-Doğu ve Kastamonu ağızlarında başlıca yeri tutar. Birkaç örnek izleyelim: Biz de yaz zamanı *yusek* memleketlerde oturduk (Güney-Batı ağzı).

Şimdi *banim* biraz işim mar (Orta Anadolu ağzı); koydan *shehera* geliyken bir arkadaşına ras galdum (Doğu ağzı); zamanun *birinda* koya *getdum* (Doğu ağzı); padişahın pirinin pir *oğli* ve *kızı* var idi (Kuzey-Doğu ağzı) (Vekilov 1973, 45-61, 71).

Görüldüğü gibi, uyumsuzluk gerek sözcük köklerinde gerekse eklerde izlenilmektedir. İlk üç örnekte damak uyumunun, dördüncü örnekte ise dudak uyumunun bozulması görülmektedir. Türk dilinin Kars ağzında uyumun bozulması çoğu hallerde şimdiki zaman eklerinde görülmektedir, örneğin: *gonuşirsın, gatirim, tanımır, oyniyir* vb. (Ercilasun 1983, 68-69).

Sıfat, iyelik ve ulaç eklerinde uyumsuzluk halleri başlıca Sivas ve Tokat illeri ağızlarında görülmektedir. Türküden bir parçayı izleyelim:

Zabahile doğar ülker terazi

Çoh ettiler *nazli* yare garezi

Allahdan gelene *gonün* razı

Guldan gelen gadaları alırım (Caferoğlu 1944, 27).

Bir örnek daha izleyelim: ... Sora gızı varmıyacam *anayışin* (anlayınca) giz varmaduhdan sona, nası vererek deyolar... (Caferoğlu 1944, 173).

Trabzon ve Rize ağızlarında çoğu hallerde uyumsuzluğa sebep olan *u/i*, *ı/i* karşılıkları izlenilmektedir. Trabzon ağzı köy türkülerinden bir parçayı izleyelim:

... Guldan yaprag aşmadan

Alti serin *olurmi*

İnce belli kızlardan

Acap celin *olurmi* (Caferoğlu 1946, 147).

Rize ağzı köy türkülerinden bir parçayı izleyelim:

... *Kayik* ceçer *yaliden*

Ucuzdan *pahalidan*

Ne iştersun sevduğum

faktörler birbirini etkiler. Bu yüzden uyumsuzluk halleri gerek alıntı sözcüklerde gerekse ezelden mevcut olan türk sözcüklerinde izlenmektedir.

Damak uyumunun bozulması başlıca Azerbaycan dilinin doğu ve kuzey ağızlarında izlenilmektedir. Örneğin Azerbaycan dilinin Bakü ağızında *guzu* kelimesinin yerine *guzi*, *gonşu* kelimesinin yerine *goşi* gibi uyumsuzluk hallerine rastlanır.

Bakü ağızında ünlü uyumunun bozulması çoğu hallerde: **ı, i, u, ü** ekli sıfatlarda; örneğin *sumaği, armudi, narıncı, darçını, xurmeyi* vb.; türemiş sıfatlarda; örneğin *dağlı, bağdaki*; emir kipinde olan sözcüklerde (1,2 şahız) – *golim, golaginen, goliyek, almiyim, almaginen, almiyun* vb.; geçmiş zamanın hikayesi eklerinde – *almışdı, alırdı, almışdik, alırdık* vb.; gelecek zaman hikayesinin tüm şahıslarında – *alacegdim, alacegdün, alacegdi* vb.; fiilden isimlerde – *yazı – yazi, gorhu – gorhi, çalğı – çalgi* vb. görülmektedir (Şireliyev 1957, 37-38).

Bakü ağızında iki ya da daha çok heceli sözcüklerin sonunda **u, ü** gibi dar-yuvarlak ünlüler aranmaz, örneğin *kudu - kudi/kudi, Nuru - Nuri/Nuri, güzgü – güzgi, guyu – guyi, gutu – guti, ölü – öli, odun – odın, burun – burın* vb. (Şireliyev 1957, 37).

Azerbaycan dilinin Şeki ağızında ünlü uyumunun bozulması çoğunlukla sözcük eklerinde izlenilmektedir. Şeki ağızında uyumsuzluk iki grupta incelenir: 1. – si ince ünlülerden sonra kalın ünlülere ve 2. – si kalın ünlülerden sonra ince ünlülere rastlanılmaktadır.

Uyumsuzluğun birinci grubunda sözcük hecelerinde, örneğin *çirağ, meyva, səliga* vb.; ikincisi – yapım eklerinde: *yeylağ, mişətdiğ, biçinçiliğ, təmizdiğ* vb.; üçüncüsü – ismin ilişik halinde: *çəngəlın, Əhmədın* vb.; dördüncüsü – ilişik halinde olan *sen* ve *siz* adılarında: *sənın, sizin* vb.; beşincisi – iyelik eklerinde: *dədan, dədaz, elın, elız* vb. gibi bozulmalarına rastlanılmaktadır. İkinci grupta uyumsuzluk hemen hemen aynı olaylarda görülmektedir, örneğin *arhiye, başın, açın, boynün* vb. (İslamov 1968, 36-39).

Azerbaycan dilinin Muğan grubu ağızlarında çoğunlukla dudak uyumunun bozulmasına sebep olan **u – ı** karşılığına rastlanılmaktayız, örneğin *torun-torın, özü-özi, gumlug-gumlug, onu-oni, güldü-güldi* (Rüstemov 1955, 70-72).

Azerbaycan dilinin Nahçıvan ağızında da ünlü uyumunun bozulması izlenilmektedir. Nahçıvan ağızında uyumsuzluk çoğu hallerde sözcük eklerinde görülmektedir, örneğin iyelik ekinde: *yeria, yeruz, yerız, istədız* vb.; yüklem ekinde: *dediğ, demişğ, diyəriğ* vb.; gelecek zaman eklerinde: *işdiyəcəyiğ, gələciyiğ*; mastarlarda: *gezmağ*; ulaç eklerinde: *yediğda* vb. (Şireliyev 1962, 30-34).

olarak birbirini etkiler. Bu yüzden ünlü uyumunu morfonolojik olay olarak incelemeye gerekir. Bu fikir dolayısıyla bazı filologların dikkate değer düşünceleri izlenilmektedir. Böylece, F.A. Celilov'un ve T. Sadıkov'un görüşlerine göre türk dillerinde ünlü uyumu allomorfinin başlıca kaynağı olarak, muhakkak morfonoloji olaylarından (Celilov 1988, 63; Sadıkov 1995, 19).

Bir olgu herhansı bir dilde tam fonetik olay olurken, öbür dilde morfolojik belirtilerin çeşitli türlerini oluşturabilir. Demek ki, ünlü uyumu: 1.-si morfemlerin fonolojik görünüşünü belirler; 2.-si ünlü uyumu mevcut olan dillerde ek fonemleri sözcük kökünün fonolojik özelliklerine göre değişir ve 3.-sü genellikle bu uyum sözün fonolojik görünüşünü belirler.

Böylece, diyebiliriz ki yukarıda söylenenler ünlü uyumunun morfonolojik olay olduğunu bir daha doğruladı.

Ünlü uyumu diğer dil olaylarından daha çabuk günün konusu olmuş ve kimi araştırmacılar tarafından bitişimli dillerde başlıca prozodik* vasıta olarak kaydedilmektedir. Burada başlıca prosodik vasıta vurgu anlamına gelir. Ünlü uyumunun bitişimli dillerde Hint-Avrupa dillerinde olan vurgu kadar önemi var.

Türk dillerinin devamlı gelişme ve oluşma aşamasının sürecinde ünlü uyumu çeşitli değişikliklere uğramış ve farklı belirme tarzını kazanmış.

Akademisyen A. Ahundov'un dediği gibi: "Damak uyumu, temel kanun olarak tüm türk dillerine hastır, oysa dudak uyumu şu dillerde çeşitli biçimlerde görülmektedir" (Ahundov 1973, 36-38).

Bilindiği gibi, ünlü uyumu türk dillerinin özgül ve önemli özelliği olarak Danimarka bilgini V. Tomzen'e Orhon nehrinin kıyısında bulunmuş Küftigin yazıtının okumasında yardımcı olmuş.

Kimi dillerde ünlü uyumunun tam yitimi bile görülmektedir, kimi türk dillerinde ise eski veyahut bir dereceye kadar değişik biçimlere dönmesi izlenmektedir.

Yazılı belgelerde ve türk dilleri ağızlarında ünlü uyumunun bozulmasına gelince, diyebiliriz ki burada çoğu hallerde bozulma ezelden mevcut olan türk sözcüklerinde izlenmektedir. Demek ki, edebi dil kurallarının gelecek gelişme ve oluşması sürecinde ünlü uyumu ağızlardan daha çok türk dillerinde mütevaliyen izlenmeye başlar.

Ünlü uyumunun bozulması hususunda en çok yaygın görüşler dış faktörlerle bağlıdır. Çoğu türkologların fikrine göre bükümlü dillerin etkisi ünlü uyumunun bozulmasına sebep olur (Polivanov 1933, 17; Dmitriyev 1939, 5-6). Bizce türk dillerinde ünlü uyumunun bozulmasına hem dış hem iç faktörler etki göstermektedir. Çünkü, malum olduğu üzere, dilin tarihsel gelişmesinde dış ve iç

* prozodi: hece vurgularının uyumlu olması, arûz (عروض).

AZERBAJYCAN VE TÜRİK DİLLERİ AĞIZLARINDA ÜNLÜ UYUMUNUN BOZULMASI ZAMANI OLAN DEĞİŞİKLİKLER

• Dr. AYNEL MEŞADİYEVA*

Halihazırda türk dillerinde ünlü uyumu yeteri kadar incelenmiş sayılır. Bu olayın dil fonksiyonları artık bulunmuş ve tanımlanmıştır.

Ünlü uyumu tüm türk dillerine genel yapı olayı olarak, türlü türlü belirir. Bu yüzden ünlü uyumunun benzer ve ayırıcı özellikleri var.

Türk dillerinin gelişmesi ve onların çeşitli faktörlerin etkisi altında bulunmaları sürecinde ayrı türk dillerinin fonetik sistemi bir dereceye kadar değişikliklere uğrayarak özgü özellikleri kazanmış.

Bilindiği gibi, türk dillerinin ses diziminde benzer ve genel özelliklerden başka, ayırıcı vasıflar da bulunmaktadır. Bu özellikler bugüne kadar lengistik çözümleme ister. Aynı kökten olan dillerin düzenli morfolojik ve kelime uygunluklarını tavsif etmelerine rağmen, dil yakınlığının tesbit edilmesinde fonetik uygunluklar başlıca olgu sayılır.

Böylece ünlü uyumu ses diziminin sahası olarak türk dillerinin dil yakınlığını tesbit edilmesinde yardımcı vasıta gibi anlaşılır. Ünlü uyumu dolayısıyla uygulanan araştırmalar teoretik birliğin sınırlarının genişlemesine yardım eder, ayrıca türk dillerinin fonetik sistemini daha derin incelemeye ve uyumun ayrı ayrı olaylarının lingistik mahiyetini belirlemeye fırsat verir.

Bilindiği gibi, her fonetik değişiklikler genel kanunlara tabidir ve dilde hakim fonetik olayların doğal sonucu olarak ortaya çıkar. Ayrı ayrı dillerde olan değişiklikler fonetik sistemin özgüllüğüne bağlıdır.

Çağdaş türk dillerinin fonetik yapısının sırf bilimsel seviyede açıklanması ünlü uyumunun benzer ve ayırıcı özelliklerinin başlıca manasını açabilir.

Türk dillerinde ünlü uyumu sadece fonetik olay değil, aynı zamanda benzeşme türü sayılır. Ünlü uyumu temelli yapı olayı olarak dilin fonetik ve morfolojik katlarının tüm seviyelerine dokunur. Çeşitli türk dillerinde benzeşmenin türlü türlü görevleri var. Demek ki, sesbilgisi ve şekilbilgisi devamlı

* Azerbaycan Milli İlimler Akademisi, Nesimi Dilbilim Enstitüsü, Türk dilleri bölümü

*Biri dilərsə yazsa türkcə əlli- qırx kəlmə,
Çıqar araya özü bilmədən otuz gəlmə.
Gəlir dilə, nə qədər sən bağır ki, get, gəlmə!
Qalib bir az, bizi dildən sala dilimiz,
Kəsildi başımıza bir bəla bizim dilimiz.*

*...Evimizdə nə varsa nə miqdarda ev əşyası,
Ərəbcə, farscadır adları misi- tası,
Bir az da rusca qarışmış, gedüb bütün pası.
Bulub bu no ilə artıq cəlal bizim dilimiz,
Kəsildi başımıza bir bəla bizim dilimiz.*

*Məkatib içrə olan dərs, oqu kitablarımız
Ərəbcə, farsca deyil, anlarıq fəqət yarımız.
Hələ çoqalmadadır gün-günə bu cür varımız,
Qalaq, bizi bıraqarmı, dala bizim dilimiz,
Kəsildi başımıza bir bəla bizim dilimiz.*

Əli Nəzmi «Yeni yol» qəzetinin 10 mart 1923-cü il tarixli 9-cu nömrəsində isə «Mübarək adlar» başlıqlı felyetonunda alınma Azərbaycan şəxs adlarının mürəkkəbliyindən gileylənir və Əlicəfər, Gülməhəmməd, Məmmədhüseyn, Əbdülkərim, Pirqulu, Mollaqulu və s. tipli adlara qarşı çıxır. «Dilsizlik» şeirində isə həmin məsələyə münasibətini bu cür bildirir:

*Adım Həsən, babamın adı da Məhəmməddür,
Əmim Əli, dayımın ismi Kəblə Əhməddür,
Nənəminki Xeyransa, qardaşımınkı Əsətdür,
Açıldı mərzeyi- Kərbala bizim dilimiz,
Kəsildi başımıza bir bəla bizim dilimiz.*

Beləliklə, 20-ci illərdə milli sözlərə meyl özünün bir çox tələblərini diqtə edirdi. Bunlar yazı dilində (ədəbi dildə) qərarlaşmış milli, yaxud milliləşmiş leksikanın işlənməsi, xalq dilində geniş işlənən milli, yaxud milliləşmiş leksikanın yazı dilinə (ədəbi dilə) gətirilməsi və alınma sözlərin milliləşdirilməsi idi.

Ədəbiyyat

1. Şahtaxlı M. Seçilmiş əsərləri, Bakı, "Çaşıoğlu" nəş., 2006, 432 s.
2. Ağazadə F. Türk dilinin dirilmək və zənginləşdirilmək yolları (tükənəklər). ARDA, F. 389, s. 1, sax. vah. 60, 44 s. (əlyazması).
3. Xuluflu V. Lüğət işi-"Azərbaycanı öyrənmə yolu" jur., 1928, s. 12-15.
4. İbrahimova A. Azərbaycan leksikoqrafiyasının təşəkkülü, Bakı, "Mütərcim" nəş., 2000, 176 s.
5. Xuluflu V. İmla lüğəti, Bakı, Azərnəşr, 1929, 342 s.

Lakin ərəb-fars sözlərinə qarşı dayanan ideoloji qüvvə kifayət qədər güclü idi və təsadüfi deyildi ki, «Azərbaycan türk xalq danışığı şivələri lüğəti»nin girişində qeyd olunurdu ki, «sxolastik ərəb- fars istilahları sosialist mədəniyyətinin əməkçi kütlələr tərəfindən yaradılan qiymətlərini təsbitə əlverişli bir vasitə deyildir. Bir sözlə, ictimai inqilab dövrü və müasir sənaye üçün yeni istilahlara lazımdır» (5-3).

Milli sözlərə meylin artması özünü mətbuat orqanları içərisində ən çox «Yeni yol» qəzetində göstərirdi. Qəzet ədəbi dilin milliləşməsini təbliğ edən elmi- publisistik yazılar verməklə yanaşı, öz dilində də həmin prinsipə riayət edirdi. Məsələn, «Yeni yol»un 2 iyun 1924-cü il tarixli nömrəsində M.S.Ordubadi yazırdı ki, inqilabdan sonra işçilər (fəhlə sinfi) mətbuatı oxumağa başladılar və gördülər ki, yazı dili ilə danışığı dili arasında böyük fərq var. «İş belə olanda çığır- bağır qalxdı. Dil asanlaşdırma məsələsi ortaya atıldı. Ancaq əski ədəbi dildən ləzzət alanlara bu iş o qədər də xoş gəlmədi. «Ədəbi dil məhv olacaq, lorulaşma dövrü gəlir» deyə qovğalar qoydu. Bu qeyli qall və çəkişmə hamıdan artıq qəzetə və nəşriyyat başında duranları məşğul edirdi, çünki inqilab vasitəsilə yeni bir şərait doğmuşdu. O şərait mətbuatın işçi- əməkçi mətbuatı adlanmaq şəraiti idi».

Ədəbi dilin kütləvi səciyyə daşması, işçi kütlələrin normativ leksikon-terminologiyaya yiyələnmək ehtiyacının artması tələb edirdi ki, «birinci növbədə dilin asanlaşmasına, ərəb, fars kəlmələrinin atılmasına» diqqət yetirilsin. Bundan irəli gələrək «bir çoxları nə ərəb, nə fars, nə də əsl türk dilinə əlaqəsi, yaraşığı olmayan bir dil çıxarmaq həvəsinə düşdü. Şükür olsun ki, bunun qabağı tezliklə alındı...» M.S.Ordubadi ədəbi dilin leksik normasının sadələşdirilməsi mövqeyini davam etdirərək yazır: «Gərək biz çalışıb Azərbaycan işçisinə hər bir şeyi verdiyimiz kimi, onun itirdiyi ana dilini də tapıb özünə verək...»

Onun itirdiyi kəlmələri tapıb, bugünkü qəzetə dilimizdəki ərəb, fars kəlmələri ilə əvəz eləyək». Müəllifin fikrincə, «bu gün Azərbaycanda bir çox kəndlərimiz, qəzalarımız var ki, keçmiş burjua mədəniyyəti oralara girə bilmədiyini kimi, onların ərəb və farslaşmış ədəbiyyatı dəxi o yerlərə girməmişdir. Biz axtardığımız türk kəlmələrini ancaq onlardan tapa bilərik. Bu işə lazım olacaq sözləri toplayıb bir «səyyar komissiyası» vasitəsilə kəndlərdən və qəzalardan istifadə etməliyik. Əksinə olaraq burada ərəb və farslara qarşılıq yaratmaqla məqsədə varə bilərik».

M.S.Ordubadinin xalq sözlərini ədəbi dilə gətirmək, qəliz ərəb və fars sözlərini milli kəlmələrlə əvəz etmək çağırışı təkcə «Yeni yol» qəzetinin deyil, ümumən dövrün dil siyasəti idi. satirik şair Əli Nəzmi «Yeni yol»un 29 sentyabr 1924- cü il tarixli 29- cu nömrəsində «Kefsiz» imzası ilə çap etdirdiyi «Dilsizlik» şeirində deyirdi:

kəlmələr yaratmaq ilə barabar bir də fot olmuş kəlmələri diriltmək və canlandırmaq mümkündür. Məsələn, «səttarə» əvəzinə «çizgic», «səndaliyə» əvəzinə «oturğuc», «dəstə (ruçka)» əvəzinə «dutquc» kəlmələrinə diqqət edilərsə, az bir zamanda haman fot olmuş kəlmələr dirilməyə başlar. Qıçuc, dartqıç... kimi gözəl türk kəlmələri dururkan «iki it» mənasına olan «kəlbətəyn»in dilimizdə nə işi vardır?» (2- 6).

F.Ağazadə ərəb mənşəli sözlərin işlədilməsinin daha çox əleyhinədir, lakin rus- Avropa sözlərinin lüzumsuz istifadəsinin də əleyhinə çıxır: «Qaplıca (qapalıca= kurort), qaynarça, ilicə, dəmirliçə, kükürtlücə... kibi tamam mədənlər sularımızın adları dilimizdə dururkan başqa dillərin üstünə yüngürməyin faydasını anlamıram» (2-7).

20-ci illərin dilçilik fikrində milli sözlərə meylin xeyli dərəcədə ideolojiləşmiş mövqedən təqdim olunduğu da diqqəti cəlb edir. Dövrün görkəmli leksikoloq lüğətçilərindən olan V. Xulufu «Lüğət işi» adlı məqaləsində (1928) müəllif ədəbi dil ilə xalq dilini qarşı- qarşıya qoymaqla o, «yüksək təbəqənin, ali sinfin, burjuaziyanın» dili hesab etdiyi ədəbi dil materialını «toplamaqdan vaz keçməyi» təqdir edirdi (3-13). Əlbəttə, V.Xulufunun aşağıdakı fikri də, nə qədər ziddiyyətli, yaxud yanlış olmağından asılı olmayaraq, dövrün ideoloji marağını ifadə edir:

«Həqiqətən, xalq kəlmələri kapitalını toplamaq üçün əvvəlcədən müəyyən bir xətti- hərəkət götürülməli idi. Bu xətti- hərəkət də lüğətin məqsədini müəyyən etməli idi. Bizim məqsədimiz Azərbaycan canlı dilinin kapitalını, mədəni kapitalını və istehsal prosesi zamanı şeylərə və onu əhatə edən insanlara (sınıflara, qruplara) qarşı olan münasibətini və mövqeyini bildirmək üçün malik olduğu lüğət kapitalını toplamaq olduğundan biz ali sinfin, burjuaziyanın həyat ehtiyaclarını və mədəni tələblərini ifadə və zəf edən kəlmələri toplamaqdan etiraz etdik» (3- 14).

Azərbaycan leksikoqrafiyasının təşəkkül tarixini araşdırmış A.İbrahimova yazır: «Alim (V.Xulufu- F.K.)belə hesab edirdi ki, burjuaziyanın öz dili, proletariyatın- əməkçi xalqın öz dili olmalıdır. Amma bu məsələdə alimi tamamilə qınamaq olmaz. Çünki «yüksək təbəqə» özlərini əməkçi xalqdan ayırmaq üçün istər- istəməz yad ərəb- fars kəlmələri ilə, ya da rus sözləri ilə öz nitqlərini «bəzəyirdi» (4-38).

V.Xulufu Azərbaycan xalq dili lüğətindən danışarkən «şovinst millətçi» mövqeyə də qarşı çıxır, «vaxtilə ərəb və fars fəthlərinin qılınc zərbəsi, sonralar ticarət vasitəsi ilə islamiyyəti qəbul edən türklər əsil ana dilinin kəlmələrini unudub fars və ərəb kəlmələrini qəbul etməyə başlamışdır» fikrinə etiraz edərək yazırdı: «Bizim lüğət (Azərbaycan xalq dili lüğəti – F.K.) bir çox həqiqətlərin üstünü açacaqdır. Azərbaycan zəhmətkeşləri arasında qonşu xalqlardan, yəni gürcü, rus, ləzgi, tat, talış və sairələrə və vaxtilə orta əsrin böyük mədəniyyətinə (feodal mədəniyyətinə) malik olan ərəb və farslardan nə qədər kəlmə almış olduğunu göstərəcəkdir» (3-14).

«Allah kəlməsi Tanrı kəlməsindən daha artıq türk kəlməsidir, çünki ondan çox istemal olunur (işlənir) və ondan çox əhalimiz buna alışmışdır» (1-224).

M.Şahtaxlı «Yeni Yol»un 28 oktyabr 1923-cü il nömrəsində isə başqa bir məsələyə toxunur; ərəb, yaxud fars dilindən alınmış cəm formalarına qarşı çıxır: dinlər əvəzinə ədyan, alimlər əvəzinə üləma, süxənvərlər əvəzinə süxənvəran işlədilməsini, heç bir ehtiyac olmadığı halda, dilə yeni söz gətirilməsini tənqid edir (1-226). «Türkcəmizi həqiqətdə türkcə etmək» adlı həmin məqalədə üləma sözü üzərində dayanaraq onu təkdə, məhz «müsəlman ruhanisi» mənasında işlətməyi məsləhət görür» (1-227).

Ümumiyyətlə, dövrün leksik norma müzakirələrində maarifçi- demokrat ziyalıların türk mənşəli sözlərlə türkləşmiş ərəb və ya fars sözlərini bir qrupda birləşdirməyə çalışması tamamilə təbii idi və ədəbi dilin tarixən qazandığı norma keyfiyyətini qoruyub saxlamaq istəyindən irəli gəlirdi. Yüz illər ərzində həm semantik, həm də fonetik baxımdan Azərbaycan türk dili təfəkkürünün mənimsədiyi Şərqi mənşəli leksikonun dildən çıxarılması sadəcə mümkün deyildi, bu, ədəbi dili zəiflətmək, eksperimentlər obyektinə çevirmək, yaxud rus- Avropa dillərinin müdaxiləsi qarşısında müdafiəsiz qoymaq demək olardı.

Lakin dildə ərəb, fars sözlərinin çoxluğu elmi- ictimai təfəkkürün etirazları ilə də qarşılanırdı.

F.Ağazadə (Şərqli) 1923-cü ildə yazdığı «Türk dilinin dirilmək və zənginləşdirilmək yolları (tükənəklər)» əsərində qeyd edir ki, «hərgah bu günkü türkcəmizin dördü üçü ərəbcədən alınmışdırsa, bunun bir çox səbəbləri vardır ki, başlıcası – minlərlə türk sözlərinin ərəb hərflərinə uydurulmaması olmuşdur: hər kəlmənin imlasında az-çox çətinlik duyan yazıçılar o kəlməni atıb əvəzində ərəbcəsini meydana fırlatmışlar» (2-1). Müəllif ümumiyyətlə dövrün romantik inqilabi xarakterinə uyğun olaraq ərəb dilinin türk (Azərbaycan) dilinə təsirinin qəti əleyhdarı kimi çıxış edir: «Şərqi dillərinin üstündə ağalığ sürmək istəyən «müqəddəs» ərəb dili türkcəmizi öldürmək istədisə də, öldürəmədi, ancaq yarımcan qıldı» (2- 2).

Ana dilinin milli sözlərlə zənginləşdirilməsi, ərəb mənşəli vahidlərdən təmizlənməsi hərəkatını alqışlayan F.Ağazadə «dili türkləşdir»məyin yolunu milli köklərə milli şəkilçilər (tükənəklər) artırmaqla yeni sözlər yaratmaqda görür: «Türk dili doğurdan bir dildir, belə ki, bir kəlmənin axırına bir tükənək (sufliks) qoyduqca kəlmənin mənası da başqalaşır. Məsələn: ağa, ağac, ağır, ağırşaq, ağız, ağsaq kəlmələrinin kökü «ağ- maq»dır... hər dilçiyə vacib odur ki, dilimizin tükənəklərini və o tükənəklərin hankı kökə, hankı formaya qoşulmaq yerlərini bilsin» (2-4).

Əsərin əsasını təşkil edən «Türk sözlərinin tükənəkləri» lüğətindən görüldüyü kimi F.Ağazadə süni sözlər yaratmaqdan daha çox təbii söz yaradıcılığına üstünlük verilməsini istəyir. «Məsələn, -qan və -ğıc tükənəklərini «alışmaq» və «yandırmaq» fellərinə qoşaraq «kibrit» əvəzinə «alışqan», «zajıqalka» yerinə də «yandırğıc» kəlmələrini törətmək mümkündür. Yeni

1920-ci İLLƏR AZƏRBAYCAN ƏDƏBİ DİLİNİN LEKSİK NORMASINA MÜNASİBƏTDƏ ƏSAS TƏMAYÜLLƏR: MİLLİ SÖZLƏRƏ MEYL

• Kərimli Firəngiz Qabil qızı*

Azərbaycan ədəbi dilinin leksik normasının müəyyənlişməsi 20-ci illərdə kifayət qədər ciddi müzakirələrlə müşayiət olunduğundan bir sıra meyllər qarşı- qarşıya gəlir, böyük elmi-ideoloji ziddiyyətlər yaranırdı. «Hansı kəlmələrdən (leksik vahidlərdən) imtina etməli, hansı yeni kəlmələri qəbul etməli?» sualı dövrün mətbuat orqanlarında, dilçilik əsərləri və müzakirələrində tez-tez səslənirdi.

20-ci illərdə ədəbi dilin leksik normasının müəyyənlişməsində əsas mədəni- ictimai meyl milli sözlərə idi. Ana dilinin lüğət fondunu təşkil edən, başqa sözlə, dilin leksik əsaslarını yaradan vahidlərə qarşı hər hansı şübhəli münasibət ciddi elmi-ideoloji müzakirələrdə həmişə rədd olunmuşdur. Lakin «milli kəlmələr»ə nəyin daxil edilməsi məsələsində mübahisəlilik qalırdı; belə ki, həmin sözlərə aşağıdakılar aid olunurdu:

1) yalnız Azərbaycan türkcəsinin hüduduna daxil (ədəbi, yaxud dialekt səciyyəli) türk mənşəli sözlər;

2) yalnız Azərbaycan türkcəsinin hüduduna daxil (ədəbi, yaxud dialekt səciyyəli) türk mənşəli və ərəb, fars dillərindən keçərək türkləşmiş sözlər;

3) ümumən türk dilləri miqyasında, yaxud Azərbaycan türkcəsinin də daxil olduğu türk dilləri hüdudunda işlənən türk mənşəli və türkləşmiş sözlər.

Ədəbi dilin lüğət tərkibinin milli sözlər hesabına zənginləşdirilməyin tərəfdarı olan M.Şahtaxtı «Yeni yol»un 18 oktyabr 1923-cü il tarixli nömrəsində çıxan «Yazı və yainki ədəbi dilimizin əskiklikləri» məqaləsində yazır: «Hər bir mənə ki, türk kəlməsi ilə söylənilə bilərsə, onu əcnəbi bir kəlmə ilə söyləmək, istər bu kəlmə ərəb və fars dilinə mütəəliq olsun, istər Avropa dillərinə olsun, cayız deyildir. Bunu cayız bilməyən onun, mənim ədəbi səliqəmiz olmayıb, hamı mədəni dillərdə cari olan qaydadır» (1-223). Bununla belə müəllif «əcnəbi söz» dedikdə əcnəbi mənşəli sözlərdən daha çox «öz dilimizi öz əhlimizə yad eyləyən» leksimləri nəzərdə tutur; məsələn, ona görə,

* BDU, türkologiya kafedrası

وارلیق

فصلنامه فرهنگی، ادبی، هنری به زبانهای ترکی و فارسی

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: دکتر جواد هیئت

دبیر: محمدرضا هیئت

شماره امتیاز: ۸۵۳۸

آدرس:

تهران، شهرک قدس، فاز ۲، خیابان هرمزان، برج ۹، طبقه ۳، شماره ۲

VARLIQ

Quarterly Journal in Turkish and Persian

Chief Editor: Prof. Dr. Javad HEYAT

Editor: M. Rıza HEYAT

Address: No. 2, 3rd fl., Tower 9, Hormozan Ave., Phase 2,
Shahrake Ghods, Tehran, I.R.IRAN

ISSN: 1023-7186

Web:

www.varliq.com

E-mail:

mrheyet@yahoo.com